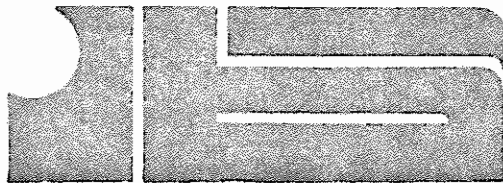


مرکز برامپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کاورگان وز حمتکشان
متحد شوید



آرگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
«اکثریت»

سال سوم - ۲۲ بهمن ۱۳۴۰
شماره ۱۴۸ - ۴۴ صفحه - ۵۰۰ ریال

ویرود سومین سالگرد انقلاب

سرود پیروزی بزرگ سومین سال انقلاب

زنده باد «مرکز برامریکا»، زنده باد انقلاب

در صفحه

مملکت مال زاغه نشین هاست



۶۴ سال چهارمین سال انقلاب بزرگ مردم ایران، سال اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب، سال فداکاریهای عظیم تر در راه پاسداری از اصولهای انقلاب، سال درهم شکستن های پیروزنده تر ترغیب های امپریالیسم آمریکا و سال براندازی بزرگ و کفر کلان سرمایه داری، سال آغاز تحقق خواست های محرومان، حمتکشان، کوح نشینان، "زاغه نشین ها"، "جنوب شهری ها"، "پابرهنگ ها" را به مردم قهرمان ایران و امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تبریک و تهنیت می گوئیم.

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت خجسته سالروز انقلاب

در صفحه ۲

به یاد رزمندگان شهید
حسبه های جنگ تحمیلی

از مقاومت
ایتازگرا نه خلق
تا حماسه های
ظفرمند

در صفحه ۴۰

در چهارمین سال انقلاب:

عرصه ها و استکال
حرکات ضد انقلابی
را بشناسیم و آن را
باشکست مواجهه
سازیم

در صفحه ۳۶

بناسبت ۲۹ بهمن سالروز اعلام موجودیت سازمان

در راه وحدت

امروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به مناسبت دو گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در دو سازمان جداگانه و مستقل متشکل شده اند. هر دو آنها در پیکار انقلابی طبقه کارگر مهنجان و در مهمترین نبردهایی که سرنوشت خلق و انقلاب را جهت می دهد و معین می کند، در یک سنگر واحد قرار گرفته اند.

وظیفه انقلابی و مبرم همه ما نیروهای اصیل و صدیق بیرو سوسیالیسم علمی، کوشش بیگانه در راه وحدت گردان های پیشاهنگ طبقه کارگران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

در صفحه ۲۵



حماسه ما، پویندگی هاست

در صفحه ۱۹

دهقانان:

مبارزه ای بیگیر در راه

براندازی بزرگ مالکی

در صفحه ۹

بزرگترین پشتوانه انقلاب
در مقابله با توطئه های آمریکا

تلاش خستگی ناپذیر طبقه کارگر

برای افزایش تولید

در صفحه ۸

سومین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی مبارک باد

Masran Zavaluv Schahmer
Masran Zavaluv

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت خجسته سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران

هم میهنان گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرا رسیدن سومین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران را - که مرحله‌ای سوبن و امید آفرین در تاریخ کشور ما بی‌افکنده است - به همه شما، به رهبر انقلاب امام خمینی و به همه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نادیده نمی‌گیرد. مردم میهن ما در سومین سالگرد انقلاب، با سرافرازی به حاصل کار خویش می‌نگرند. ایستادگی و اسرار شکوهمند خلقهای میهن ما در برابر ددمنانه‌ترین توطئه‌های امپریالیسم جهانی سرگردگئی آمریکا و ضد انقلاب داخلی متحد آن صام پیروزی‌های بزرگی در سومین سال انقلاب و نویدبخش پیروزی‌های هر چه بیشتر آینده است. اطمینان داریم که انقلاب با پشتیبانی شما هم میهنان زحمتکش و یانگیه بر نیروی بی‌پایان شما می‌تواند پیروزنده کامیاب هر چه بزرگتری به پیش بردارد.

هم میهنان مبارز!

در سومین سال انقلاب توطئه‌های امپریالیسم جهانی سرگردگئی آمریکا و متحدین آن برای درهم شکستن انقلاب ما دامنه بی‌سابقه‌ای یافت. جنگ خمیلی رژیم ارتجاعی عراق برای از یاد آوردن انقلاب ایران تکیه بر حمایت‌های توطئه‌های امپریالیستی است. همچنان توطئه‌ور است. در سومین سال انقلاب پس از درهم شکستن خط امپریالیستی صدر و یاس اسحاق و هاشمی بیشتر در صفوف سروهای مسلح، انقلاب ما با سببانی فعال و اعجاز انگیز شما مردم موفق سد سروری‌های میهنی در حاکم علیه تجاوز امپریالیستی صدامی بدست آورد. و طبعه انقلابی و میهنی ماست که برای درهم شکستن تجاوز و رفع کامل تجاوز با همه امکانات و همه طرق ممکن جنبه ویت جنبه را تحکیم و عویبت کسم ما باید برای دفع تجاوز، همه امکانات نظامی، سیاسی و تبلیغاتی را در عرصه بین‌المللی متوالیه بکارگیریم. باید در عرصه جهانی هر چه وسیعتر نشان دهیم که خواهان صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس اصل عدم تجاوز با تمام کشورهای هستیم که استقلال و حق حاکمیت مارا نقض نمی‌کنند. ما باید حقانیت خود را در این جنگ به گوش جهانیان برسانیم.

امپریالیسم آمریکا علاوه بر حمایت از رژیم صدام، می‌کوشد سایر حکومت‌های سرسپرده و ارتجاعی منطقه از جمله اسرائیل، مصر، عربستان، اردن و هم چنین ترکیه و پاکستان را علیه انقلاب ایران مسلح و منحصر سازد. این کشورها امروز به پایگاه توطئه و تجاوز علیه انقلاب ایران و به لانه تجمع ضد انقلابیون فراری ایران تبدیل شده‌اند. هدف جهانی امپریالیسم آمریکا از تشدید این توطئه‌ها سرنگونی رژیم امپریالیسم جهانی و سرنگونی رژیم صدام است. اگر آمریکا و عواملش نتوانند به این هدف دست یابند، نقشه خریه جنوب ایران را به اجرامی گذارند. تمام کوشش آنها این است که اگر موفق شدند تمام کشور ما را از آن خود سازند، قسمتی از ایران را تکیه‌های در افعال خود در آورند که همه مناطق و مرزهای استراتژیک جنوب کشور را در اختیار خود گیرند. خام فکری محض است اگر کسی حال کند که آمریکا به اسنادگویی‌ها استقلال ما نمی‌دهد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر نسبت به خطر تجاوز امپریالیستی ارکسورهای محاور منطقه به میهن و تسدید لاس‌های آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران هشدار می‌دهد. مناسب است به سدید توطئه‌هایی همدارمی دهیم که در حوره صلح فارس تحت بوس "شورای همکاری‌های خلیج برای کمک به اجرای همه" پس گرفتن تمام با قسمتی از ایران، توسط آمریکا و اعمال آن دسالم می‌خود.

هم میهنان گرامی!

بزرگترین پیروزی سومین سال انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران درهم شکستن توطئه امپریالیسم آمریکا برای روی کار آوردن دولت میانه‌رو توسط جنبه متحد ضد انقلاب بود که زیر علم بنی صدر گرد آمده و سرکاره خط سارشی با امپریالیسم را پیش می‌برد.

در اسر سمداری، اتحاد و عزم راسخ شما هم میهنان مبارز و یار همی مدبرانه امام خمینی این توطئه خطرناک امپریالیسم درهم شکست، جنبه گرد آمده زیر علم بنی صدر ملامتی شد، خط سارشی به زیر کشیده شد و خط ضد امپریالیستی امام خمینی در حاکمیت به میزان زیاد حکمیت شد.

ما سومین سال انقلاب را در شرایطی آغاز کردیم که آمریکا چشم امید خود را به خط سارشی، به بنی صدر و به جنبه‌ای که زیر علم او گرد آمده بودند دوخته بود و چهارم سال را در شرایطی آغاز می‌کنیم که

ان خط سارشی و آن جنبه، ضد انقلابی درهم شکست و بنی صدر خائنه به متحدین و افغیش یعنی امپریالیسم پناه برد. این پیروزی گامی بزرگ جلوی بود باعث روشن شدن هر چه بیشتر صف دوستان و دشمنان انقلاب و اتحاد هر چه بیشتر زحمتکشان زیر شعار "سری بر آمریکا" شد.

تکست مفتوحانه بنی صدر، ضد انقلاب را هارتر کرد. امپریالیسم آمریکا همه عوامل خود را برای ترور و تحریب و دامن زدن به جو نامی بکار انداخت. عناصر چپ نفاق ریب خورده و در اسر همه رهبری خائن محاهدین خلق در این توطئه محری غشه‌های امپریالیسم شدند. این جنبه ترور و تحریب با کثیف ترین و جنایتکارانه‌ترین شوه‌ها تعرض مسلحانه خود را علیه انقلاب آغاز کردند.

ضد انقلاب با پوشش مذهبی موفق شد عوامل خود را در ارگان‌های انقلابی و حکومتی جایزند و با استفاده از این امکانات دهه‌ها از شخصیت های موز و سرشناس مومن به انقلاب از ره بهستی‌ها، محمد منتظری‌ها، رجایی‌ها، باهنرها و دیگران را به شهادت رساند و کام امپریالیسم را شترین سازد. این توطئه آمریکایی به قیمت شتابی زندگی هزاران نغزاد دختران و پسران معصوم گمراه تمام شد که نادانسته در این دام غلطیده بودند. جوانانی که می‌توانستند و می‌بایست در خدمت انقلاب قرار می‌گرفتند.

ما هم میهنان بی‌باخته با هشاری جستمگیر و با حمایت فعال ار جند امام خمینی اکنون موفق شده‌اید این توطئه سوم پیروزی را مهار و آن در اساس با شکست مواجه سازید.

هم میهنان مبارز!

ما در سومین سال انقلاب باز هم بیشتر بسوی کسب استقلال و این پیش رویمیم. بیکار حاد سروهای انقلابی پیرو و پشتیبان خط امام علیه توطئه‌ها و ترندهای خط سارشی، آگاهی نوده‌ها را از دشمن اصلی و دوستان انقلاب افزون ساخت. مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران در این سال موفق شدند تصمیمات معینی را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت جدا کردن دوستان و دشمنان انقلاب ایران بعمل آورند. وزارت خارجه که تا قبل از سقوط بنی صدر خائن قبول دوستان و جاسوسان امریکابود، در اختیار نیروهای مدافع انقلاب قرار گرفت. ما این همه سیاست جاری جمهوری اسلامی ایران هنوز هم بویژه در ارتباط با دوستان انقلاب، محتاج تصمیمات جدی است. شعار استقلال که شعار مقدم و اساسی انقلاب ماست خواهان از میان بردن همه وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به سیستم جهانی امپریالیستی است. گرچه انقلاب در این سه ساله گام‌های بلندی بسوی کسب استقلال کامل سیاسی و نظامی و خروج از پیمان‌های امپریالیستی برداشته است، با این حال تقریباً تمام اقتصاد ما و حوزه‌های فرهنگی ما به غرب امپریالیستی وابسته مانده است. وجود این وضعیت که معایر هدف‌های انقلاب شکوهمند ما است مسئولیت و وظایف سنگینی را بر عهده جمهوری اسلامی ایران نهاده است. خلق ما مصمم است و می‌تواند به این وابستگی‌های خفت‌بار و اسارت‌آور به سیستم جهانی امپریالیستی خاتمه دهد. باشد که در چهارمین سالگرد انقلاب در اسر راستا پیروزی‌های بزرگی بدست آوریم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) عمقا بر این اعتقاد است که یگانه راه ایستادگی نیرومندان در مقابل دشمن جهانی انقلاب ایران و تکسب همه توطئه‌های امپریالیسم جهانی سرگردگئی آمریکا، که امروز بصورت تجاوز نظامی، محاصره و تحریم اقتصادی، تحرکات سیاسی و جنگ تبلیغاتی با شدت تمام ادامه دارد، دوستی و اتحاد با همه کشورها و جنبه‌هایی است که همچون ما درگیر همین مبارزه هستند. گانه راه تضمین شده و بی‌گزین حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و تحکیم آن، یگانه راه برای تامین رفاه زحمتکشان و گام نهادن در راه پیشرفت و ترقی اجتماعی، رشد و توسعه اقتصادی کشور همانا پیوستن به جنبه جهانی عظیم و نیرومند ضد امپریالیستی است.

هم میهنان عزیز!

امام خمینی در پیام نوروزی ۱۳۶۰، اسام را سال قانون اعلام

کردند، در سومین سال انقلاب کامیابی در راه استقرار قانون برداشته شد. نهاد های انقلابی تحکیم بیشتری یافتند. به دنبال انتشار اطلاعات ۱۰ ماهه دادستانی انقلاب فوه، قضایه و دولت پایبندی خود را به اسر اطلاعات اعلام نمودند.

مجلس شورای اسلامی نیز در سومین سال انقلاب کوشش موفری در



حجت بدون قواست نگارست، اما هنوز تا استقرار قانون راه بسیاری در پیش است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده است که گرچه بخشی از موارد عدم اجرای قانون ناشی از عواملی چون بویابی جمهوری اسلامی ایران و بخشی نیز ناشی از جنگ و شرایط خادو و بی‌توجهی‌های یوده است که صد اغتلاب با جو ترور و ارعاب در بهار و تابستان در منب ما ایجاد کرد، اما مطلقاً "خطا است که تصور شود تمام موارد بقی قانون به همین عوامل منحصر بوده است.

اعمال عبود و خرابکاری ضد اغتلاب و همچنین عبود گسترده عناصر شک‌ظفر، خودم‌حور، فتری و کونه‌بین را هم باید اکیداً مورد توجه قرار داد.

ما استدوارم در چهارمین سال اغتلاب و حکم بیست‌ر جمهوری اسلامی موانع استقرار قانون از میان برداشته شود.

هم‌میهنان مبارز!

آزادی و حق فعالیت سیاسی مستقل برای همه احزاب و سازمان‌های مدافع اغتلاب و جمهوری اسلامی ایران مقدم‌ترین شرط اتحاد همه‌سروهای اغتلاب است. سایر محدودیت در راه‌آزادی فعالیت این احزاب و سازمان‌ها تعرفه و حدانی را در میان همه سروها دامن می‌رند. اسرائیلم همه جان هم‌اندازی سروهای مدافع اغتلاب را می‌کند. امریکا تاکنون بویه در روزهایی که موج تروریسم تا آلا می‌گرفت به رد‌تلاش‌سرس شکل ممکن کوشیده است سایر سروهای ضد اسرائیلمتی و مردمی را در مقابل فداان اکثریت و یوده‌های‌ها فرار دهد و بدر کیمه و دسمی را میان سروهای خلقی ساند. با اینکه حزب یوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بایستی اکید خود را به قانون اساسی و اطلاعاتیه ۱۵ ماده‌ای دادسنان اغتلاب اسلامی اعلام کرده و در غفلت بر بدان وفادار مانده‌اند تا این‌همه تا امروز به سپا عبور هم از حق اسرار رسمی سربان خود از حق دانستن دفتر و محل اجتماع و حواس‌تفاده از رسانه‌های گروهی محروم‌ند بلکه در یک‌ساله گذشته با انواع و اقسام تمسبات، برداشتها و صدور احکام غیر قانونی در سقاط محلف مواحه یوده‌اند. این وضع که در تمام سال گذشته ادامه داشت سبب در این اواخر اشدکی از عذب آن گشته یوده است. بکوسم تا در چهارمین سال اغتلاب تا سانس آزادی‌های سیاسی مضرحه در قانون اساسی بلامتغای غای امکانه و معرفه‌حویه را تا نکست نظمی مواحه سارم. بکوسم تا موانع قانونی و غیر قانونی از سر راه شکل‌گازگری و رزمکنان شهر و روستا برداشته‌شود. اجس‌های صفی و نوراهای کارگری بدون کوچکترین مانعی شکل‌گازند و همه سروی سازمان یافته آن در خدمت اغتلاب درآید. بکوسم تا در چهارمین سال اغتلاب دیگر کسی به حرم داسن عقیده از کار محروم و اخراج‌شود و اغتلاب در سانی سطح از همه سروهای مومی به جمهوری اسلامی با هر مرام و عقیده‌ای بهره‌گردد و دست عناصر ضد اغتلابی و خرابکار دستگاه‌های دولتی کوتاه‌گردد. عناصر شک‌ظفر و واسکران می‌کوسند مامع سرک معال ریان در امر بولد و خدمات اجتماعی‌گردد. کسراال‌ها و طرفداران نظم ظامونی می‌کوسند شخصت و شان ولای ریان را بایستادال کنند. اغتلاب که با سرک فعال یوده‌های ملیونی ریان رزمکنش به بیروزی رسید سیم آزادی واقعی ریان را بویده داده است. بکوسم تا در چهارمین سال اغتلاب تلاش‌های کسراالی و شک‌ظفرانه را خسی کیم و ریان سبب در عزمه مبارزه درراه آزادی مستقل، آزاد، سرومند و دیگرکاک آجماکه باید به مقام واقعی خود دست یابد.

هم‌میهنان مبارز!

در سومین سال اغتلاب مساله کردسان همچنان یکی از معضلات اغتلاب ما باقی ماند. مردم کردسان از دو سو رنج می‌کنند. از یک سو با فاسطوی حاشی، خون مردم کردسان را بر زمین می‌رورد و از سوی دیگر محدودیت‌های خلق‌گردد که از نظام ظامونی بجا مانده است گلوی مردم کردسان را می‌سازد. در سومین سال اغتلاب گرچه مدافعان اغتلاب به دازو دسه فاسطوی حاشی کسکته‌های سبک‌های وارد ساحند و گرچه ماهب این باید ضد اغتلابی بسمر اتنا نده است با این همه عبور در جهت برآوردن حقوق ملی مردم کردسان اقدام حدی یوده است. ما بار دیگر از مسئولین جمهوری اسلامی ایران می‌چواهم که در چهارمین سال اغتلاب پیام تاریخی ۲۶ آبان ۱۳۵۸ امام خمینی را مورد توجه قرار دهند و با فراهم کردن شرایط برای نامس حق خودم‌جاری (خودگردانی) اداری و فرهنگی مردم کردسان کانی حدی در جهت کسکت کامل عوامل ضد اغتلاب در منطقه کردستان و دیوسی و عظام و همسکی خلق‌های میهمان در برابر اسرائیلم و ضد اغتلاب داخلی بردارد.

مردم مبارز ایران!

در سومین سال اغتلاب موضع‌گیری فاطمه امام خمینی در تعویض احزاب به مجلس شورای اسلامی و حمایت وسیع اکثریت مجلس و سپهرین سبادهای اغتلابی از انجام اصلاحات عبود رزمکنان جسم‌انداز مسمی را سوت می‌دهد. لکن عبور تقریباً همه هدف‌های اغتلاب در رسم "عدالت اجتماعی" دست‌خوره باقی مانده‌است.

اکنون که تسلط سروهای عبود خط امام بر مواضع کلیدی بطور همه جانبه‌تر تحکیم شده‌است، و اکثریت فاطمه مجلس شورای اسلامی و سبادهای اغتلابی از خواست‌های ملیون‌ها یوده رزمکنش میهن برای انجام اصلاحات بنیادین حمایت می‌کنند، بی‌کمان دیگر مخالف‌حواشی‌ها به‌سرسکل و سبویه نباید کوچکترین ترزلزل و تردیدی در انجام موری اصلاحات ضروری اقتصادی، اجتماعی عبود رزمکنان ایجاد کند. جمهوری اسلامی ایران در تحقق این آرمان رزمکنان مسئولیت تاریخی دارد.

تمام ترور ملی ما، شان ما، نعمت ما، مسکن ما، همه چیز ملت ما فقط و فقط بدست همین مردم رزمکنش تولید و ساخته می‌شود. رزمکنان میهن باریسکین حبسه‌های جنگ و مبارزه تا صد اغتلاب را بدوش می‌کنند و کاروان بی‌ایان شهید را تقدم اغتلاب می‌دارند. اما سرمایه‌داران و رزمیداران در جسن شرایطی حتی بان شب محروم‌ن و کفن شهیدان راه استقلال و آزادی میهن را احکاز می‌کنند تا مگر در بچیوجه تجاوز همه جابه دسمن، اسارهای خوبی را اساس‌بدر نگاه‌دارند.

این مردم بحق انتظار دارند که اگر کسکی بنگدسیر، بی‌ماری و بی‌سوادی نجات یابد و به‌مان وضع خانه‌ده داده شود.

مناسک‌ها امروز نگذاشته‌اند همه تک از لواح اصلاحات ارتبی، بازرگانی خارجی، تضمین حدود مالکیت دولتی، معاوسی و خصوصی لاجه‌مسکن اراضی شهری و سره از تصوب مجلس نگردد و هیچ قانونی جیابولگری لحام‌کسبخته سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را سبهار نمی‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سومین سال‌گرد اغتلاب مسئولین جمهوری اسلامی را مخاطب قرار می‌دهد و اکید می‌کند، که حلت اعتماد یوده‌های مردم، حکم حکومت‌برداری و سکی بر آزاده یوده‌ها و باسداری همه جابه در سرورم‌ساده از اغتلاب در برابر دشمنان ددسمن در گرو برانداحه سربانه‌داری و بزرگ مالکی و مهارکردن سرمایه‌داری است.

هم‌میهنان مبارز!

دسمن اصلی و خطرناک اغتلاب ما اسرائیلم امریکاست. خطر اسرائیلم امریکا همچنان استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند.

در این فرجیده سالروز اغتلاب آنچه سنی از هر جز ما را در برابر یونطه‌های اسرائیلم و دیگر دشمنان اغتلاب کسکته‌باندیر می‌سازد، یکانه‌راه مطمئن و بی‌گریب نیست، حکم و کسکتن اغتلاب سکوهمد ضد استنادی، ضد اسرائیلمتی و مردمی ایران اتحاد همه نیروهای مدافع اغتلاب در یک حبسه متحد است. خلق عازهای اساسی اغتلاب یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی اتحاد همه سروهای اغتلابی را با هر مرام و عقیده‌ای طلب می‌کند. اتحاد، بر مرفا و سروری ماست. رمز نابودی یونطه‌های اسرائیلم، رمز کسکت خرابکاری ضد اغتلاب، شرط علبه بر دسوارهای اغتلاب اتحاد همه نیروهای خلقی نحم رهبری امام خمینی رهبر اغتلاب و سنان گذار جمهوری اسلامی است.

ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) که با تمام سرو و نامی جان در راه استقلال، آزادی و سکوفایی جمهوری اسلامی ایران می‌روزم بار دیگر همه سروهای اغتلابی راستین را به اتحاد دعوت می‌کنم. ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) که خود در سراسر میهن، چه در حبسه‌های جنگ علیه تجاوزگران چه در سکرهای بولد در کارخانه‌ها و مزارع، همراه و همدوش سلفانان اغتلابی سرو خط امام به دفاع از میهن اغتلابی و دساوردهای اغتلاب کمرسته‌ام همه سروهای صدیق و مردمی را به تارو کوشش محداده و به کدست و فداکاری بسبر در راه اغتلاب و سل آن سوی سروری سبایی دعوت می‌کنم. بکوسم تا در چهارمین سال اغتلاب از دساوردهای عظیم و گراعبدر اغتلابان بانداری کسم و آسبا را در جهت تنبیس و تحکیم و تعمیق سسر سوی دهم.

کمیته مرکزی سازمان در این سومین سال‌گنت اغتلاب برای امام خمینی رهبر اغتلاب و سبان گذار جمهوری اسلامی ایران سسرار برای رزمکنان ایران سرورهای بزرگ در سگار سحاطر بوسازی زندگی و برای مردم جهان صلح و رهانی از یوغ اسرائیلم و حامی سمن‌های اجتماعی را آرزو می‌کند.

مرگ بر اسرائیلم جهانی بسرگردشی اسرائیلم امریکا

کسندده‌یاد بیوند دوسنی جمهوری اسلامی ایران تا حبیه جهانی ضد اسرائیلمتی

بیروزیاد اغتلاب بزرگ ضد اسرائیلمتی و مردمی ایران

گزامی‌یاد خاطره همه سبیدان بخون خفته خلق

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سبسه ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۶۵

رهنمودهای امام خمینی در سومین سال انقلاب

دسته‌ای شوروی را مطرح کردند تا آمریکا منسی شود!

* امریکای جنایتکار دشمن انقلاب است (۱۲ فروردین ۶۰)

* ملت باید بیدار باشد کید آمریکا غافل نباشید (۲۸ مرداد ۶۰)

* دستهای شوروی را مطرح کردند تا آمریکا منسی شود (۱۳ شهریور ۶۰)

* بعضی از روحانیون رنجی از ۲۰ سال تجربه کردم می‌خواستند این کشور را بگذارند و قتری بیاورند کینه مسلمان باشد ولی در نظری آمریکا باشد می‌گفتند نمی‌شود بی‌امریکا نفس کشید ولی ما چند سال است که بدون آمریکا نفس می‌کشیم (۲۰ شهریور ۶۰)

خط امام در مبارزه با استعمار

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

باید بدانیم که!

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

بهم دوست باشیم در ساختن کشور!

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

خط امام از زبان یوزان صدیق آن در سومین سال انقلاب

با دوستان علیه آمریکا

* آیت‌الله منتظری
"در سخنان ایشان مرگ بر آمریکا را فریاد می‌کنند"
* شهید آیت‌الله دکنی
"ما می‌خواهیم همکاران استقلال را در سایر نوطه آمریکا با ما وجود نخبانی کنیم"
* شهید محمد باقر
"ما دشمن بزرگ آمریکا را می‌دانیم"
* شهید محمد باقر
"آمریکا دشمن فرجه‌ها است"

خط امام با تکیه بر وحدت

وحدت ملی و دینی و ضد استعمار
وحدت ملی و دینی و ضد استعمار
وحدت ملی و دینی و ضد استعمار

برای وحدت بر سر نوآورد مشترک

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

ما باید با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم و با تمام قوا علیه استعمار مبارزه کنیم (۲۰ شهریور ۶۰)

آیت‌الله مسکنی :

" ثواب شعار " مرگ بر امریکا از نماز بیشتر است (۲۵ مهر ۶۰)

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور :

" دشمن شماره یک برای ما امریکاست " (۲۵ آبان ۶۰)

حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی :

" شعار مهم امروز ما " مرگ بر امریکا ست " روی آن تکیه کنید و فراموش نشود " (۲ آبان ۶۰)

آقای موسوی نخست‌وزیر :

" نا از امریکا فاصله می‌گیریم و هرکجا کسب می‌سوانیم به او ضربه وارد می‌کنیم " (۱۸ مهر ۶۰)

آیت‌الله منتظری :

" جمهوری اسلامی وظیفه دارد از همه نهضت‌های آزادیبخش جهان حمایت کند " (۱۹ اردیبهشت ۶۰)

شهید باهنر :

" بطور کلی حمایت از منافع توده‌های مستضعف جهان و نهضت‌های آزادیبخش که هدف آنها تامین منافع توده‌های مستضعف می‌باشد ، درصدر برنامه‌های سیاست خارجی قرار دارد " (۱۵ خرداد ۶۰)

شهید محمد منتظری :

" اگر بخواهیم پیروز شویم تنها از راه ایران نمی‌توانیم ، ما بایستی شعله‌های انقلاب اسلامی و انقلاب مستضعفین را در بسیاری از مناطق جهان همه‌جانبه بکنیم ... تا اینکه در سایه همبستگی جنبش‌های اسلامی و مردمی بتوانیم به شکل سن‌المللی علیه امریکا مبارزه را ادامه دهیم " (۲۱ اسفند ۵۹)

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور :

" ما با دولت‌های مسلمان و حتی دولت‌های غیرمسلمان تا زمانی که به ما حمله و تعرض نکنند دوست هستیم با آنها همزیستی صلح‌آمیز داریم " (۲۵ آبان ۶۰)

آقای موسوی نخست‌وزیر :

" ما قویا " از جبهه پایداری حمایت می‌کنیم " (۲۴ شهریور ۶۰)

شهید آیت‌الله بهشتی در ملاقات با جهاد :

" من به شما می‌گویم که تا زنده‌ام تحمل نخواهم کرد نظامی را که در آن انسان‌های بسیار کم درآمد درکنار انسان‌های پردرآمد زندگی کنند من این را تحمل نخواهم کرد "

شهید رجایی :

" در روند انقلاب ما کارگران سهم بسزایی داشتند " (۱۲ اردیبهشت ۶۰)

شهید حجت‌الاسلام باهنر :

" ما به شدت به سیاست ضداستثمار ادامه داده و یکی از تصمیمات دولت نیز محدود کردن سرمایه‌های بزرگ است " (۱۱ تیر ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کتی :

" دولت سیاست اقتصادی‌اش این است که به طبقه مستضعف و روستانشینان رسیدگی کند " (۱۲ اسفند ۵۹)

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور :

" در مورد خطوط کالی ، دولت و دستگاه‌های اجرایی را باید در جهتی قرار دهیم که به سود مستضعفین باشد " (۱۸ مهر ۶۰)

حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس :

" آن روزی که در این مملکت مسئله مسکن محرومان و استضعاف حل نشود و با اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی اموال نامشروع گردن کلفت‌های اقتصادی را از حلقوشان دربیآوریم و حتی از مهریه زنانشان پس بگیریم و در دنیا حرفمان را بزنیم و کاری که کردیم ادامه بدهیم آن روز روز اسلام است ، روز انقلاب است " (۲ مهر ۶۰)

آقای موسوی نخست‌وزیر :

" استقلال اقتصادی جزء مهمترین هدف ما خواهد بود مساله حمایت از مستضعفان خط اصلی این برنامه خواهد بود " (۲ آبان ۶۰)

آیت‌الله مسکنی :

" بخدا این روزها خواهد گذشت و روز بدبختی آنها که حقوق توده‌های میلیونی ملت مستضعف را نادیده می‌گیرند ، فرا خواهد رسید " (۱۶ بهمن ۶۰)

شهید رجایی :

" ما طبق قانون اساسی و همه شیوه‌های که اسلام دارد به آنها اجازه می‌دهیم که حرفشان را بزنند " (اردیبهشت ۶۰)

شهید باهنر :

" فعالیت‌های مثبت و سازنده سیاسی نه تنها ممنوع نیست ، بلکه لازم است " (۴ اسفند ۵۹)

شهید فدوسی :

" مردم قهرمان ایران ... نسبت به گروه‌هایی که حاکمیت قانون را بقدرت و با صبر انقلابی و سعصدر برخورد کرده و به آنان فرصت طرح افکار و عقایدشان را در محدوده قانون داده و با مسئولین در این امر کمال همکاری را می‌نمایند " (۱۴ خرداد ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کتی :

" طبق اعلامیه ده ماده‌ای دادستانی انقلاب آماده پذیرش آزادی‌ها هستیم " (۲۷ اردیبهشت ۶۰)

آیت‌الله موسوی اردبیلی :

" آزادی‌ها تامین می‌شود تا مردم به قانون احترام بگذارند " (۲ اسفند ۵۹)

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دامادان کل انقلاب :

" فعالیت گروه‌های سیاسی در چارچوب قانون اساسی بلامانع است " (۶ اردیبهشت ۶۰)

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور :

" همه کسانی که وفادار به جمهوری اسلامی هستند با هر تفکر و اندیشه‌ای می‌توانند آزادانه زندگی کنند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد " (۷ مهر ۶۰)

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی :

" بدون حضور شمانیروهای مخصص و نیروهای انسانی و کسانی که حاضرند مخلصانه به این کشور و انقلاب خدمت کنند کارها به پایان نمی‌رسد " (۱۵ آبان ۶۰)

سرود پیروزی بزرگ سومین سال انقلاب

زنده باد «مرک بر امریکا»، زنده باد انقلاب

" ایران یک همسایه شمالی (شوروی) دارد که پیوسته از جنبه‌های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است " (اطلاعات - ۸ دی ۱۳۵۹)
مطابق این نقشه باید شوروی مطرح می‌شد تا امریکا فراموش شود.

نقشه همسایگی

عسکه سوم ، طرح هنگ بود . این عسکه که در سوئد همسایه کمکی و فرعی داس ، بعد از شکست آن ، عسکه اصلی تبدیل شد . طرح هنگ جنس است .

" در آغاز جنگ داخلی در ایران ، ایالات متحده امریکا امکان خواهد داشت به طرف مورد نظر کمک کند " (پان - ۱۷ اسفند ۱۳۵۹)

موضوع این نقشه ، اشاره خاصی امریکا در اصفهان و دایره اسفندی بدست آمده بود . سکار ، گروهک‌های مائوئیستی - امریکایی ، در تقسیم کار مائوئیست‌های امریکایی ، اجرای این بخش از نقشه امپریالیسم امریکا را برعهده داس

تقسیم کار برای اجرای نقشه

جنبه متحد صدامتلاش مشکل از سرمایه‌داران بزرگ ، کلان‌سازان ، ساواکی‌ها ، ماموران محمی سا ، سلطنت‌طلبان ، لبرالها ، رهبری حاشی نجاهدین خلق ، اقلیت سکار ، رحبر نوغان و طائفر اساسان برای اجرای این نقشه تقسیم کار کردند . اجرای عسکه یک‌طور عمده به عهده گروهک‌های صدامتلاش و همواره رهبری حاشی نجاهدین اماد ، سرمایه‌ی ساسی و القای بحران را عمدتاً بی‌صدر و لبرالها عهده‌دار شدند . قرار بود عسکه رگان به این صورت بوجود بیاید که بعد از اتحاد بحران در جامعه آمادگی حوالام ، بی‌صدر رفتارندوم کند و به اصطلاح ا رای مردم همه قدرت را قصه کند .

یک گروه سلطنت‌طلب به نام پارس (پاسداران ررم سلطنتی) که در خرداد ۱۳۶۰ دستگیر شدند و ماموریت داشتند موج هم‌گذاری راه بیاندازند عدا اعراف کردند که عسکه آنها جنس بوده‌است

" تشدید جو نارضایتی ، از مشکلات کسوه ساختن ایجاد بدبینی نسبت به حکومت بمب‌گذاری ترور و ضربه نهایی " (اطلاعات - ۳ خرداد ۱۳۶۰)
همکاری سگانگ سروهای محلی با بی‌صدر که به سرعت به شکل جنبه متحد صدامتلاش منحرف شد ، از سخنرانی معروف بی‌صدر در مراسم ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد .

علی خلیلیان عضو دفتر بی‌صدر در مصاحبه بقیه در صفحه ۳۳

" مسئولیت اصلی اوضاع و احوال کنونی بر عهده همین حزب حاکم است ، چرا که اکثر قریب به اتفاق قوای مکترا در ید انحصار و اختیار خود دارد و " امروز خلع ید از حزب حاکمه و عوامل و ایادی انحصارطلب آن در کلیه قوا و نهادهای کشور، طرح نخستین اصلاح امور و تداوم انقلاب و اولین قدم اساسی در راه نجات است " (مجاهد - ۱۴ اسفند ۱۳۵۹)

مائوئیست‌های راه مسلمان شده و مسلمان شده هم موافق اجرای این سوئد بودند . موافقت بی‌صدر هم با این عسکه روس برار آن است که احصا به آوردن حش او باشد . در واقع وقتی بی‌صدر پس از عصب‌کشی ریاست جمهوری خواست همه قدرت را در دست خود متمرکز کند ، و دولت سپید رحایی بعد از حد ماه کساکس روی کار آمد ، سرکوتی این دولت برای قدرت‌گیری کامل بی‌صدر و مسخ انقلاب در دستور روز قرار گرفت

نقشه برزنی‌کسی

دو عسکه دیگر هم به موازات عسکه رگان اجرا می‌شد که یکی از آنها عسکه برزنیکی - در واقع عسکه اصلی اجرای نظر نوده‌ها از دمن اصلی برای مسخ انقلاب بود . طرح معروف برزنیکی جنس است

انقلاب ایران در سومین سال پیروزی خود یکی از خطرناک‌ترین توپنه‌های جنبه واحد صدامتلاش بر رهبری امپریالیسم امریکا را درهم شکست .

در سالروز دومین سال سرورزی انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۹، انقلاب در قلب سوئد هفتم امریکا فرار داس که رهبر داخلی آن کسی بود که به سبب از انقلاب در میدان آزادی فرار می‌د :

ابوالحسن بنی‌صدر ، رئیس‌جمهور آن روز و فراری امروز در این سوئد همه‌چانه که عهد سروهای صدامتلاش داخلی ، فرس‌چوردگان و راه کم‌کردگان در آن سرکت داسند ، از مرکز صدامتلاش جهانی از زبان رگان جنس اعلام شد :

" ... من شک دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد . برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روی روی کار آیند " (کسبان - ۲۲ دی‌ماه ۱۳۵۹)

رادو بخیار ، رادو اویسی و نمایندگان ساسی لبرالها برای اجرای عسکه دست به کار شدند و دستورالعمل‌هایی را اعلام کردند از جمله نهضت آزادی هم در اعلامیه معروف " کی باید برود " که روز ۲ خرداد منتشر شد ، رسماً اعلام کرد که مجلس ، دولت سپید رحایی شورای عالی قضایی و ... باید برود . بی‌صدر باید رهبری حاشی نجاهدین هم با این عسکه موافق شود :





حیات یک ملت مرهون کار و کارگراست
(امام خمینی)

سنگینی می کند از انقلاب رویگردان سازد .
طبقه کارگر ایران که انقلابی ترین و آگاهترین نیروی انقلاب است با قهرمانی ، توطئه دشمنان انقلاب بسرکردگی امریکا را درهم شکست .
و در این پیکار بزرگ ، سازمان ما به متابه یکی از گردان های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران ، سهمی شایسته برعهده داشت .
سازمان ما با توضیح همه جانبه درستی شعار افزایش تولید ، همراه با افشاء توطئه های امریکا و متحدان آن در کارخانه ، نقش آگاهگرانه عظیمی را ایفا کرد .
ما با نشان دادن مضمون حقیقی شوراهای کارگری ، ترکیب و بافت کنونی شان و جهتی که می باید در مسیر تکامل خود این شوراهای کارگری بپیمایند ، به کارگران کمک کردیم که تشکلهای صغری واقعی خود را بوجود آورند . از شوراهای کارگری و سندیکاهای واقعی دفاع کنند ، با توطئه ضدانقلابی انحلال شوراهای سندیکاهای و اتحادیه های کارگری به مقابله برخیزند .
امروز درک وظیفه تاریخی طبقه کارگر در پاسداری از دستاوردهای انقلاب با شناخت درست رابطه تشکلهای صغری - سیاسی کارگران (شوراهای کارگری ، سندیکاهای ، اتحادیه های) با مدیریت کارخانه ها (دولتی و خصوصی) ارتباط تنگاتنگی دارد . چگونگی شرکت کارگران در اداره تولید که مستقیما به بهره گیری کار و شعار افزایش تولید مربوط می شود ، از مسائل حاد و دنیاتور جنبش کارگری است .

واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی از هم گسیخته بود ، تعطیلی مطلق ، پاره های از این واحدها را تهدید می کرد ، پس از پیروزی انقلاب منافع امریکا و سرمایه داری وابسته به آن در توقف چرخ های تولید بود از این رو ، امریکا و اذتاب آن در امر براه اندازی تولید اخلاص و کارشکنی می کردند . برعکس ، منافع انقلاب و طبقه کارگر ایران در آن بود که چرخ های تولید در کارخانه ها هرچه زودتر و هرچه سریع تر بکار افتند ، پس طبقه کارگر ایران دست به کار شد . ضرورت دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن وظیفه یونیتی برعهده طبقه کارگر کشورمان نهاده بود راه اندازی کارخانه ها ، حفظ تداوم تولید و تلاش در راه افزایش تولید .
پس به این ضرورت عالیله انقلاب در عین حال ، تأمین خواست عاجل و آنی کارگران و زحمتکشان را نیز دربر می گرفت . و آن حفظ قدرت اشتغال و جلوگیری از بیکاری بود .
کارگران برای انجام وظایف دشواری که انقلاب پیشروی آنان نهاده بود ناگزیر روابط نویسی را با مدیریت کارخانه ها شکل دادند .
در آغاز ، این روابط در شکل کنترل کارگری بر تولید تحقق یافت و سپس متدرجا شکل مشارکت فعالانه کارگران در اداره و نظارت بر تولید را یافت .
درهم پاشیدگی کامل ماشین دولتی رژیم شاه و بطریق اولی از هم پاشیدگی سیستم کنترل و مدیریت سرمایه بزرگ در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی زمینه مساعدی بود با کارگران که خود را سا و با اینکسار خود اداره واحدهای تولیدی را به منظور راه اندازی آتنبابه عهده می گرفتند ، نیروی خلاصه قوه ایثار و بیگسری انقلابی خود را ضامن حفظ و تداوم تولید قرار دهند .
مطمئنا حسابار کارگران مبین ما ، در دراختیار گرفتن واحدهای تولیدی و خدماتی در دوران فروریختن نظام شاهنشاهی پشوانه نیرومندی برای دوره سازندگی انقلابی بود .
در برابر اقدامات کارگران ، که در جهت مصالح انقلاب بود ، دولت سازش گام به گام مهدی بازگان شروع به کارشکنی نمود . مائوئیست های امریکایی و آنارکو - سندیکالیست ها در جهتی دیگر به این کارشکنی و اخلاص یاری می رساندند .
دولت موقت که یکرشته از مهمترین مواضع کنترل و نظارت دولتی بر تولید و خدمات را در اختیار داشت ، مدیران ضدانقلابی و طاغوتی را که از ترس روحیه انقلابی کارگران از کارخانه ها فرار کرده بودند ، مجددا به کار فراخواند و غالب آنها را در پست های مدیریت ابقاء نمود .
و با خواست کارگران مبنی بر مشارکت در اداره واحدهای تولیدی و خدماتی به مقابله برخاست و در روند مشارکت آنان کارشکنی نمود .
دشمنی کینه توزانه لیبرالهای دولت موقت با شوراهای از همین جا سرچشمه می گرفت . آنها در واقع می خواستند با یک تیر دو نشان بزنند . هم سازمان های صغری - انقلابی کارگران را از هم بیاتانند و هم مانع از حضور موثر و کارساز کارگران در یکی از مهمترین صحنه های حیات اجتماعی و اقتصادی شوند و از این طریق با حفظ سیستم فرتوت کنترل و نظارتی که از رژیم شاه به ارت رسیده بود نظام سرمایه داری وابسته را با تغییراتی جزئی همچنان با رجا نگهدارند .
لیکن مقاومت سرخسنا به طبقه کارگر مبینان و هوشیاری نیروهای پیرو خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی مانع از تحقق نقشه لیبرالها شد و با سقوط دولت سازش گام به گام و تسلط تدریجی مواضع انقلابی خط امام بر اهرم های قدرت دولتی ، رفته رفته زمینه برای تحقق و تثبیت مشارکت کارگران بر اداره تولید به متابه

بزرگترین پشوانه انقلاب در مقابله با توطئه های امریکا تلاش حسنگی ناپذیر طبقه کارگر برای افزایش تولید

ما مناسبتر دیدیم که در این ویژه نامه با بررسی چگونگی مشارکت کارگران در اداره تولید ، سومین سالگرد انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی را به طبقه کارگر ایران ، سادباش بگوئیم .

طبقه کارگر ایران که ستون انقلاب است ، در سومین سال انقلاب ، پیکار قهرمانانه خود را در دفاع از انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن ، در عرصه افزایش تولید به نمایش گذاشته است .

طبقه کارگر ایران ، در جریان اوج گیری جنبش انقلابی ، در آخرین ماههای پیروزی انقلاب به مشایه مهمترین رکن تولید اجتماعی با متوقف ساختن چرخ های تولید ، اراده آگاهانه خود را بر جریان تولید اعمال کرد .
به همان سان که در جریان فروپاشی رژیم شاهنشاهی مضمون حقیقی اعمال اراده طبقه کارگر در امر تولید به معنای متوقف ساختن چرخ های تولید بود ، با پیروزی انقلاب این مضمون با تلاش حسنگی ناپذیر طبقه کارگر ایران برای افزایش تولید معنی و مفهوم یافت . طبقه کارگر ایران با شم طبقاتی خود این معنا را درک کرد و پشوانه نیرومند انقلاب در مقابله با توطئه های امریکایی جنایتکار باقی ماند .
در ماههای پس از پیروزی انقلاب ، سراسره

کارخانه در سال گذشته نیز یکی از عرصه های اصلی توطئه ضدانقلاب بسرکردگی امریکایی جنایتکار بود .

این توطئه در جهات مختلفی سر می کرد اخلاص در امر شکل کارگران ، ممانعت از اعمال اراده متشکل آنان در مدیریت و مهتر از همه توطئه اخلاص در تولید و بازداشتن کارگران از تلاش حسنگی ناپذیر برای افزایش تولید از اهم اهدافی بود که دشمنان انقلاب در جنبش کارگری تعقب می کردند .

ضدانقلاب با همه توان خود تلاش کرد که با مایوس ساختن کارگران از انقلاب و پراکندن تخم نفاق و پراکندگی در میان آنان از افزایش تولید در کارخانه ها جلوگیری بعمل آورد تا اثرات محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی بیشتر شود .
تا توده های دهها میلیونی شهر و روستا را که بار گرانی و گسبود ، مقدم بر همه برسانه های آنان

از صفحه ۷
حسی از حقوق مدکاری و دمکراسی کارگران

برکت صحیح و منطقی سازمان دولت . مدیریت
حسن خصوصی و ماسدگان کارگران در مدیریت
واحدهای تولیدی و خدماتی است این اصل سازمان

کنندگی
به منظور تامین سطح اسلامی و همکاری در
بهبود برنامهها و ایجاد هماهنگی بین بخش
آموز در واحدهای تولیدی . صنعتی کشاورزی
شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان
و دیگر کارکنان و مدیران ، و در واحدهای
آموزشی و اداری خدماتی و ملینده اینها
شوراهای کارگری نمایندگان آنها این واحدها
تشکیل می شود

روح این اصل قانون اساسی و تلفیق صحیح و
دریخت بر عناصر سگانه یاد شده در مدیریت
واحدهای تولیدی و خدماتی است دمکراسی
تولید نام دارد

در این اصل ، که بر مشارکت موز کارگران
اداره واحدهای تولیدی و خدماتی تاکید دارد
نمی شود بولی که مالا مقسم نهایی و می گیرد
ملفوظ نظر است در مسائل مشخص مربوط به
حقوق صنفی کارگران ، نقش سازمان صنعتی
کارگران و کارکنان (شوراهای کارگری و سدیگاهها
اتحادیه ها) که نظر تخصصی بدهد و می دهد و هر
اقدامات

در هر حال چگونگی تلفیق این سه عنصر
نمی تواند مضمون و روح قانون را که موجه تاشی
دمکراسی در تولید است بحال شعاع قرار دهد
تلفیق این سه عنصری است شکل ویرجایی
دمکراسی در تولید را که عنوان مضمون مناسب
و مناسب بوجود آورد

برای آنکه حق هر چه تا حد میزان اصل ۲۸۴
صنفی بر تعیین دمکراسی در تولید است
بررسی این اصل یعنی هر قانون اساسی را که یکی
دستاوردهای طبقه کارگر ایران است که یکی
اعتماد صفتی بر سر گذاشته آن در پیروزی انقلاب
و حفظ دستاوردهای آن بهر و نشان خود را در
این اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده
است ادامه دهیم

بر پایه اصل ۱۰۴ قانون اساسی مناسبات
نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان
از یک "مدیران" از سوی دیگر باید
می شود "تامین حفاظت و همکاری در تولید
برنامهها و ایجاد هماهنگی بین بخشهای تولیدی
باشد که این "دمکراسی در تولید"
است . در هر حال تصریح شده است که برای
این منظور باید "شورایی مرکب از نمایندگان
کارگران ، دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران
بوجود آید که این شوراهای "نهادهای دمکراسی
در تولید" است
همان طور که دیده می شود قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران به روشنی بر مشارکت و
روایت با وحدت و همزیستی در تولید تاکید نموده
است و در هر حال نهاد اجرایی آن را نیز
تعیین کرده است
یعنی همه سدیگان کارگران ، دهقانان
دیگر کارکنان صنفی شده در اصل ۱۰۴
نمایندگان نمایندگان سازمان های صنفی
و کارکنان اعم از سدیگان کارگران و دهقانان
کارکنان سدیگاهها و اتحادیهها باشد و لااقل

عدهت اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، در مخلوق
میراث ، در بهترین و بدترین انعکاس این بخش
ارحی طبقه کارگر ایران در پیروزی انقلاب و
حفظ دستاوردهای آن در برابر توطئه های
امبرالسم امپریک و آگاسیون است - در اصل ۱۰۴
قانون اساسی ، مشارکت انقلابی کارگران در اداره
واحدهای تولیدی و خدماتی یا صراحت تمام
مورد اشد و تاکید قرار گرفته است . روشن است
که مشارکت کارگران در اداره تولیدی خدماتی تولید
به استی سازمان های صنفی - طبقاتی پیرومندی
که به وسیله اراده مستقل و آگاه خود کارگران و از
ماین شکل شده باشد ، تحقیق باید ، کارگران
صبر ما برای این منظور و نیز در دفاع از دیگر
حقوق صنفی ، اقتصادی و اجتماعی خود در
تمام مرحله تکون پیروزی انقلاب و در دوران
سازمان های صنفی - انقلابی - تولیدی
بوجود آوردند . این شکل ها و جوس که
می باشد از خود برگی های انقلابی است
سازمان های کارگری تأسیس می شود .
سازمان های کارگری که در جریان آموزش انقلابی
تاریخهای پیروزی انقلاب و پس از انقلاب بر
تاریخها ، کارگاهها ، مراکز خدماتی شکل گرفت
استانات که به تدریج دارای ساختاری
سازمانده که از کارگران این واحدها تشکیل
مانند در عدالت دارای مضمون سدیگایی است و
وظایف سدیگایی (صنفی) را بر عهده دارند
است که چنین شوراهای تولیدی

ببر پایه اصل ۱۰۴ تفاوت اساسی دارد
سازمان های کارگری ، شاه در نامگذاری است
در ارتباط با اغتشاشات که در این زمینه وجود
داشت بود که ما برای کارگران توضیح دادیم
در اجرای اصل ۱۰۴ ، ابتدا ضوابط قانونی
برای تنظیم مناسبات اصولی میان شوراهای
کارگری و مدیریت تنظیم کردیم . ما گفتم که
احداث شوراهای کارگری خلاف مصلحت انقلابی
است و پوشتم که امر از افروز کار در حالت نامرتب
سازمان وزارت کار برای تشکیل شوراهای کارگری
و غیر قانونی اعلام کردیم "شوراهای کارگری
به این دلیل که با نظارت و حمایت نمایندگان
دولت تشکیل شده است انقلابی خلاف قانون و
صدکاری است . چرا که ایجاد شوراهای کارگری
و دویین اساسنامه آن جز سلب اصل ۱۰۴ قانون
اساسی و در هیچ قانون تشکیل احزاب و
انجمن های صنفی مصوب مجلس شورای انقلابی
بر عهده خود کارگران است . ما به طبقه کارگر
ایران توضیح دادیم که " آنچه را که در این
باید صراحتاً باید رابطه اصلی بین شکل
صنفی کارگران (شوراهای کارگری سدیگاهها
اتحادیهها) با مدیریت (دولتی و خصوصی)
است . ما به کارگری گفتم که چگونه

تعیین مناسبات قانونی میان شوراهای کارگری
و مدیریت
انحلال شوراهای کارگری
آری
نه

در نظام مردمی و انقلابی جمهوری اسلامی
که خطوط اساسی ساختار اقتصادی اجتماعی آن
را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین
کرده است تا مبنای استقلال اقتصادی و احزاب به
سخت و توسعه اقتصادی - اجتماعی می از
مهمترین نتایج انقلابی است . زمین طلبی
ناگزیر به مردم ، به توده های دهها میلیونی
زحمکسان شهر و روستا منکی است .
اصل ۱۰۴ قانون اساسی بر این پایه خواهان

آنها به عهده قانون سرده شده است .
سازمانه لاحقای که به این منظور ، بر اساس
اصل ۱۰۴ ، به وسیله شورای انقلاب در مرداد ماه
۱۳۵۹ ، به وسیله و اصلاحیه به شکل و
حدود وظایف و اختیارات این شوراهای نمایندگی
دمکراسی در تولید ، بلکه چگونگی شکل و
حدود وظایف و اختیارات شوراهای نماینده
سازمان های صنفی کارگران را در دستگیر قرار داد
و در عین حال در هر صنفی در تعیین روش های
بر اعتناس موجود در هر صنفی در تعیین روش های
تولید خدمات و تولیدی خدماتی دامن زد
و به مدیریت و تعیین گری را تکثیر ، بلکه
گرمهای موجود را نیز گری و تعیین کرد

آموز و از این جهت شور اجتماعی است
لااقل و این جهت اجرایی آن مناسب حکم به
توقف شکل شوراهای نماینده سازمان های صنفی
نیز داده است و شوراهای که به اصلاح قانونی
خدمات را نیز محل اعلام نموده است . این
مضمون وزارت کار حکمیه که تکثیر گفتم
به فقط ناشی از شکل اولیه به زهر تولید طاعتی
در مورد شکل سازمان های صنفی در این است
نه فقط ناشی از آن است که در این صورت
که است به عنوان انقلابی همان سبب از
کارگران در این شکل تشکیل شوراهای
صنفی مدیریت کارگران است . در عین
حال ناشی از انقلابی است که در این زمینه و عمل
مسئولین آموز در مورد شکل سازمان های صنفی
(مضرجه در اصل ۱۰۴) از این جهت دمکراسی
در تولید (مضرجه در اصل ۱۰۴) نمود دارد
و کنعان خود را در تعیین گری های این مسئولین
نشان می دهد

ما به آستانه چهارمین سال انقلاب ، بار
دیگر بیاوریم می گفتم که سدیگاهها همگی
جمهوری اسلامی ایران ، همه سدیگایی
صداعسر تا کسی که کشورمان سوسیالیستی جهان
و توان بیجا است آن شکل می دهد ، امکان
رعایت اقتضای این واحدهای امارتار رسم
چنانی امر تا امکان پذیر است . طبقه کارگر
ایران که بر این پایه با تلاش خستگی ناپذیر برای
نارزش اولیه یا توطئه های امپریالیستی جهانی
سرگردگی امریکا سستیست سدیگایی می رزمند
در آستانه چهارمین سال انقلاب ،
مصرا به خواهان این سدیگایی کارکنان همس
ساز حقوق و از این جهت صنفی خود مضرجه در
اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، حق سدیگایی در اداره
تولید نیز مطابق اصل ۱۰۴ قانون اساسی صص
شده ، با این حال عمده سدیگایی در این
اصل ۱۰۴ ، در تولید در واحدهای بزرگ
تولیدی و خدماتی طبقه کارگری است .
تأمین حواس است برای این وظایف ارحی
طبقه کارگر ایران در این جهت انقلاب اهمیت
اساسی دارد

ای من سرگشته ایست بریت
فریاد تو وقت این وطن گریست
و ناله و کارد سدیگایی و شهر
همواره ترانه های سرخست جاریست

همانگونه که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی دیده
می شود ، چگونگی تشکیل این شوراهای (نهادهای
دمکراسی در تولید) و حدود وظایف و اختیارات

دهقانان مبارز و بیگانه در راه براندازی بزرگ مالکی

در سال ۶۰ هـ، سومین سال انقلاب نیز هم چنان اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی دهقانان زحمتکش سراسر کشور بود. در طول سال ۶۰ نیز، حول شعار اجرای بند "ج" و "د" دهقانان زحمتکش سراسر کشور از مجلس و دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواستند که زمینهای زمین‌داران بزرگ و فئودالها و خوانین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین مسترد شود. دهقانان زحمتکش در سراسر کشور دستهای پینه بسته‌شان را که سند مالکیتشان است مشت کرده و خواهان آن شدند که ریشه بزرگ مالکی از میهن انقلابییمان کنده شود و حق به حق‌دار رسد.

با اینهمه مبارزه فطری و نهایی با بزرگ مالکی و انجام تحولی بنیادی در روستاهای کشور که گروی انجام اصلاحات ارضی واقعی و انقلابی است همچنان بی‌سرانجام ماند. پرواضح است که برنامه‌ریزی اصولی جهت تأمین نیازهای تولیدی بخش کشاورزی نظیر آب، کود، بذر، سم و ماشین آلات همچنین ایجاد تاسیسات، امکانات و تسهیلات رفاهی، خدماتی، آموزشی و بهداشتی برای مردم روستاهای کشور منوط به اجرای کامل و همه جانبه اصلاحات ارضی بنیادین است. روی این اصل علیرغم کوشش و تلاشهای بیگانه‌های انقلابی هیئت‌های هفت نفره و جهاد سازندگی به دلیل قطعیت نیافتن وضع مالکیت بر زمینهای زراعی در این عرصه‌ها نیز نتایج چشم‌گیری به بار نیامده است.

حضور و نفوذ بزرگ مالکی در روستاهای کشور، میلیونها دهقان زحمتکش را از زمین قابل کشت که می‌تواند پاسخگوی نیازهای اولیه زندگی آنها باشد محروم ساخته است. دهقانان زحمتکش کشور از نظر دسترسی به آب، کود، بذر و سموم دفع آفات نباتی و دامی نیز دچار مشکلات حسی هستند، درآمد بسیار ناچیزشان اجازه نمی‌دهد که در شرایط زندگی پررنج دهقانان زحمتکش تغییر و بهبودی حاصل شود. از جانب دیگر حاکم روستایی ما از خدمات زیربنایی چون راه‌های روستایی، برق، امکانات و تسهیلات رفاهی بهداشتی و درمانی، خدماتی و آموزشی بی‌بهره است و این امر به نوبه خود اثرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر تولید می‌گذارد. با توجه به اینکه هر برنامه اصولی و مردمی در زمینه افزایش تولید و در نتیجه افزایش درآمد کشاورزان هم چنین نوسازی و عمران روستاها و رفاه و بهبود شرایط زندگی روستائیان منوط به حل مسأله مالکیت بر

زمینهای زراعی است لذا به عینه مشخص می‌گردد که تاخیر در اجرای فاطح و انقلابی اصلاحات ارضی چه زیانهای جبران ناپذیری برانقلاب وارد آورده است. مسلماً ادامه این تاخیر زحمتکشان روستا را از انقلاب سرخورده می‌سازد و در یکی از بفرنج‌ترین و پیچیده‌ترین شرایطی که انقلاب بیش از هر چیز نیاز به گسترش پایه‌های اجتماعی خود دارد آنرا محدود ساخته و لطمات جبران ناپذیری بر انقلاب وارد می‌آورد. از زمان تصویب "لایحه واگذاری و احیای زمین" در تاریخ بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۵۹ در شورای انقلاب که توسط آیت‌الله منتظری، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و آیت‌الله مشکین، تنظیم شده بود، تا هم اکنون زمین‌داران بزرگ و فئودالها و مدافعان رنگارنگ آنها به عناوین مختلفی با لاف‌های گوناگون کوششی ضدانقلابی و همه جانبه برای جلوگیری از اجرای این قانون بکارگرفته‌اند. آنها در امر کشاورزی خرابکاری کردند در روستاها شایع کردند چنانچه اصلاحات ارضی صورت نگیرد تولید کشاورزی کاهش می‌یابد و مملکت قحطی می‌شود مدافعان بزرگ مالکی همه جا گفتند، اصلاحات ارضی در این شرایط به نفع انقلاب نبوده و جنبه داخلی را تضعیف می‌نماید. به این ترتیب بزرگ مالکان و مدافعان آنان موفق گردیدند اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی را با اعمال فشار بر خط امام متوقف کنند. نیروهای گوناگون که همگی از منافع سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و فئودالها حمایت می‌نمودند، زیر پرچم بنی‌صدر خائن گرد آمدند و از طریق او دفتر رئیس جمهور و دفتر هماهنگی، مقاصد خویش را پیش می‌بردند. بنی‌صدر و دفاتر او از هیچ کوششی برای جلوگیری از تصویب و اجرای لوایح مردمی فروگذار نکردند و به طرق گوناگون سعی در تحریف و دگرگون حلوه دادن فعالیت‌های ارگانهای انقلابی و دولت نمودند او از کوچکترین ناهماهنگی و اختلاف بین ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی و از کوچکترین اشتباه بیروان صدیق خط امام علیه آنها استفاده می‌کرد و مانع پیشرفت انقلاب و انجام اقدامات بنیادین اقتصادی به سود محرومان می‌شد. با افسوس بنی‌صدر و فرار خائنه او و تثبیت نسبی مواضع خط امام اینبار ضدانقلابیون رنگ عوض کردند و به گرد روحانیت مخالف خط امام سنگر گرفتند و تمامی خواسته‌های خود را به زبان اسلام آمریکایی بیان داشتند. آنها در پوشش غیرشرعی بودن قانون اصلاحات ارضی اسلامی با آن سه مبارزه

برخواستند و مانع از اجرای آن شدند. در سومین سال انقلاب به خصوص از زمان توقف اجرای بند "ج" و "د" دهقانان زحمتکش به گرد هیئت‌های هفت نفره متشکل گردیدند و پیگیرانه برای اجرای بند "ج" و "د" مبارزه برخاستند میلیونها دهقان زحمتکش در سراسر ایران به اشکال مختلف برای اعتراض به تعلیق بند "ج" و "د" به حرکت درآمدند، صدها هزار طومار نوشته شد، مسیانه‌های گوناگون تشکیل شد، درگیریهای متعددی بین زمین‌داران و دهقانان زحمتکش رخ داد. روستائیان به جان آمده به مقابله با عمل مالکین پرداختند. تصدات زیادی از زحمتکشان روستاها به شهادت رسیدند. دهقانان زحمتکش به اشکال متنوع و گوناگون در راستای مبارزه قانونی بازمین‌داران بزرگ و فئودالها به مبارزه پرداختند. در سال ۶۰، جنبش دهقانی زیر شعار "بنده ج" و "د" را احرا کنید" اوج تازه‌ای گرفت. حضور زمین‌داران بزرگ و فئودالها و ادامه نفوذ اقتصادی و سیاسی آنان در روستاها به هرج و مرج ناشی از توطئه‌های گوناگون آمریکا و ایجاد عدم امنیت تولید برای دهقانان زحمتکش دامن زد و به نوبه خود از عوامل بسیار مهم نابسامانی وضع کشاورزی کشور بود. نهادهای انقلابی فعال در عرصه روستاها مدتی پس از توقف بند "ج" و "د" آثار زیانناک این تعلیق را عیناً مشاهده کرده و هماهنگ و همراه با دهقانان زحمتکش خواستار اجرای فوری و بدون وقفه اصلاحات ارضی شدند، کوششهای این نهادها به همراه اعتراضات گسترده توده‌ها سیب شد که ۹ ماه پس از تعلیق بند "ج" و "د" وزارت کشاورزی همان لایحه مصوبه فروردین ماه ۵۹ شورای انقلاب را بدون تغییر اساسی با اضافه کردن چند تبصره به هیئت دولت ارائه و سپس به کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. لایحه مزبور هرچند که نواقص و ابهاماتی داشت ولی در مجموع چارچوب اصلی لایحه پیشنهادی هیئت ۳ نفره را که در فروردین ماه ۵۹ در شورای انقلاب تصویب شده بود حفظ می‌کرد. تبصره‌ها، اضافه شده به این لایحه حاکی از آن بود که تنظیم کنندگان آن در مقابل فشار نیروهای مخالف اقدامات بنیادین به نفع توده‌های محروم مردم، برای ایجاد زمینه مناسب جهت تصویب لایحه در مجلس و گرفتن حربه مخالفین از دست آنها با تغییراتی در لایحه مصوب شورای انقلاب موافقت کرده‌اند.

علیرغم تغییراتی چند در لایحه پیشنهادی هیئت سه نفره و ارائه آن توسط وزیر کشاورزی به هیئت دولت و سپس به مجلس شورای اسلامی، مخالفین بیکار ننشستند و با اعمال فشار از هر سو مانع از طرح شدن لایحه مورد بحث در مجلس برای شور و تصویب گردیدند، زمین‌داران بزرگ و فئودالها با استفاده از همه امکانات خود دوباره وارد میدان شدند، به انواع و اقسام توطئه‌ها و دسائس متوسل گردیدند. اینبار که دیگر همه مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی به ضرورت انجام هرچه سریعتر اصلاحات و اقدامات بنیادی به نفع توده‌های مردم و به خصوص اجرای اصلاحات ارضی مصر بودند آنها با حلقه زدن به دور روحانیون مخالف خط امام و عمدتاً از کانال "غیر شرعی" بودن لایحه واگذاری وارد شدند، و عوام فریبانه همه نیروی خود را با متشکل ساختن مخالفین گوناگون خط امام برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی به کار انداختند. اکثریت شورای نگهبان که در تمام دوران فعالیت مجلس با هر اقدام مجلس در جهت محدود ساختن دامنه غارتگری بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری مخالفت کرده بود، به نقطه اتکا و کانون امید مخالفان



جهاد سازندگی یاور زحمتکشان روستا در مبارزه با بزرگ مالکی

فعالیت‌های دوساله جهاد سازندگی			
تولید	عمرانی و قفسی	آبیاری و آبیاری	فرهنگی
تولید برنج ۱۰۰۰ تن	ساخت ۱۰۰ خانه	آبیاری ۱۰۰۰ هکتار	کلاس ۱۰۰ نفره
تولید گندم ۲۰۰۰ تن	ساخت ۲۰۰ خانه	آبیاری ۲۰۰۰ هکتار	کلاس ۲۰۰ نفره
تولید حبوبات ۳۰۰۰ تن	ساخت ۳۰۰ خانه	آبیاری ۳۰۰۰ هکتار	کلاس ۳۰۰ نفره
تولید میوه ۴۰۰۰ تن	ساخت ۴۰۰ خانه	آبیاری ۴۰۰۰ هکتار	کلاس ۴۰۰ نفره
تولید لبن ۵۰۰۰ تن	ساخت ۵۰۰ خانه	آبیاری ۵۰۰۰ هکتار	کلاس ۵۰۰ نفره
تولید سایر محصولات ۶۰۰۰ تن	ساخت ۶۰۰ خانه	آبیاری ۶۰۰۰ هکتار	کلاس ۶۰۰ نفره

پیروزی قطعی فاصله دارد ، چگونه بر تمامی عرصه‌های دیگر مبارزه، تلاش و سازندگی روستائیان کشور تأثیرات منفی و مخرب بجا نهاده است و به تبع همین تأثیرات منفی، جهاد سازندگی در روستا ، آنچنان موفق باشد که اگر اصلاحات ارضی انجام می‌شد ، موفق بود ... با این همه و علیرغم تأثیرات ناغی از قطعیت نیافتن مسئله مالکیت ، جهاد در سایر عرصه‌های مبارزه و سازندگی در روستا خدمات قابل توجهی انجام داده که هم از نظر نسلی زحمتکشان و بیشتر مبارزه طبقاتی زحمتکشان علیه بزرگ مالکان و هم از جنبه انجام اصلاحات اجتماعی و اقدامات رفاهی اهمیت دارد . این خدمات همه جا با مقاومت سرسختانه بزرگ مالکان و ایادی آنها روبرو گشته است . در این زمینه از میان عرصه‌های مختلف فعالیت جهاد می‌توان بر موارد زیر انگشت نهاد :

الف - نقش جهاد در سازمان دادن به تولید روستا و ایجاد شکل‌های دهقانی :

در سال گذشته شاهد بیدایی چشم‌اندازهای مثبتی در زمینه درک و پذیرش ضرورت ایجاد و گسترش سازمان تولید برای تولید بوده‌ایم . از نمونه‌های مسود شده می‌توان از تدوین و اجرای آیین‌نامه کشاورزی و ایجاد تعاونی‌های تولید و مصرف برخی نقاط نام برد . تاکنون ۴۸۰۰ واحد از کشت مشاع که بر اساس شرکت جمعی دهقانان صورت می‌گیرد در سطح روستاهای کشور موجود آمده است و نقش قابل ملاحظه در تأسیس آنان با جهادگران جمهوری اسلامی بوده است اما همین تعداد می‌توانست بسیار فراتر رود هرگاه که بند "ج" و "د" به اجرا درمی‌آمد . علاوه بر این، جهاد در تأسیس واحدهای تعاونی توزیع و مصرف نیز علیرغم مشکلات بسیار برداشته است جهاد در چندین روستا اقداماتی در زمینه ایجاد مراکز تعمیر و توزیع ماشین‌آلات کشاورزی ، توزیع بذر ، کود ، وام و غیره بعمل آورده که گامی است در جهت قطع وابستگی روستائیان به زمینداران بزرگ .

نحریه عامی اطلاعاتی که نواستاند اصلاحات ارضی دیکراتیک سرورزند ، اجرا کنند و مسئله زمین را به بود زحمتکشان روستا حل کند تماما حاکی از آن است که برای تمام شکستن مناموب بزرگ مالکین ، فئودالها و خانها راهی جز تکیه بر توده‌های میلیونی زحمتکشان روستا وجود ندارد .

توده‌های زحمتکش روستا جزماتی می‌توانند در مبارزه انقلابی به خاطر اصلاحات ارضی ، درهم شکستن بزرگ مالکی و آبادانی و سازندگی شرکت موثر داشته باشند که متشکل باشند نفس شکل‌های دهقانی و ارگان‌ها و نهادهای انقلابی در مبارزه انقلاب و ضدانقلاب در روستا اهمیت سروساز دارد و بدون آن هیچ موفقیت حسمگیری بدست نمی‌آید .

در یک ساله گذشته بیروان صدیق خط امام برای مبارک انجام پیروزندانه اصلاحات ارضی و رسته‌کن کردن بزرگ مالکی بر این شکل‌ها تکیه کرده و در جهت ایجاد ، تحکیم و گسترش آنان کوشیده‌اند . ما این کوشش‌ها را ارج می‌نیم و بار دیگر بر گسترش و تقویت شکل‌های دهقانی تاکید می‌ورزیم .

۲۷ خرداد ماه سال ۵۸ که فرمان تشکیل جهاد سازندگی از سوی اسام خدینسی صادر گشت ، جهاد ، عمده‌ترین ، فعالترین و گسترده‌ترین نهاد انقلابی در روستاها بوده است جهاد در دوران کوتاه خود اقدامات عمرانی بسیار ارزنده‌ای را در روستاها انجام داده و توانسته حمایت توده‌های وسیع روستا را بدست آورد .

اما مهمترین عرصه فعالیت جهاد در روستا به منظور شکل دهقانان و ایجاد اصلاحات اجتماعی مبارزه ان در کنار دهقانان علیه بزرگ مالکین و نیروهای مدافع آنان و به منظور اجرای اصلاحات ارضی و بهویژه بند "ج" و "د" آن بوده است جهاد در کلیت خود ، در مهمترین مسئله روستا یعنی زمین ، در کنار دهقانان و یاور زحمتکشان روستا بوده است .

هرگاه در نظر بگیریم که نامشخص بودن مالکیت زمین مانع بزرگی برای پیشرفت اجتماعی انقلاب است ، انگاه روشن خواهد شد که متاسفانه ناکامی‌ها در این عرصه اصلی که تا

ب - در زمینه شرکت‌های تعاونی مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی :

یکی دیگر از عرصه‌های فعالیت انقلابی جهاد شرکت در تشکیل شرکت‌های تعاونی مراکز گسترش بوده است . هدف این نوع شرکت‌های تعاونی استفاده از نیروهای فعال جوانان بیکار در جهت افزایش تولید و رسیدن به خودکفایی است . سال گذشته حدود دهها هزار روستایی در ۳۵۶۷ شرکت تعاونی متشکل گردیده‌اند بخش عظیمی از این ۳۵۶۷ شرکت با تلاش خستگی‌ناپذیر سازمان جهاد سازندگی ایجاد شده است

ج : شورای اسلامی روستا :

عرصه دیگر فعالیت جهاد به منظور شکل بقیه درصد ۴۲

یکی از پایه‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ناقص است .

آیت‌الله مشکینی که همواره از منافع زحمتکشان روستا دفاع کرده است باردیگر از ضرورت تصویب و اجرای بند "ج" سخن گفت و به دنبال آن ۱۳۲ تن از نمایندگان مجلس طی نامه پرشوری اعلام کردند .

" حل مشکل زمین یکی از فرایض مجلس بوده و آمادگی خود را برای مشارکت در این حرکت اسلامی و مردمی اعلام می‌داریم .

و به این ترتیب در آخرین روزهای پایان سومین سال انقلاب ، چشم‌اندازی روشن و امید بخش در جهت تحقق یکی از هدفهای اساسی انقلاب پدیدار گردید .

و اینک ، میلیونها دهقان زحمتکش در جشن‌های سومین سالگرد انقلاب شادمانه این خسروخوش را به یکدیگر می‌دهند که .

اصلاحات ارضی به نیروی بر توان انقلاب از بونه تعلیق بیرون می‌آید و قطعیت می‌یابد .

موافق باگرایشات و تمایلات و عا- السلاطین و روحانیون مخالف خط امام تهیه و تنظیم شده بود . ارائه چنین طرحی از درون مجلس شورای اسلامی و توسط تعداد اندکی از نمایندگان که متاسفانه عناصر شناخته شده‌ی نیز در بین آنها بودند تلاش دیگری را از سوی حامیان رنگارنگ زمین‌داران بزرگ ، در خارج از مجلس شورای اسلامی سازمان داد و به مخالفان لایحه اصلاحات ارضی انرژی تازه‌ای بخشید و فشار برای جلوگیری از طرح و تصویب لایحه ، اصلاحات ارضی هیئت دولت به مجلس و نیروهای خط امام مزونی گرفت تا آنجا که طرح لایحه مزبور در مجلس شورای اسلامی جهت شور و بررسی و تصویب به تعویق افتاد و لایحه نیز مجدداً به هیئت وزیران برای " تکمیل " عودت داده شد .

در آستانه جشنهای سومین سالگرد انقلاب ، بارقه‌ای از امید در فضای روستاهای کشور درخشیدن گرفت . رئیس جمهور خامنه‌ای طی سخنانی اعلام کرد :

" اگر (اصلاحات ارضی) انجام نشود قطعاً "

اصلاحات ارضی مبدل گردید . اسام خمینی ه همواره با واقع بینی و توجه خاص به مسائل مردم غلاب و گرفتاریهای محرومان می‌نگرد ، فرمان ریخی خود را مبنی بر تفویض اختیارات ولایت به اکثریت مجلس شورای اسلامی صادر کردند و به این ترتیب جنبش انتظار می‌رفت که دیگر در مقابل تصویب و اجرای لوایح مردمی مانعی وجود نداشته باشد ، توده محرومان روستا که بی‌صبرانه در انتظار تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی بودند ، فرمان اسام خمینی را حلال مشکلات خویش یافتند و با شور و اشتیاق فراوان به استقبال آن شتافتند ، ارگانه‌های انقلابی جهاد و هیئت‌های هفت‌نفره مساله را تمام شده انگاشتند و تمام موانع موجود بر سر راه تصویب لوایح مردمی از جمله لایحه اصلاحات ارضی را منتقم شده پنداشتند . ولی چندی نگذشت که از طرف شانزده تنس از نمایندگان مجلس طرح مسخ شده‌ای تحت عنوان " طرح قانونی رسیدگی به مالکیت زمینهای زراعی واحیاء و واگذاری اراضی در جمهوری اسلامی " در تاریخ دهم آبانماه ۱۳۶۰ به کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید . ایسن طرح عملاً در جهت منافع بزرگ مالکان و فئودالها و

کار می‌کنند " برای رشد تولیدات کشاورزی و کمک به ازدیاد دامی آگاهی و لیاقت خویش را به اثبات رسانند. این کارنامه پرتلاش و غرورآفرین را که نگاه می‌کنیم بر خود می‌بالیم که نسل جوان ما در تب و تاب درگیری‌های عظیم خلق علیه امپریالیسم چنین رشد و لیاقتی را به اثبات رسانیده این نیروی عظیم و این جان‌های پرشور چه اثبارها و فداکاری‌ها کرده است و اگر آنگونه که شایسته انقلاب است به حرکت درآیند ، چه ناممکن‌ها را که ممکن می‌کنند .

جوانان درکشاکش انقلاب و ضدانقلاب

انقلاب باید جوانان را در مقابل دوستان دروغین حفظ و حراست نماید و جهت کلی اهداف و وظایف جاری آنان را تعیین کند . فزونی تعداد ، بیحدکی‌های ماززه و انرژی بیگران جوانان توحه هرچه بیشتر بدانان را ضرور می‌سازد . بی‌سبب نیست که وقتی در اسناد لانه جاسوسی کنگاش می‌کیم مدارک بسیاری از تلاش برای تبلیغات ضدانقلابی در میان جوانان می‌یابیم . بی‌جهت نیست که گروه‌های منحرف تلاش بسیاری را برای اشاعه سموم خویش در میان جوانان نموده‌اند .

انقلاب آیا در این عرصه موفقیت قابل قبول داشته است ؟ آیا قادر بوده است که اجازه ندهد ضدانقلاب از ناخستگی و بی‌تجربگی جوانان به نفع اهداف شوم خویش سود جوید ؟

ارزیابی‌های نادرست کم‌تجربگی در زندگی مبارزاتی و تبلیغاتی امپریالیسم ، حصار فکری که این گروه‌ها بدور ذهن‌ها داران‌شان می‌کشیدند انتکسای نظرات بر نارسایی‌ها ، کمبودها و اشتباهاتی که در مجموعه انقلاب وجود داشت و اشتباهاتی باعث پدید آمدن چنین فاجعه‌ای گردید . اما آیا چنین نتایجی گریزناپذیر بود ؟ آیا با تکیه بر تحارب انقلابی که تاکنون در جهان وقوع بی‌سسته بود امکان نداشت که از

روز چنین لطمانی جلوگیری شود ؟ پوشیده نیست که بخشی از این اشکالات نتیجه مستقیم خرابکاری امپریالیسم ، دشمنان انقلاب و سازشکاران بود و بخش دیگر " ناشی از اشتباهات ، تنگ‌نظری‌ها ، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست نیروهایی بود که یا اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست داشتند یا بدون شرکت در حاکمیت انقلابی ، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا شده بودند (۱)

این اشتباهات که در تمامی عرصه‌های جامعه به انقلاب ضربه می‌زد (و می‌زند) وقتی پایه میدان زندگی جوانان می‌گذارد لطامات بسیار جدی‌تری را بار می‌آورد . در آن زمان که مبارزه‌های حاد با تروریسم در جریان بود ، و در لحظاتی که اعدام‌های بی‌رویه بشدت انجام می‌گرفت گفتیم که :

" به سود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان همراه جدا کند . خلق حق دارد و باید دشمنان سوگندخورده انقلاب ، خائنین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین ملاحظات سرکوب کند . در عین حال باید با اتخاذ سیاست ارشادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفتنشان نیستند به آغوش انقلاب بازگردند " (۲)

ما اعتقاد داریم که از راه‌های دیگر بدون



جوانان در برابر باتوطئه‌های ضدانقلاب و غلبه بر مشکلات انقلاب

" رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها قلم و زبان ما بزرگتر است ، با تارنک، خود را به زیر تانک‌های دشمن انداخت آنها را منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید "

در این میان جوانان هوادار ما نیز بر فعالیت انقلابی‌شان و با رهنمودهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خروش برآوردند که :

" متحسد شویم ! و تا پای جان از استقلال میهن دفاع کنیم "

نام دهها جوان هوادار سازمان که در جنبه‌های جنگ شهید شدند تا تجاوزات امپریالیسم را درهم گویند از انتخارات ماست که در تاریخ انقلاب برجای مانده است . خلق دلاور ما نام شهیدانش مثل اکبر فخوری ، ایرج حسین‌نیا ، زهره موسویون ، لطیف علی‌راه ، محمدبازدار ، علیرضا خلیلی ، دیگر شهیدان جوان فدایی را فراموش نخواهد کرد و سرانجام در مواجهه با آخرین توطئه‌های امپریالیسم یعنی مخ انقلاب با تلاش جنبه متحد ضدانقلاب به رهبری ابوالحسن بنی‌صدر و خنتی نمودن تاکتیک دولت میانه‌رو ، جنبه انقلاب بی‌روشنی و بنی‌صدر از مقام ریاست‌جمهوری عزل گردید . سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با انتشار اطلاعیه‌هایی حمایت قاطع خویش را از خط امام اعلام نمود . خط حرکت برای جوانان پیشگام نیز روشن بود " از گوشه‌های اسام خمینی در راه حفظ آرامش و اجرای قانون اساسی حمایت کنیم "

جوانان مبارز برای بازسازی ایرانی انقلابی نیز سهمی عظیم داشته‌اند . در فعالیت برای نهادهایی چون جهادسازندگی نهضت سوادآموزی ، بنا بر امکاناتی که موجود بوده است در کمک به دهقانان زحمتکش میهن‌مان ، در جهاد برای آبادکردن روستاهای ایران ، در یاری رساندن به هموطنان زلزله‌زده و در هر آنجایی که ممکن بوده است این دست‌های جوان و بی‌ترتیب همواره در کنار بوده‌اند و خدمت کرده‌اند فرزندان عزیز ما در روستاها ، در تلاش و تبلیغ برای شعار " زمین از آن کسانی است که روی آن

سومین سال از انقلاب شکوهمند بیمین را پشت سر گذارده‌ایم ، ۳ سالی که لحظه به لحظه آن سرشار از حوادث سرنوشت‌ساز برای انقلاب بود ۳ سالی که روزهای بسیار بیم و امید ، از نبرد و مقاومت و آرساختن و بران کردن را بیاد دارد از این نبرد اما نمی‌توان سخن گفت گفت بی‌آنکه نقش جوانان را در مجموعه این تحولات بیان کرد .

نگاهی گذرا به گذشته بهروشنی نقش و سهم بزرگ جوانان را در پیروزی انقلاب و تداوم آن نشان می‌دهد . در مطلع انقلاب ، آن زمان که هنوز دوره تدارک نبود ، دانشجویان و دانش‌آموزان ایرانی با اعضاات پیاپی و مبارزاتی بی‌امان مادی آغاز نبردی سهمگین بی‌سبب خلق و دشمنانش بودند و این نخستین گام سازمان ، در حرکت توفان‌زای انقلاب نیز آنگونه که شایسته بود همراه با مردم رزمیدند با خون این جوانان لاله‌های انقلاب شکوفا شد . با تعمیق انقلاب ، بعد از گذشت ۹ ماه و به بی‌نیست رسیدن مشی سازشکارانه دولت لیبرالی با حرکت قاطع بخشی از جوانان انقلابی یعنی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام لانه جاسوسی امپریالیسم امریکا تسخیر گردید . و به تعبیر امام " انقلابی بزرگتر از انقلاب اول آغاز گردید "

جوانان پیشگام به مثابه جوانان هوادار سازمان ما که در طلوع انقلاب سازمان یافته بودند به نسبت از خط مشی سازمان از این خروش انقلابی پشتیبانی قاطع کردند و با راهبمایی‌ها و تظاهرات و اعلامیه‌ها نشان آغاز این انقلاب بزرگتر را به مردم ، امام و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شادباش گفتند . پس از آن نیز در مقابل تمامی حرکات لیبرالها همواره در کنار نیروهای خط امام به انشاء سازشکاران پرداختند .

امپریالیسم سرانجام تجاوز رژیم صدام را تدارک دید که در این عرصه نیز با مقاومت بولادین و عزم راسخ مردم ما برای دفاع از انقلاب مواجه شد . واقعیت آن است که ستون اصلی نیروهای مقاومت در مقابل دشمن تجاوزگر یعنی سربازان ، پاسداران و افراد بسیج ، رانیه‌های جوان میهن ما تشکیل می‌دهند و هم آیین بودند که حماسه‌های کبیری در جنگ میهنی آفریدند ، آنگونه که رهبر انقلاب گفتند :

اعدامها و خشونت‌های غیرقابل توجیه هم امکان درهم شکستن آشوبها وجود داشت. فریب‌خوردگان باید فرصت می‌یافتند که اشتباهاتشان را تصحیح کنند. نه تنها کسانی که به زندان افتاده‌اند بلکه آنهایی هم که در خارج زندان هستند، می‌توانستند و می‌توانند در نتیجه تاثیر رفتار سعادتی‌ها و کسان دیگری که در زندان به راه درست پی برده‌اند، از رهبری خائن و ماجراجوی خود جدا شوند.

زندگی نیز نشان داد که کدام شیوه درست‌تر بوده است. ای بسا کسانی که ناآگاهانه و یا نیت انقلابی به دنبال رهبرانشان روان شده بودند، وقتی فرصت تفکر یافتند، بازگشتند و جای واقعی خود را در کنار مردشان یافتند.

تاسف‌بار آنکه هنوز هم در جلب وسیع توده‌های جوان در عرصه‌های گوناگون برای خدمت به انقلاب شاهد کارشکنی‌های بسیار جدی و نگران‌کننده‌ای هستیم. هنوز هم برای ورود به دانشگاه یا استخدام در ادارات، موسسات دولتی و خصوصی، شرکت در ارگان‌های انقلابی مثل نهضت سوادآموزی و جهادسازندگی اشکال تراشی‌های سنگ‌نظرانه و انحصارطلبانه انجام می‌گیرد هنوز هم در کارخانجات و مدارس تصفیقات ناروا و ناحق صورت می‌پذیرد و هنوز هم پاکسازی‌های غیرقانونی و غیرموجه رایج است سخن اینک با "دشمنان دانا" نیست که ایشان را جز این نظراری نیست. سخن با دوست‌ستانی است که با این اشتباهات و تندروی‌هاشان نتیجه برداشته‌اند و ریشه انقلاب را هدف گرفته‌اند. ناخواسته ایجاد دشواری می‌کنند ناراضی می‌تراشند و به سود دشمنان کار می‌کنند.

در این زمینه خوب است برخورد امام را نمونه بیابیم که حتی در مورد هواداران گروه‌های دست‌نشانده:

"... اینها را نباید آقایان بگویند که شما در ملازمت وقت یک کار خلافی کردید و حالا دیگر باید محروم باشید از دانشگاه... اینها هم باید راه پیدا کنند به دانشگاه. این جوان‌ها را مایوس نکنید. اینها ذخیره‌های این ملت هستند"

آنهایی که درک نمی‌کنند چگونه باید با جوانان رفتار کرد، باید در مقابل سرنوشت انقلاب پاسخگو باشند. سخن از یک گروه کوچک و عده‌ای کم در میان نیست سرنوشت میلیون‌ها جوان مطرح است.

کوتاه سخن آنکه جوانان، عظیم‌ترین بار انقلاب و در تمام امور ذخیره اصلی آن هستند. باید این نیروی وسیع را هرچه بیشتر به جنبش جلب نمود و با افزایش سطح دانش عمومی و فرهنگ آنان، ایجاد شرایط لازم برای کار و زندگی روزمره و تفریحات سالم، با مشارکت هرچه بیشتر آنها در امور مربوط به خود، آنها را بطور فعال جذب کرد و به خدمت انقلاب گرفت.

جوانان و مسئله دانشگاهها

تعطیلی دانشگاهها قریب به ۲ سال گریبانگیر انقلاب ایران بوده و در ایجاد گسترده به پیکر انقلاب لطمه زده است. در بیانیه مشترک سازمان ما و حزب توده ایران آمده است:

"دانشگاهها، که وظیفه تربیت کادر علمی و

فنی برای رشته‌های گوناگون را برعهده دارند عمدتا در حال تعطیلند. بیش از صد هزار جوان دانشجویی، که در دانشگاهها مشغول به تحصیل بودند، بیگار و بی‌هیچ دورنما برای زندگی، تشنه آموختن و بیکار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی و اقتصادی میهن، در حال انتظارند. هر سال دهها هزار دانش‌آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند همه اینها در مجموع خود زمین حاصلخیزی برای پدافشانی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد" (۲)

در شرایط امروز، رهنمودهای صریح و واقع‌بینانه اسام خمینی که باید هرچه سریع‌تر دانشگاهها باز شوند و چرخ‌های نظام آموزشی عالی به حرکت درآیند، امید بسیاری در میان مردم و بخصوص جوانان ایجاد کرده است اما متأسفانه علیرغم این رهنمودهای ارزنده هنوز تفکری وجود دارد که مخالف بازگشایی دانشگاههاست و در شرایط کنونی، پنهانی و به شیوه‌های گوناگونی می‌کوشند "خط خود را پیش برد و با بهره‌گیری از نیروهای "غیرمکتبی" انقلابی در این عرصه نیز به شدت مخالفست می‌نماید.

این تصور که چنین فرهنگ انقلابی جدای از مجموعه دستاوردهای فرهنگ بشری رشد و تکوین باید، تصویری بغایت نادرست و انحرافی است آنهایی که: "از بسته‌ماندن دانشگاهها تشکیب زودن حتی یک سلول فرهنگ غرب شرقی" (۴) اصرار می‌کنند، نمی‌فهمند که فرهنگ مادی و معنوی آفریده بشری متعلق به این یا آن کشور خاص نیست و در بسبب به روی آن، با هر عنوان تنها جمهوری‌خواهی اسلامی را از قافله علم و فن امروزین عقب می‌اندازد. همچنین تاکید می‌کنیم که در گرونی در نظام آموزش عالی را امری ضرور اما نه ملازم با تعطیل دانشگاهها می‌دانیم و به عکس معتقدیم که تنها در صورت فعالیت نمربخش مراکز آموزش عالی است که می‌توان جنبش امری را تحقق بخشید.

بسیار دیگر تکرار می‌کنیم در شرایطی که پیش از ۲۵۵ هزار نفر دانشجو در کشورهای سرمایه‌داری زندگی می‌کنند و سالیانه بالغ هنگفتی ارز از کشور خارج میکنند، محروم کردن بیش از ۱۷۵ هزار دانشجو از ادامه تحصیل در ایران با این بهانه که دانشجویان در دانشگاههای ایران و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی غرب زده می‌شوند به هیچ‌گونه‌ای قابل توجیه نیست.

در اوضاعی که برای بتوان کردن روند بازسازی میهن انقلابی ما بیکارگیری همه نیروهای مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مستقل از عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، ضرورتی تردیدناپذیر یافته است جلوگیری از تحصیل و خدمت نیروهای "غیرمکتبی" انقلابی با دلائل سنگ‌نظرانه و انحصارطلبانه، در جهت اهداف انقلاب نیست.

به هر ترتیب امید آن داریم که مجموعه دست‌اندرکاران امر آموزش عالی وفادار به رهنمود امام بمانند که "همه نیروی خود را برای بازگشایی دانشگاه تجهیز کنید"

بیکاری و بی‌برنامگی، مشکل بزرگ جوانان

با گذشت سه سال از انقلاب، بیکاری همچنان بلای مومن نسل جوان میهن ماست و زندگی بخش قابل توجهی از آنان را به مخاطره انداخته است فراموش نباید کرد که چنین بلایی در درجه نخست زیشه در اقتصاد بیمار و وابسته‌ای دارد که

سالتها با اقتصاد جهانی امپریالیسم پیوندی تنگناک داشته و انقلاب ما هنوز قادر به پاره کردن این ریشه‌ها و بی‌ریزی بک اقتصاد ملی نبوده است.

مطابق آمارهای رسمی بانک مرکزی در آبان ۵۷ یعنی چند ماه پیش از انقلاب تعداد بیکاران در ایران از مرز یک میلیون و سیصد هزار فراتر رفت و اگر توجه کنیم که به دلیل ترکیب سنی جمعیت هر ساله حدود ۳۵۰ هزار نفر به جستجوکنندگان کار افزوده شده است مشاهده می‌شود که معضل بیکاری با چه حدنی روی نموده است

هر هیچکس پوشده نیست که بیکاری چه مشکلات، و مسائل بزرگی را در میان جوانان، بوجود آورده است ایجاد روحیه یاس و بی‌اعتمادی به آینده و در نتیجه سوق به سوی فعالیت‌های مخرب و حتی ضدانقلابی، عدم امکان تشکیل خانواده و تشدید نابسامانی‌های فکری و اخلاقی و مهمتر از همه بی‌استفاده ماندن و هز رفتن انرژی بیکران جوانان که می‌توانست و می‌تواند در کار تولید و سازندگی کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد، از جمله این مسائل است

ما خوشحالیم که نشانه‌های امیدبخشی در حل این معضلات پدیدار گشته و امیدواریم که تلاش نیروهای انقلابی برای تدوین برنامه‌های رشد سالم اقتصادی برای فعال‌کردن بخش‌های مختلف صنایع در راستای قطع وابستگی و همچنین حل قطعی اصلاحات ارضی با موفقیت همراه باشد. اما نمی‌توانیم نگرانی خویش را در این زمینه‌ها ابراز کرده و خواهان اقدامات حدی‌تر در این موارد نباشیم.

حدا در برنامه‌های درآمدت برای حل مشکل استعمال که با بهره‌گیری بخش‌های مختلف صنعت، اعتلای کشاورزی، حل مشکل مسکن که در یک کلام برنامه‌ریزی برای یک اقتصاد مسفل می‌باشد، لازم است که برنامه‌های کوتاه مدت نیز در این زمینه مورد توجه قرار گیرد و بخصوص در مورد جوانان، مسئله کارآموزی و کسب مهارت‌ها در این رابطه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. برخی از این اقدامات به نظر ما به شرح زیر است:

- بازگشتی کامل و توسعه‌یافته طرفیب دانشگاهها تا دیلمه‌های کشور به دانشگاهها جذب شوند و باحصول در رشته‌های مورد نیاز کشور را از لحاظ کادر مشخص نامین نمایند.

- گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای برای تربیت تکنیسین و هم‌بزه برای صنایع و کشاورزی

- جدی‌گرفتن نهضت سوادآموزی تا بتوان طی دوره‌ای سینا کوتاه جمعیت بیسواد را سواد و حرفه و تخصص آموخت.

- آموزش کوتاه مدت جوانان در زمینه بهداشت و بهرپستی با بدس تربت نمار مملکت و مخصوصا روستاهای ایران را در این زمینه پاسخگو باشد.

- گسترش فعالیت‌های جهاد سازندگی در رصده راه‌های روستایی و فعالیت‌های عمرانی در روستاها.

امید آنکه برودی شاهد بحرك بيسری برای ریشه‌کن ساختن بلای بیکاری در میهن ما باشیم.

جوانان و حق فعالیت آزاد صنفی و سیاسی در مسیر انقلاب

عصمد تشکل اقشار مختلف جوانان در سازمانهای صنفی خویش و همچنین عدم حضور بقیه در صفحه ۱۶

زنان در دفاع از انقلاب حماسه‌های آفرینند



کارنامه سرفراز و ستب انقلاب مردمی و عدم امیرالسنی مین مان در یک سال گذشته به درخشندگی، حضور صمیمانه و ایثارگرایه زنان مهربان و خصم سیزمان را در تمامی عرصه‌های مبارزه و سازندگی نشان می‌دهد. زنان ما که با حضور سکنی آفرسان در صحنه مبارزه علیه سلطه جابرانه شاه امریکایی نقش عظیم خویش را در به سر رساندن انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ با افتخار بر صفحه تاریخ انقلابات جهانی به ثبت رسانیده‌اند. با مداوم حضورشان در تمامی عرصه‌های سبب انقلابی مان در این مدت بطور خستگی ناپذیر کوشیده‌اند که از این انقلاب به ساسنکی پاسداری نمایند.

امروز زنان بیدار و فداکاران دهر غظه که باشند، از روساهای گسترده میهنان ما شب دستگاه‌های عظیم کارخانجات، از حبه برد روبروی علیه صدایمان تا حدیات بی‌سائیه در جهاد سازندگی و نهضت مواد آموزی از بریا داسن کمته‌های سخت حبه مداوای مجروحین و نسلی دردندان تا اسای موطنه‌های دسمن از تربیون محلس با کوبیدن بر دهان سایه‌ساران بی‌بینم که چگونه استوار و آسنی ناپذیر در سنگر اسفلال و آزادی میهن مان می‌ریزند. این جنس است که امام بی‌گوید " ما نهضت‌ها را مدیون زنان می‌دانیم

نگاهی به کارنامه یک‌ساله زنان در انقلاب

انقلاب ما یک سال دیگر را پشت سر گذاشت یک‌سالگی که موطنه‌های گوناگون دسمن را به خود دید و با عزم انقلابی مردمان بی‌وقفه به پیش رفت. مادران، همسران و خواهران هموزم، همیا و همعدا با فرزندان همسران و برادران خود در بهمدست خویش میهن به سبزی بی‌امان با خصم دوز برخاستند و انقلابیان را چون مردمک چشم‌های داشتند. تلاش‌سنگر زنان بیدار و فخرمانان را در سومین سال انقلاب از نظر می‌گذرانیم و در مقابلشان سر عظیم فرود می‌آوریم.

زنان در تولید:

عرصه کارخانه‌ها و مزارع سرسبز میهن، سنگری است که زنان، همچنانکه مردان، چمکمان، لحظه‌ای آن را ترک نکردند. زنان کارگر و دهقان ما امروز به درستی آگاهند که شمار کسوی انقلاب در عرصه تولید، کسار و کسار و بازهم کسار می‌واند باشد. آنها به همراه کارگران و دهقانان مرد، کوشیدند از کاش تولید حلوقیری کنند حتی در بسیاری موارد بر یازدهی کار بفرزاند. آنها می‌گویند: حال که ما نمی‌توانیم در حبه‌ها شایم، در ست حبه‌ها در کارخانه خودمان و با کار خودمان از انقلاب دفاع می‌کنیم ما آنقدر کسار می‌کنیم با تحریم اقتصادی امریکا را درهم بکوبیم، ما آنقدر به مقاومت خود در مقابل توطئه‌های خدانقلاب داخلی در کارخانه‌ها ادامه می‌دهیم ما اربابستان امریکا را به خاک سیاه بنشانیم. زنان کارگر در ساسنی و حش کردن موطنه

و این سخنان دلنشین و سرورانگیر که از یک دهان به نمایندگی از دهها هزار بیرون می‌آید، حکایت از آن دارد که زنان کارگر ما بیدارند، هشیارند و مصممند تا بیروزی جهانی دمی از پای نشینند.

این شعور و آگاهی به درخشان رسیده است که زنان کارگر ما ناسر بلاواطه اجرای بند "ج" و "د" و ملی شدن تجارت خارجی را در بهبود شرایط زندگی خود درک می‌کنند سخنی داریم با اکرم خام کارگر خیاط:

— حسنه نباسید، ممکن است به چند سؤال ما جواب دهید؟

کارگر خیاط — سلامت باشید، اگر برای روونامه‌ها می‌خواهید بنویسید، بنویسید ما کارگران خیاط حاضریم شیفت سه‌هم بدون مزد برای جبهه‌ها کار کنیم خیلی از ماها که در کار

دوخت و دور هستیم بعد از ظهرها که کارگاه تعطیل می‌شود، در مسجدهای محل برای برادران پاسدار و سرباز خودمان لباس می‌دوزیم بعضی موقع‌ها حتی پول پارچ‌هاش را هم از دستمرد خودمان می‌پردازیم، بنویسند ما می‌خواهیم تعاونی تولید بزنیم، دولت باید به ما کمک کند باید راهی پیش پای ما بگذارد که بتوانیم در تعاونی‌ها و سندیکاهای خودمان فعالیت کنیم و بعضی‌ها مانع می‌شوند و بی‌کوشند شما زن هستید نباید با مردان یکجا کار کنید، ما حرفی نداریم اما این باعث نشود که ما زنان بتوانیم در سندیکاها و تعاونی‌ها که واقعا خیلی فایده دارد، شرکت کنیم. یکی دیگر اینکه بنویسید اگر دولت هرچه زودتر بند "ج" و "د" را

گروه‌ها که سعی دارند با راه انداختن اعصاب در کارخانه‌ها از شتاب انقلاب بکاهند، بسه برادران خود باری می‌رسانند. زن کارگری در پاسخ به سؤال یک تحریرکننده که گفته بود "مگر نمی‌خواهی با مردان مساوی شوی چرا برای گرفتن مزد مساوی دست از کار نمی‌کشی؟" گفت "بگذار انقلاب جان بگیرد، آن وقت نه تنها مزد مرا برابر خواهد پرداخت بلکه پوزنه دلسوزانی مثل تو را هم آنچنان به خاک خواهد مالید که دیگر اثری از وجود کثنت باقی نماند. من اگر شده بی‌مزد هم کار خواهم کرد تا قاده‌ها به ریش تو و ارباب بیچاره‌ها بخندم"

امروز زنان کارگر ما برابری با مردان را در عرصه انقلاب برای خود باسین می‌کنند.

زن کارگری در یکی از کارخانه‌های داروسازی می‌گفت:

"در این یک سال این گروه‌کبابی که سنگ خلق را به سینه می‌زنند چه تلاشی کردند تا کارخانه را تعطیل کنند. هر روز یک بیجانسه می‌آوردند، اما مگر ما گذاشتیم، یکی نیست به این باری‌خورده‌ها بگوید این کارخانه تعطیل شد به کجا و به چه کسانی دارو خواهد رسید؟ این داروها که بیشتران آنتی‌بیوتیک هستند مستقیما برای جبهه‌ها و بیمارستان‌هایی که پر از مجروحین جنگی است بسته‌بندی می‌شود. مگر این برادران ما در جبهه جنگ با صدام برید و امریکا نمی‌جنگند؟ این باری‌خورده‌ها می‌گویند پول محصولات کارخانه مستقیما به حبیب سرمایه‌دارها می‌ریزد، کدام سرمایه‌دار؟ ما که رئیس‌تجاره که ساه جلا بود از مملکت بیرون انداختیم، و دیگران را — بیرون می‌اندازیم، اینها همه اش بیبانه است..."

در گرو نابودی این نظام فرسوده میدیدند ، و ایک دستاوردهای این خیزش عظیم را به سهم خود پاس می‌دارند و در راه گسترش آنها همچنان برشور می‌رزمند .

زنان در جبهه و پشت جبهه :

جبهه‌های جنگ از آغاز تاکنون شاهد حضور زنان شیردلی بوده است که حماسه‌های مکتوب را به فعلیتی نوین درآورده‌اند . در این عرصه "خصره" زن روسایی جنوب بدد آمد و با سعی که بر عداوت دشمن رحمت وجود همراه آنان بر سر سفره نشست صحنه هلاکت رساندن ۱۲ نفر از مزدوران دشمن ، جان ناک خود را و دعبه رهایی سپهرس کرد . و خصره‌ها در ایران اغلابی ما کم نیستند .

زن ایرانی ایک در جبهه‌های ه کسردگی میهن اغلابی مان با هم عهدان خود در سراسر جهان همصدا شده است که "ما زندگی می‌بخشیم پس باید از آن دفاع کنیم ، اگر اراده کنیم پیروزیم" و زنان ما اراده کردند و ندای رهبر را لبیک می‌گویند "در این جنگ ما پیروزیم" علاوه بر زنان و دخترگانی که تفنگ بر دوش می‌گیرند و در نبرد رویاروی با صدامیان ، برادران خود را یاری می‌دهند ، زنان امدادگر در پیشرفت پیروزی سهم سزایی به عهده دارند .

آنان که عمدتا از بین برستاران ، بهاران و برشکان داوطلب برای کمک‌رسانی به جبهه هستند گاه برای نجات یک رزمده تا سگر وی پیش می‌روند . سلاج آنان شیشه خونی است که به دست دارند تا قلبی را به طیش دوباره وادارند در دارخوین ، زمانی که بیمارستان موجود در معرض حملات دشمن قرار گرفت ، زنان مددکار ما آرام نگرفتند ، و خلافا نه دست به اسکار زده و به برانکردن بیمارستان صحرایی اقدام کردند . این سرزنان دلیر با تمام توان خود گوشه‌دندان این بیمارستان صحرایی اتاق عمل هم داسه‌باند .

اما جبهه‌ها از پشت جبهه‌ها فوب می‌گیرند . قابلیت‌ها و خلاقیت‌های زنان زحمتکش در این عرصه نیز درخشان بوده است . به‌ویژه آن دسه که از میان آفتاب و طبقات ستم‌دیده و زحمتکش بوده‌اند در این عرصه از جان مایه گذاشته‌اند . آخر این جانبازان جگرگوشگان این مادران ، خواهران و همسرانند که اینچنین قصد حراست از میهن انقلابی‌شان کردند .

کمته‌های پشت جبهه در بی چنین ابتاری و با اراده چنین ابتارگرانی بدد آمدند . زنان در این کمته‌ها به تدارک تمام امکانات زیستی و درمانی پرداختند و مایحتاج جبهه‌ها را تأمین کردند . چنین تلاشی نه تنها پاسخگوی نیازهای مادی جبهه‌ها بود ، بلکه از نظر معنوی در تقویت روحیه رزمندگان و گسترش همسنگی ، بین آنان بسیار موثرتر اقتصاد . آنان حتی در بسته‌بندی کالاهای ارسالی "مرگ بر آمریکا" را فراموش نمی‌کردند ، بسته‌ها با شعار "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر صدام" درود بر خمینی" آذین داده می‌شدند . زنان در محلات "آش مرگ بر امپریالیسم" می‌پختند و در نشاط پیروزی نقل و نبات میدادند و با دسته‌های گل از برادران پاسدار خود تجلیل می‌کردند . آنان همچنین در سوگ شهیدان خود به آذین حمله می‌نشستند ، و با طنین رسا تر مرگ بر آمریکا را فریاد می‌زدند . دل‌داری به مادر داغ‌دیده و نوعروس به عم نشسته در فراق همسر ، عیادت از مجروحین در بیمارستان‌ها تسلی بخشیدن به اندوه نوجوانی که بر سنگ مزار پدر بیستانی به خاک می‌سائید ، همراهی با خواهری که در سوگ برادر رشیدش جامه به

اگر ما را محاصره اقتصادی کند ما می‌میریم و دولت خیلی خوب کاری کرد که فروش برنج را به دست خودش گرفت . این تاجرهای بزرگ برنج دست به دست ارباب‌ها ، هم پدر ما را درمی‌آوردند هم پدر مصرف کننده‌ها را . کاش همه محصولات را دولت از روستائی‌ها بخرد ، دست این مفتخورها را از جان ما کوتاه کند ... خدا آیت‌الله منتظری را پاداش دهد که سهمیه قند و شکر ما را زیاد کرد ، درد ما را می‌فهمد می‌داند که ما کشاورزان جای زیاد می‌خوریم . آخر ، تابستان‌ها عرق می‌ریزیم ، زمستان‌ها سردمان می‌شود چون همیشه کارمان در صحراست . . اگر این بند "ج" و "د" اجرا شود ما دیگر نمی‌گذاریم ضدانقلاب نفس بکشد . آخر وقتی دست ارباب بکلم ، از زمین‌های ما کوتاه نشده است ، او قوت دارد"

به این ترتیب می‌بینیم که زن روسایی هم‌آرا با همسنگر کارگش یک کلام را بر زبان می‌راند ، همانگونه که در صحنه بیکار همراه اوست .

همچنین است سبیز سایر زنان زحمتکش ما با دشمن . زنان کارمند ، معلم ، پیشه‌ور ، خانه‌دار ما هر کدام در گوشه‌های از خاک پهناورمان در تلاشند تا شکوفه‌های عطرآگین انقلاب را به میوه بشانند .

در این میان وظیفه زنان انقلابی و متعهد کارمند ما بسی سنگین بوده است . چرا که ضدانقلاب و لیبرالها بیشترین نفوذ را در میان این دسته از زنان زحمتکش ماکرده و بیشترین تلاش خود را برای به انحراف کشاندن مسیر مبارزاتی این دسته از زنان ، متمرکز کرده‌اند . کار آگاه‌گرانه زنان آگاه و مبارز ما در میان این دسته از زنان برای دفع هجوم تبلیغاتی ضدانقلاب شایان توجه است . اینجا عرصه دیگری از نبرد علیه دشمنان انقلاب بوده است . در میان زنان کارمند ، حرکت ، سانه‌روزی برستاران ، بهپاران و کمک‌بهاران و عده‌زبانی از بزرگان زن در قلب برطیش انقلاب ، درست در صحنه‌هایی که جان شریف از جان‌گذشتگان ما برای نجات ، یاری می‌طلبید ، سکوهی چشمگیر داشته‌است .

آن دسته از معلمین نیز که در مقابله با نشر افکار ضدانقلابی در مدارس ، یاران اغلابی خود را در عرصه گسترده بیکار همراهی کرده‌اند ، از نظر حساسیت و وظیفه‌ای که به عهده دارند ، نقش برجسته خود را بخوبی ایفاء کرده‌اند . زنان معلم علاوه بر ایفای نقش موثرشان در مقابله با نوطکه‌های ضدانقلاب ، در مدارس ما آموزش و پرورش میلیون‌ها دانش‌آموز را عهده‌دار هستند که نیروی پرتوان آینده انقلاب و میهنان را می‌سازند . زنان معلم زحمتکش در این عرصه نیز درخسیدند .

زنان غیرشاغل و خانه‌دار نقش بسیار برجسته‌ای را در مبارزات خیابانی ، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها به نفع انقلاب داشته‌اند . شرکت میلیونی این دسته از زنان همراه نوازندگان و کودکانشان در تحکیم جمهوری اسلامی و دفع انگل‌ها ، سیمای مردمی انقلاب را عیان‌تر به نمایش گذاشته است .

زنان زحمتکش ایرانی در هر مقام و موقعیتی که هستند در این یک سال ، در تداوم حرکت برخورد خود یک بار دیگر به جهانیان نشان دادند که فرصه‌های طاغوت و طاغوتیان که در قانون اساسی‌شان منعکس می‌شد و زن را همدریف مجانبین و نابالغین قرار می‌داد و او را از حقوق حقه خود محروم می‌ساخت ، باطلی بیش نبودند . آنان بر هرچه نظم طاغوتی است شوریدند . زیرا که آزادی و برابری خود را تنها

اجرا کند بهتر است چون روستائیان رحمتکش اگر صاحب زمین نبودند به حق خودشان می‌رسند و بیشتر برای انقلاب دل می‌سوزانند ، بیشتر کار می‌کنند و حاصل کار آنها به بازار سرازیر می‌شود . نقشه محترکین نقش بر آب می‌شود و کم‌گرانی می‌شکند ، برای ما کارگرها که خیلی خوب می‌رند . بنویسید اگر دولت بازرگانی خارجی را زودتر ملی کند و تعاونی‌های تولید و مصرف را هرچه بیشتر راه بیاندازد برای ما مستضعفین بهتر است چون دست واسطه‌ها کوتاه می‌شود ، جنس اینقدر گران بدست ما نمی‌رسد ، همه چیز پیدا می‌شود دست ضدانقلاب کوتاه می‌شود و به قول امام دیگر "امریکا هیچ غلطي نمی‌تواند بکند" الان که گرانی و بیکاری هست آدم باید چند ساعت در صف بایستد تا چیزی گیرش بیاید ، ضدانقلاب با دمش گردو می‌شکند و توی همین صفا‌ها به گوش مردم می‌خواند که "بله ، بلیه ، اگرم خام در اینجا لیختدی می‌زند و ادامه می‌دهد :

"مخصوصا حالا که خودمانیم ، شما هم زن هستید ضدانقلاب به ما زن‌ها خیلی امید بسته خیال می‌کند که رنجا را رودتر می‌تواند گول ببرد اما آدم باید واقعا کور باشد که نیند رنجا حتی گاهی جلوتر از مردها در صف مبارزه پیش می‌روند ، اگر دولت یک‌قدری رودتر بچنید . اگرم خام در آخر حرد ، هایش می‌گوید :

"بنویسید ، بنویسید ما زن‌ها هیچ نداشته باشیم با چنگ و دندان ؛ آمریکا و دوستانش را لت و پار می‌کنیم" و می‌حسد .

کدام انسان متعهدی است که سخنان این زن دل‌آور را بشنود و از شادی برق در چشمانش ندرحسد و فریادش را با فریاد او درنمازید که "مرگ بر امریکا"

همین بویایی و شکوفایی را ما در زنان دهقان خود نیز می‌بینیم به حرات می‌توان گفت که این دسته از زنان زحمتکش ما در یک ساله اخیر انقلاب بسترین سهم را در تقویت پشت جبهه‌ها داشتند هم میهنان ما باند دارند صحنه‌های راکه از این‌آر پیروز روسایی بر صفحه تلویزیون نقش بست ، چه آزادمنشانه همانگونه که درخورش بود و چه صمیمانه می‌گفت "۴۰ تومان این برج کسار کرده‌ام ، دادم برای جبهه ، این کت را برای خودم خریدم بدم آن هم برای جبهه ، یک دختر دارم آن هم برای جبهه ، جان خودم هم برای جبهه" و این صدای رسای میلیون‌ها زن روسایی‌ماست که اینچنین سرافتندانه از حنجره‌سر کهنال و عاشق ما برون می‌آید . برآستی که وای بر آمریکا و همراهانش که با چنین ملتی درافتاده‌اند .

زن روسایی طبق سنت‌های دیرینه حاکم بر زندگی‌اش کم‌حرف و کم‌روست و سواد ندارد ، زیاد تحقیر شده‌است از وقتی که هنوز سیده زده تا باسی از شب در مزعه و بعد از آن در خانه کار می‌کند ، اما انقلاب شخصیت واقعی او را نیسز در معرض قضاوت گذاشته است . مبارزه‌اش علیه بقایای خانجانی دوران طاغوت‌ها همراهیش با هاب‌های هفت نفره ، همبایی‌اش با مرد دهقان درکاست ، داشت و برداشت ، همکاری‌اش با کمته‌های پشت جبهه ، زبان گویای اوست .

صفاخانم زن سالیکار شمال که از هم‌رده‌های خود سر و زباندارتر است می‌گوید :

"هنوز بروجا در آسمان است ما می‌آئیم سر زمین‌ها . می‌خواهیم اینقدر برنج بکاریم تنها بارارهایمان بر ار برنج بشود . امریکا خیال نکند

تن می‌دید. همیاری با آوارگان جنگ و بسیاری همدردی‌های دیگر نشان از خصلی بخایت انسانی در زنان مستمدیده ما می‌داد که به موقع این نخواست‌های تملی‌بخش تبدیل به خروش و فریادی از سر خشم می‌شد. آنچنان که در سوگ ۷۲ شهید و دیگر یاران امام و انقلاب دیدیم. چنین همراهی‌هایی امروز بدل به همبستگی وسیع بین زنان زحمتکش ما شده است

زنان در مقابله با ضدانقلاب داخلی

توطئه‌های امپریالیسم برای به شکست کشاندن انقلاب ما در سال گذشته نیز با اراده انقلابی مردم با عقم ناند. ضدانقلاب داخلی در به اجراء آوردن نیرنگ‌های جدید اربابان خود در سال گذشته در هر جلدی که خزید افشاء شد و باز زنان ما، در افشاء، مقابله، طرد و سرکوب آنان سهم خود را باز شناختند و از عهده این وظیفه سنگین بخوبی برآمدند. افشاء و طرد بنی‌صدر، منزوی کردن باند خائن رجوی و درهم شکستن سیاست‌های انحرافی و جنایت‌بار این باند و گروهک‌های آمریکایی، بیرون راندن لیبرالها و عناصر سازشکار و خیانتکار از عرصه‌های سیاست و بست‌های حساس مملکتی همه اقدامات انقلابی‌ای بودند که توده‌های میلیونی زنان و مردان ما همدوش و همقدم با هم به پیش بردند.

بنی‌صدر و همراه خائن او رجوی چه عیست بی‌اندیشیدند وجه وقبحانه می‌گفتند که " اگر هیچکس هم با ما نباشد زنان با ما هستند " سبل خروشان زنان در تظاهرات علیه بنی‌صدر و در دفاع از جمهوری اسلامی بنحوی درخشان بوحی این یاوه‌سرای‌هایی را نشان داد.

زنان طی دوران شوک‌هنگام انقلاب همچنان که شخصیت حقیقی خود را نشان دادند خود نیز بر توان و هویت واقعی خویش وقوف یافتند بحدی که مقابله با " مساوات‌طلبی " و " آزادیخواهی " لیبرالها و دار و دسته بنی‌صدر یا شعارها و گرایشات انحرافی نیز که قصد منزوی کردن زنان و در نتیجه تضعیف انقلاب را داشت مبارزه کردند. زنان ما عواطف و وظایف مادری خود را نیز به خدمت انقلاب گرفتند. آنها کودکان شیردلی چون " فبیسیده " را به انقلاب تقدیم کردند. زنان در مقابله با شعارهای انحرافی بقدری حساس بودند که حتی از گسترش شمار بنی‌صدر لچک به سر " معانعت به عمل آوردند. زنی در یکی از تظاهرات‌هایی که بعد از فرار بنی‌صدر و رجوی براه افتاده بود شنید که کسی می‌گوید " مرگ بر بنی‌صدر لچک‌به‌سر " درنگ نکرد، به آزادی اما جدی گوینده را هشدار داد " برادر دون شان زنان است که صفی از آنان را به چنین خائنی ارزانی کنی آیا این همه لچک به سر را نمی‌بینی که برای دفاع از انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی به خیابان‌ها ریخته‌اند؟ گذشت آن زمانی که زن را به دیده تحقیر می‌نگریستند، امروز زنان ما این گفته امام را ثابت کرده‌اند که " زن بزرگی و بی‌وزی در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست " چرا حرفی را تکرار می‌کنی که ضدانقلاب سرزبان‌ها انداخته است. "

هشدار، بسیار رسا و موثر بود، مرد پوزش طلبید و با فریاد مرگ بر بنی‌صدر " مرگ بر آمریکا " به خیل جمعیت پیوست.

در این یک‌سال بسیار راهپیمایی‌ها و تظاهرات خیابانی در تحکیم جمهوری اسلامی و تأیید مشی انقلابی امام به دعوت دولت و آیت‌الله منتظری صورت گرفت. زنان تمامی این دعوت‌ها را پذیرا شدند. آنها گرما و سرما و گرسنگی را در

در گستره پهناور جهان دست یارانشان را فزودند و خطاب به زن فلسطینی ایرلندی و آفریقایی ندا دادند که " ما تنها نیستیم خواهیم خود ما اگر اراده کنیم پیروزیم ما آنچنان که خود زندگی بخشیدیم در سراسر جهان به دفاع از آن برخوایم خاست و با تمام توش و توان خود سعادت را برای جهانیان که فرزندان آینده ما هستند به ارمغان خواهیم آورد

و در پی چنین آرمان والا پی زنان ما دست به تظاهراتی علیه دول مرتجع زدند که در زیر گذری بر این حرکت داریم.

در پشتیبانی از مردم مبارز ایرلند :

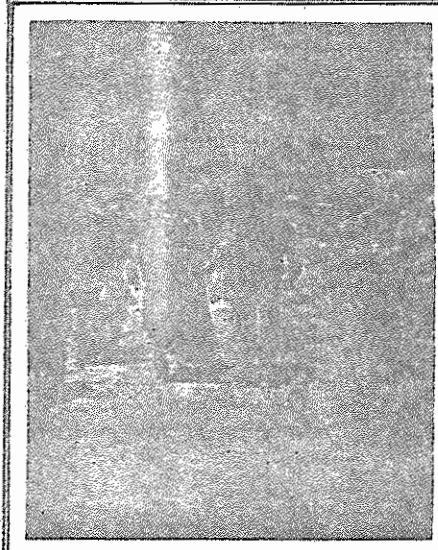
در مرداد ماه ۱۳۶۵ در محکوم نمودن سیاست‌های استعماری و ضد انسانی دولت مارگارت تاچر با شعارهای کوبنده‌ای جلو سارت انگلیس گزد آمدند و با فریادهای " تا خون در رگ ماست مبارزه راه ماست " " دولت استعماری تاچسر آمریکایی با قیام ایرلندی نابود باید گردد " به دفاع از مبارزان ایرلندی و اعلام همبستگی با زنان مبارز ایرلند برخاستند.

در پشتیبانی از مردم تحت ستم مصر :

به دنبال اعلام خبر سادی آفرین مرگ سادات خائن، زنان ما همراه با مردان، شادمان به خیابان‌ها ریختند و شادی روزهای پیروزی انقلاب و فرار شاه را بار دیگر تداعی کردند.

در پشتیبانی از مردم فلسطین :

زنان، " روز قدس " را گرامی داشتند و با شرکت در تظاهرات خیابانی همبستگی خود را با



در خدمت خلق منی طلبد با شما
زیبائی جنبش است ایما شما
این باغ چه عاشقانه جایا و است
از خون شما و از عسکر زرا شما

مردان و زنان فلسطینی در مقابل دشمنی واحد اعلام داشتند.

زنان در به شکست کشاندن طرح آمریکایی عهد نیز از پای ننشستند و با مش‌های گره‌کرده خود این معنی را به گوش جهانیان خواندند که : " فرزندان فلسطینی فرزندان ما، زنان فلسطینی خواهران ما و دشمن آنها دشمن ماست "

علاوه بر شرکت مستقیم توده زنان در اعلام وحدت بین‌المللی زحمتکشان و انقلابیون ایران و جهان حضور خانم گوهرالشریعه دست‌عیب به نمایندگی از طرف زنان ایرانی در کنفرانس بین‌المجالس نیز فرصتی بود برای اعلام مجدد عقیده در صفحه ۲۶

راهپیمایی‌های چند ساعته به جان می‌خریدند و با فریادی که از دل برمی‌آمد می‌سرودند که " مرگ بر آمریکا " " مرگ بر صدام " " مرگ بر سازشکار "

زنان همراه مردان در این یک‌سال بارها به پای صندوق‌های رای رفتند. نیمی از جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات را زنان تشکیل می‌دادند. سخن‌ها در صف‌های طویل انتخاباتی واحد بود : " ما رای می‌دهیم و انتخاب می‌کنیم آن جنایتکاران دیوانه‌وار ترور کنند، ببینیم بالاخره چه کسی از پای درآمده از میدان بدر خواهد شد " و دیدیم که باز بر د با انقلاب بود. " رای می‌دهیم تا بچه‌هایمان بهتر از ما زندگی کنند " و آنها اینچنین راه آینده انقلاب را هموار کردند.

اما تلاش بی‌وقفه زنان برای خنثی کردن شایعاتی که ضدانقلاب برای ایجاد نارضایتی و یا بهره‌برداری از نارسایی‌های موجود سرزبان‌ها می‌انداخت. در این یک سال نیز چشمگیر بود ضدانقلاب به زنان پیروشی خود ما موریت می‌دادند هر کجا که توده زنان حضور دارند در تخطئه دساوردهای انقلاب در تضعیف رهبر و جمهوری نوپا، در تشدید نارضایتی، در عمده‌کردن نارسایی‌ها بخصوص گران، کمپایی، بیگاری که بیش از هر چیز محصول عملکرد امپریالیسم هستند، بکوشند. اما زنان انقلابی ما که عمدتاً از میان اقشار و طبقات زحمتکش هستند بلاد رنگ وارد عرصه کارزار شده و منت توظیف‌گر را باز کردند. زنی میانسال در صبحگاهی سردو بی‌زده در صف‌تشر جهان برافروخته بر دهان یاوه‌گوی زن دیگری که جمهوری اسلامی را متهم به صعانی همطرز و حتی بدتر از زمان دیکتاتوری شاه می‌کرد کوبید که جرات ادامه گل‌اش نداد. وجه سرور انگیز بود همصدایی عده کثیری از زنان با وی.

نقش زنان امروزی ما در چارچوب وظایف خانه‌داری و بچه‌داریشان نیز تحول یافته است و بازتاب شگرف چنین تحولی را در جهت‌گیری فکری فرزندان‌شان در راستای انقلاب می‌بینیم. و چنین است که بر ستارگان پرتلاو کارنامه آنان در مصاف با ضدانقلاب افزوده می‌گردد.

زنان در دفاع از انقلابات جهانی :

زنان مانه تنها در عرصه همبستگی ملی که در حفظ و گسترش همبستگی جهانی انقلاب مان از اجرای وظایف خویش باز نماندند. در یک سالی که گذشت آنان نه تنها در خاک گلگون میهن، که

از صفحه ۱۵

این همگی . خانم دستغیب از نیروی این کنفرانس جهت شناساندن نقش زن ایرانی در انقلاب ایران به جهانیان استفاده نمود .

نگاهی به حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران

بر کارنامه زنان در یکساله احزاب انقلاب نظر اکتندم . این کارنامه بین درختان بود . نخصب زن ایرانی در آوردگاه رزم عظیم خلق در یک سال برنظام گذشته انعکاس حقیقی پیدا کرد و هویت اجتماعی زن زخمکش ما در برتو فضای انقلابی صحن تولدی دوباره یافت . زایش کیفیتیی نویسن از زن در ایران ره آورد عظیم انقلاب ماست برای زن . امروز همانگونه که بیروزی انقلاب بر گروه شرکت هرچه گسردم زن با بهای مردان در صحنه است . نامش برابری و آزادی حقیقی زن سز در گروه عمیق انقلاب و کسب قطعی امپریالسم جهانی سرگردگی امریکاست . ما بر این عمده ایم که انقلاب ، حتی از حقوق زن را در حیات سیاسی جامعه نامش کرده است . اما این نامی مساله سبب هموز جمهوری اسلامی ایران گام های بزرگ و قطعی برای نامش حقوق زنان در سایر عرصه های فعالیت اجتماعی برنماید و حتی در باره های موارد از حلقه صوتی لایحه قضایی . حقومی از زن را نیز گذاشه است . گاهی به مصوبات یکساله مجلس شورای اسلامی عز ما را در این اعتقاد خود را سبب می کند که جمهوری اسلامی نوحه لازم را به نامش حقوق اجتماعی و خانوادگی زن در جامعه ما یکسزده است . جنین واقعیتی در سحان حجت الاسلام حامدهای رئیس جمهور نیز انعکاس دارد .

"اعتراف کنیم که متاسفانه مجلس اقداماتی (در پاسخگویی به حقوق زنان) انجام نداده است

و با خانم بهروزی نمائنده مجلس گفته است

در اینکه در جامعه کنونی ما هنوز زنان به حقوق حقه اسلامی خود کاملاً دست نرفته اند ، بحثی نیست . .

جنبه متحد ضدانقلاب که بسیار کوشنده است تا در میان زنان ما توطئه ناراضی تراشی خود را پهنی برد . تنها در آجگاهی به احاطه موفقیت آمیز توطئه های اهریمنی آن ناست آمده که بعضی از نهادها و افراد فتری و نامکوک در جمهوری اسلامی زبمه این موفقیت را سبب آماده کرده اند . به عنوان مثال ، اقدامات ناراضی تراشی دایر بر زبزه با منکرات " به مناید نموده بر حسه روزگویی و ناراضی سازی ، در یک سال گذشته زبمه ساز توطئه گیری های امریکا و ادنایش در تبلیغ مزورانه آنان برای تصویر چهره صد زن " از جمهوری اسلامی بوده است .

اما واقعیت این است که در سزگرفتن سوه مبارزه با فرهنگ میندل امریکایی و غربی که مساعانه سالان دراز در بین زنان ما - همچنان که در بین مردان ما - حاکم بوده است . آن سوه های مست که در بسیاری از موارد متاسفانه از سوی نهادها و با افراد منتسب به جمهوری شاهد بوده ایم .

ما امیدواریم و خدا بوضه می کنیم که مسئولین واقع بین جمهوری در همان حال که مبارزه اصولی با امریکایی زدایی " در قوه یک به ارت رسیده از

دوره طاعت را پیش می برند . در همان حال نیز راه را بر هرگونه تشوهای تنگ نگرانه ، زورمدارانه و فتری گزانه بریندند تا بدین وسیله از یک طرف راه سو استفاده برضد انقلاب بسته ماند و از طرف دیگر زمینه برای تربیت حصال انقلابی در زنان ما مهیا تر شود . از این روست که می گوئیم جمهوری اسلامی هموز کسار زیادی باید انجام دهد تا احترام حقیقی زن ایرانی به او بازگردانده شود . مجلس شورای اسلامی مسئولیت زیادی دارد که با کسه بر سمنگبری عدالت حویانه قانون اساسی درباره حقوق زن مبنی بر :

"تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد " (ماده ۱۴)
"حق اشتغال و شرایط مساوی برای افراد شاغل " (اصل ۱۸)
" احبای حقوق مادی و معنوی زن "

لواجی لازم را در این زمینه از تصویب بگذراند زنان شاغل و غیر شاغل خواهان آنند که جمهوری اسلامی تمهیداتی در جهت امکان فعالیت آنان در تشکل های صغی - طبقاتی و نیز تشکل های محلی و تعاونی ها فراهم آورد چه امروز شرکت در همین تشکل ها است که می تواند راه را برای نامش برابری مزد ، حق اشتغال و ... باز کند . بظن و کسروش سوادآموزی در میان نوده زنان از طریق نهضت های سوادآموزی نیز از مطالبات مبرم زنان ماست . بالا بودن درصد بسوادان در میان زنان از توان درک دفع مسائل توسط آنان می کاهد و حسن عفت ماندگی می تواند سز سیاسی برای ما جوره های تبلیغاتی ضدانقلاب شود عوبت نهضت سوادآموزی از طریق بکارگرفتن کلسه افراد مستانی برای خدمت به انقلاب بدون در نظرگرفتن اختلافات طبقاتی و مرایی آنان ضروری است .

وظیفه رنسان آگاه

نلاس حسنگی ناید بر زانمان را ارج می بسم و به سخی چند با آنان می نسیم ! همانگونه که خود در طی به سال کسار سرگ خوش آرزوده اید ، امروز وظیفه های جز دفاع از سواددهای انقلاب ، کسروش و تعمیق آن در میان نوده های طبقاتی زنان ، دوش ما نیست . امروز نامش برابری کامل حقوق زنان و آزادی حقیقی آنان از قد ستم طبقاتی و نیز ستمی که جامعه به حکم زن بودن بر او روا می دارد جز از راه نایدی کامل سلطه امپریالسم جهانی سرگردگی امریکا بر مهن انقلابیان معدوم نیست . آنچه امروز وظیفه ما بر مال نوده زنان است بکارگیری من وزه ما - ما - می آن حول شعار اصلی " مرگ بر امریکاست " آنچه امروز انقلابی است بکارگیری راه منسکل کردن آنان و فعال نمودنشان در تمامی تشکل های صغی - طبقاتی و کل های محلی است . و امروز وظیفه زنان آگاه ماست که زنان را پس از بس برای حفظ آنان در صف انقلاب سزگ کند . جهت رسیدن به چنین هدوی باید در جای حضور داشت که نوده زنان هستند و امروز گستره ایران عزیز شاهد حضور زنان در تشکل های گوناگون فعالیت های جمعی است جهت بسپرد انقلاب . برماست که با آنها نامش ، دوتادوس و پیشاپیش این دلاوران استوار و مصمم گام برداریم . امروز زن ایرانی فریادهایی را سزمی دهند تا به فردای نویی رسد که به نوده ها تعلق دارد . این فریادها را که علیه امریکاست ، علیه همه غارگران ، ستمکاران و زورگویان است راست سزگیم تا سعادت و بهروزی را به پستوار روم .

جوانان در نبرد ...

از صفحه ۱۲

یک تشکل سراسری جوانان از بزرگترین نقاط صغف حینی همانان در دوران سر ، از انقلاب است . رف این نفضه مهم ، امروز باید مورد توجه به نهای جوانان و سازمان های متعدد و انقلابی . بلکه باید مورد عنایت دولت انقلابی نیز باشد . باید جوانان ایرانی امکان یابند تا هرچه سریع تر به تشکل صغفی خویش در سدیکاه ، شوراها و اتحادیه های انقلابی نائل آند و شور انقلابی و آگاهی سیاسی خود را در این تشکلات محسم مادی بخشد .

اگر آگاهی و دانش جوانان را در شرایط کنونی و با توجه به گذشت به سال از انقلاب در نظر آوریم خواهیم دید که وضع تشکل ها با این آگاهی اساساً مطابقت ندارد . از این روست که باید نوحه داده عوامل ذهنی خاصی مانع حدی ایجاد جنس سازمان های نوده است . اشکالات و نقائصی که در همه زبمه ها آثار خوش را برحای گذارده در این میدان هم به صورت مشخص در برابر روند سزرفتن امور درآمده است .

به عنوان مثال وقتی دانش آموزان سنگام ایران و سازمان جوانان نوده در سام اول مهر ماه ۶۰ از نامی سازمان های دانش آموزی مومن به اعلان دعوت کردند که " متحداً کوشش در جهت ایجاد اتحادیه سراسری دانش آموزان را آغاز کنند " وقتی سمد که " اتحادیه دانش آموزی این جنبش را بر اکتدگی سازمانی که نقطه ضعف بزرگ آن است خواهد رهانید " و هنگامی که " تشکل اتحادیه سراسری را ضامن شرکت فعال تر ، یکپارچه تر و منسجم توده های دانش آموز در حیات اجتماعی و سیاسی ایران " سمرند ، ارگان اتحادیه های انحصاری اسلامی در مقام پاسخ نوشت :

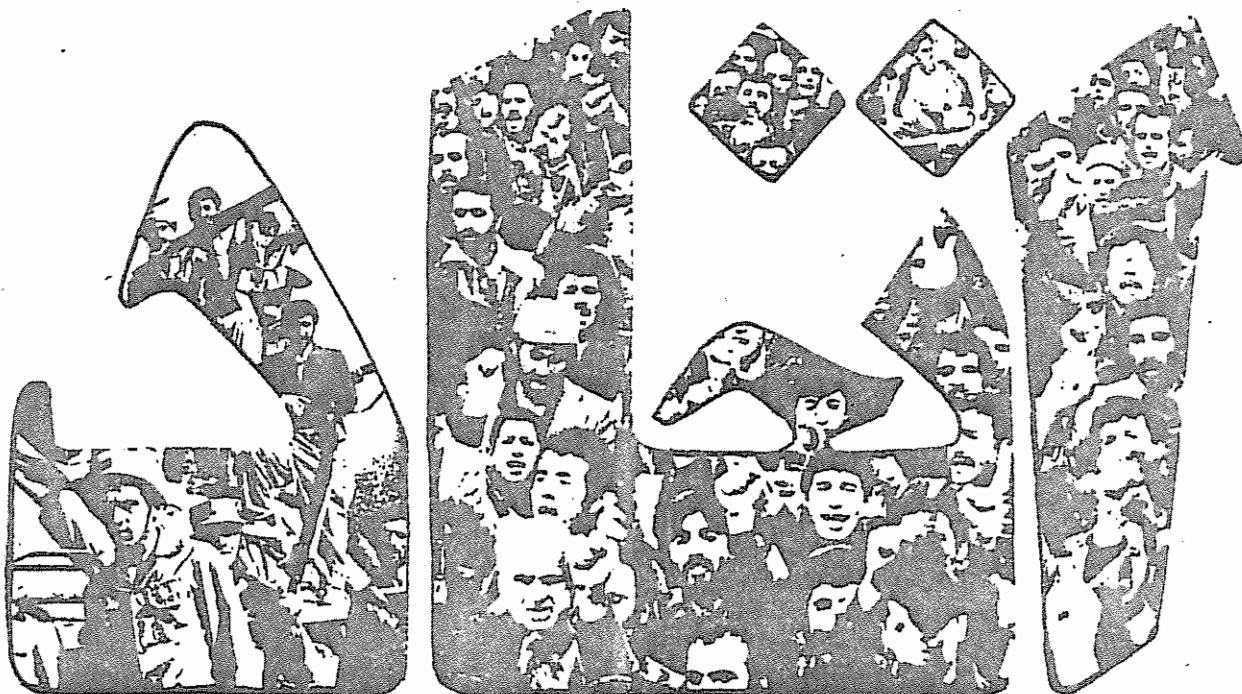
اتحادیه سراسری دانش آموزان ترفندی برای حاکمیت خطوط انحرافی است و تنها لارم است اتحادیه سراسری انجمن های اسلامی تشکیل شود "

این دیدگاه که از بیان دچار کزی است وقتی به اراند کارنامه خویشی در جلب نوده های جوان می نیند یک نتیجه بسیار بدسبی و قابل شش سنی را ارائه می دهد : نتوانسته است نوده های وسیع جوانان را در تشکلات خوش سازمان دهد . دلیل آن هم بسیار واضح است چرا که مرز میان یک تشکل سیاسی و یک سازمان توده ای را مخدوس کرده و تفاوت ماهیت این دو را غمبیده است . عدم توجه به جلب وسیع ترین عداد جوانان در فعالیت های مختلف صغفی سیاسی ما را بر آن می دارد که بار دیگر هشدار دهم ادامه چنین روندی ممکن است بدانجا مخر شود که عده بسیاری از جوانان را از فعالیت های انقلابی و اجتماعی دور کند و این باور را نفویت کند که هر امری خارج از چارچوب مسائل " من " مربوطه " من " نیست که این اعتقاد نتیجه ای جز انفعال ندارد .

صدانقلاب بسیار خوشحال خواهد بود که بخش قابل توجهی از برابری ترس جوانان ما غرسبایی و به دور از فعالیت های اجتماعی بمانند و تلاش خواهد کرد تا آن مقاسدی را که در آب را کد انفعال بخوبی رشد می کند در میان جوانان با تمام توانش بپراکند .

از میان برداشتن ضعف تشکل و حرکت برای ایجاد سازمان های توده ای برای جوانان ، وظیفه ای فوری و حیاتی است که باید وسیعاً

بقیه از صفحه ۴۳



این یادداشت را یک پاسدار از جیب همسنگر زخمی اش بیرون آورد و به خانواده او تحویل داده است:

"من به عنوان یک کمونیست میهن پرست، تحت رهنمود سازمان به دفاع از انقلاب و میهن و مردم انقلابی میهنم که از هر طرف آماج تیرهای زهرآگین امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا واقع شده اند، برخاستم. قسم می خورم که تا آخرین لحظه عمرم بدون کوچکترین تردید و تزلزلی و از شهادت در راه انقلاب و مردم و میهنم هراس به خود راه ندهم."

فدائیان خلق از جبهه ها سرود اتحاد سومی دهند

رفیق عادل اسکندری که در جبهه جنگ دستگیر شد و به حکم حاکم شرع اهواز تیربارانش کردند، در وصیت نامه اش نوشت:

"من می خواستم در جنگ شرکت کنم که دستگیرم کردند و حصال می خواهند اعدام کنند... من به خاطر دفاع از میهن که همان دفاع از جمهوری است اعدام می شوم... زندگی زیباست ولی من حاضرم آنرا به خاطر مردم و در شرایط فعلی به خاطر دفاع از میهن از دست بدهم."

فدائیان خلقی که در جنوب به ناحق زندانی شده بودند، طی نامه هایی به دادستان انقلاب نوشتند:

"ما معتقدیم جای ما در صفوف مقدم جبهه ها و در کنار سایر نیروهای مومن به انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی است. لذا اولین خواست ما اعزام به جبهه های جنگ برای دفاع از میهن انقلابی است."

یادداشت های فدائیان از جبهه های جنگ نمونه های درخشانی از ایثارگری ها و جانبازی های هواداران سازمان در دفاع از جمهوری اسلامی ایران را بخوبی نشان می دهد. یالاشگاه آبادان به وسیله صدامیان تجاوزگر بیمارانه شده است. کارگران با تمام قوا سعی در نجات قیرخانه از میان نخله های آتش دارند. رفقای کارگر همراه کارگران از جان گذشته دیگر برای مهار آتش به قیرخانه شتافته اند:

"هزاران بشکه در حال سوختن است، آسمان و زمین قیرخانه آتش گرفته است. رفیق غلام و رفیق فریدون پیشاپیش همه در حال تلاشند. کارگران در حالیکه شیلنگ را بر دوش می کشند به سوی آتش پیشروی می کنند. آتش دیوانه وار شعله می کشد ما هم بی مهابا برا او می تازیم. چیرری نمی گذرد که صدای مخوف صوت و بعد از چند ثانیه صدای انفجار زمین را زیر پایمان می لرزاند. آتش خفه شده دوباره شعله می کشد،

سومین سالگشت انقلاب را همراه مردم قهرمان میهنان حفس می گیریم و بزرگ می داریم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آستانه چهارمین سال انقلاب با هدیه ای بسیار عزیز و گرانبها در حفس بزرگ خلق شرکت می کند. هدیه سازمان به رهبر انقلاب، امام خمینی و مردم بیخاسته و ایثارگر، دشت هایی پر از لاله است، دشت هایی که لاله هایش با حویبارهایی از خون عزیزترین فرزندان سازمان سیراب گشته است. با خون رفیق رحیم مقیطی که بر اثر خمسه خمسه های رژیم جنایتکار عراق به شهادت رسید. با خون رفقای کارگر فریدون مرتضی زاده و غلامحسین بخرد که در پالایشگاه آبادان در حین نجات قیرخانه از شعله های آتش جانشان را فدای میهن انقلابی کردند. با خون رفیق شهید یار باقرزاده که در خرمشهر دوش به دوش پاسداران انقلاب در صف اول جبهه نبرد به شهادت رسید. شهیدی که به خاطر دفاع از انقلاب و میهن انقلابی خود در وصیت نامه اش نوشت:

حانم فدای ایران، فدای سرزمین آبه و اجدادیم باد.

فدائیان خلق (اکثریت) که اینچنین سرافراز در شادی و جشن توده های زحمتکش شرکت می کنند، وفاداری خود نسبت به خلق و ایثارگری و جانباری خود را در دفاع از جمهوری اسلامی و میهن انقلابی به بهترین وجه به ثبوت رسانده اند. در زیسر گوشه های از وصیت نامه های شهدای سازمان و یادداشت هایی که رفقای هوادار از جبهه های جنگ فرستاده اند، می آوریم. رفیق شهید شهید یار باقرزاده که در مهرماه ۵۹ در خرمشهر به شهادت رسید در وصیت نامه خود به همسرش (که فقط یکماه بود با هم ازدواج کرده بودند) نوشت:

"منصوره جان من ساخته نشده ام که با خفت و خواری از دنیا بروم، من به جنگ می روم... اگر زنده ماندم که عمری را با سربلندی در کنار هم تادم مرگ با هم خواهیم بود و اگر حانم فدای ایران و سرزمین آبه و اجدادیم شد که چه گوارا تر. (از یادداشت های فدائیان در جبهه های جنگ)

گفته‌های زیر هم که با اشک و حسرت بیان شده است ، حرف‌های یک بسیجی مبارز است که موقع رفتن به جبهه برای خداحافظی به خانه دوست فدائی‌اش رفته است . دوستی که خود او هم عضو بسیج برده و به حرم فدایی بودن اخراجش کرده‌اند . بسیجی مبارز دوسر را در آغوش می‌گیرد و با بعضی که در گلو دارد می‌گوید :

" دارم می‌روم جبهه ، آمدم خداحافظی ... کاش باهم بودیم ، کاش تو هم می‌توانستی بیایی "

(از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ)

علیرغم تمام موانع و مشکلات ، فدائیان در جبهه‌های جنگ با می ماندند (و می‌مانند) و هنگام با زمینگس‌ترین بوده‌های مردم در جنگ با ارتش تجاوزگر صدام حماسه آفریدند . همراه آنها در سروری‌ها به شادی می‌خندیدند ، حش گرفتند و در عم‌هایشان سوگوار شدند . یادداشت بر از ما یادداشت‌های فدائیان از جبهه‌های جنگ انتخاب شده است :

" صبح رود بود که سوار مونور ارخانه بیرون آمدم ... صدای انفجار خمپاره‌ها و رگبار مسلسل‌های مزدوران عراقی طبق معمول به گوش می‌رسید توی راه به یکی از رفقا برخوردیم با آندوه گفت " خبرا شنیدی ؟ "

" کدام خبر ؟ "

" رجایی و دکتر پاهنر هم ... "

خشکم رزد . غم دنیا به سرم ریخت بی اختیار به طرف مسجد دویدم به یکی از بچه‌های کمیته محلی گفتم " خبرا شنیدی . صحت دارد ؟ " سرش را آرام تکان داد در وجودم فریادی سهمگین سربزآورده بود : مرگ بر امپریالیسم مرگ بر امریکا "

یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ که ما بخدای از آنها را در نشریه کنار به چاپ رسانده‌ایم سندهای ارزشمندی هستند که پیگیری ، جانپازی ، ایثارگری و حماسه‌های فدائیان خلق اکثریت را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های جنگ نشان می‌دهد ما در اینجا نازی نمی‌بینیم که دوباره یکک اس نلازها و کوشی‌های مداوم را نشان بدهیم . حرف‌های مادر رمی‌سید حمیدرضا پریدار در سوگ فرزندش که ناخواسته به حوچه اعسدام سرده شد ، گوشه‌ای از این وفاداری کموسی هواداران را سب به جمهوری نشان می‌دهد .

" حمید به من می‌گفت ، مادر اگر مرا می‌خواهی به‌خاسته‌ای رای‌بده ، حمید من همیشه از انقلاب و اسام دفاع می‌کرد ... "

اکنون هم هواداران سازمان مصمم‌تر از پیش دست در دست رفقای توده‌ای و همراه پاسداران انقلاب نیروهای بسیج مردمی رزمندگان دلاور عشایر ، سربازان و پرسنل انقلابی ارتش فعالانه در جنگ علیه مزدوران صدام در صفوف مقدم جبهه‌ها حضور دارند . و هنگام با همه رزمندگان برای بیرون ریختن تجاوزگران بیگار می‌کنند . در آخرین یادداشت‌هایی که از هواداران سازمان از جبهه‌های جنگ به دستمان رسیده است ، تاکیده‌های مکرری بر اتحاد و همستگی در برابر دشمن جبهه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امریکای جنایتکار دیده می‌شود . آن چنانکه یادداشت‌ها لبریز از پیام و سرودی از اتحاد خلق در برابر امریکای جنایتکار است .

این نوشته را با یکی از آخرین یادداشت‌های فدائیان خلق از جبهه‌های جنگ که به تازگی به دستمان رسیده است به پایان می‌رسانیم این یادداشت را یک پاسدار از جیب همسنگر زخمی‌اش بیرون آورده است ، این یادداشت وصیتنامه‌ای است که او به مادرش نوشته است

" مادر عزیز ورنج کشیده‌ام !

از شما می‌خواهم که به رسم معمول به یاد من حجله‌ای بر سر کوچه‌مان برپا دارید . عکس اسام خمینی رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بر بالای آن نصب کنید و در زیر عکس من بنویسید :

او یک فدایی خلق (اکثریت) بود که در راه دفاع از آرمان‌های والای طبقه کارگر و انقلاب شکوهمند مردم میهنش شهید شد . مرگ بر امریکا زنده‌باد اسام خمینی "

بلند می‌شویم و دوباره به سوی انبارها می‌دویم در انبار با منظره وحشتناکی روبه‌رو می‌شویم سگم رفیق غلام دریده است . صورت رفیق حمشید متلاشی شده است ... سبیلک‌ها را دو دستی میگیریم و با کینه‌ای دو چندان به پیش می‌رویم

(از یادداشت‌های فدائیان در جبهه‌های جنگ)

در جبهه‌ها - بر رفیقی دیگر (رفیق علی حاتم‌زاده) در صبحگاهی خوسن که همراه پاسداران در یک جیب نظامی در خطاول جبهه برای کمک به دیگر رزمندگان در حرکت است ، ماشینشان زیر آتش دشمن قرار می‌گیرد رفیق در همان دم که زیر آتش توپ دشمن هست خود را از جیب بیرون می‌اندازد ضمن تارنچک را می‌کشد و آن را به سمت تانک دشمن برتاب می‌کند ... وقتی پاسداران جسد او را با خود به شهر می‌برند در طول راه به هر کسی می‌رسند ، می‌گویند " نگونید علی ، بگوئید علی قهرمان " (از یادداشت‌های فدائیان در جبهه‌های جنگ)

در جبهه غرب در اولین روزهای جنگ رفقای امدادگر با کوله‌بارهایی بر از دارو برای کمک به جنگ زدگان و آسیب‌دیدگان روانه کوه‌ها می‌شوند :

" شهر زیر آتش توپخانه عراق است که از آن خارج می‌شویم . با کوله‌بارهایی بر از دارو روانه کوه‌ها می‌شویم ، آوارگان جنگی مجروحین جنگ و هم‌میهنان جنگ‌زده ما در پناه صخره‌ها و دره‌ها چشم به راه ما هستند ... رفقای ما اکثرا در جبهه هستند پیروزی می‌گویند " خدا نگهدارتان "

(یادداشت‌های فدائیان خلق از جبهه گیلانغرب)

در سنگری دیگره رفیق ادای وظیفه انقلابی رفیق جراح را این چنین توصیف می‌کند .

" دیشب هیچ نخوابیدیم ، انبوه زخمی‌ها ما را وامیداشت که یکسره کار کنیم اتاق عمل یک لحظه خالی نبود همه قلب‌ها به خاطر خرمشهر می‌تپید . دیشب رفیق جراح برای بعضی از پرسنل بیمارستان صحبت کرد : الان مهمتر از همه چیز مردم خرمشهر هستند که قهرمانانه دارند دفاع می‌کنند ما باید آخرین کسانی باشیم که در سنگر می‌مانیم و شهید می‌شویم "

از گیلانغرب رفقای سازمان نوشتند :

" ... تمامی هواداران به سپاه و بسیج مراجعه کرده و عمدتا در جبهه مقاومت شرکت کرده‌اند . شهر یکپارچه مقاومت است رفقای هوادار برای مردم سخنرانی می‌کنند و از مقاومت قهرمانانه مردم استالینگراد ، از عزم پولادین خلق ویتنام و از اتحاد ، اتحاد و بازهم اتحاد سخن می‌گویند "

درست در لحظه‌های محاصره آبادان قهرمان از سوی رفقای آبادانی بیکی به‌سازمان می‌رسد مینی بر اینکه :

" همگی در آبادان در شهر کارگران و رزمنه‌ها می‌مانیم و تا آخرین قطره خون از شهر دفاع می‌کنیم "

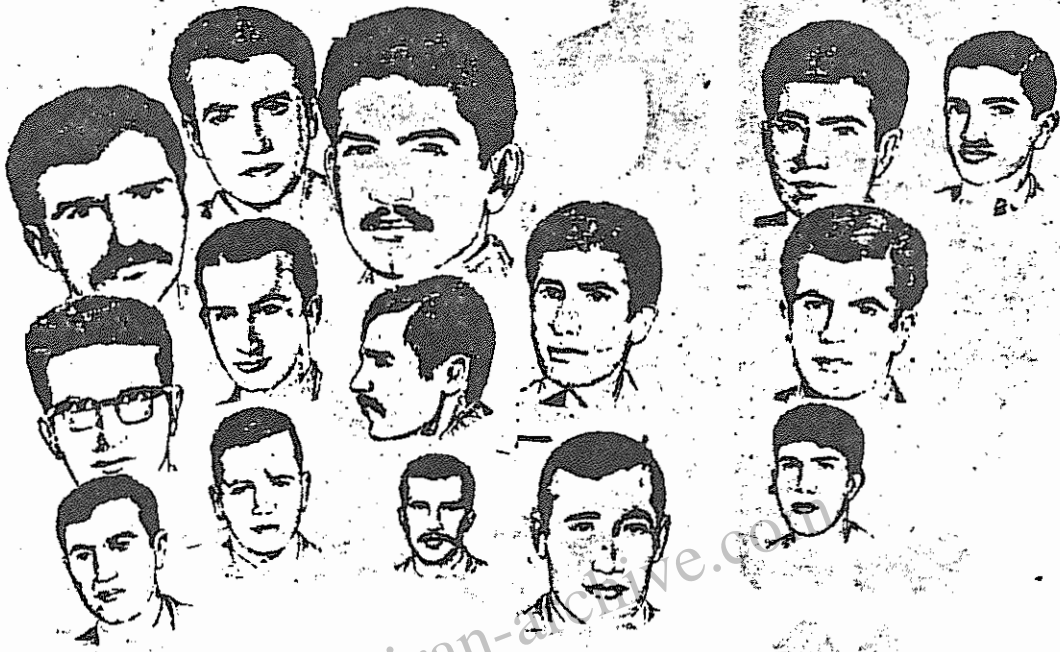
سازمان تاکنون بیش از ۸۰ شهید در جبهه‌های جنگ داشته است و اینها شهدایی هستند که ما توانسته‌ایم نام و مشخصات آنان را بدست آوریم بجز اسامی شهدایی که از طریق سازمان اعلام شده است رفقای دیگری نیز در جبهه‌ها به شهادت رسیده‌اند که ما متأسفانه به دلیل عدم ارتباط با خانواده‌هایشان و به دلایل دیگر نتوانسته‌ایم نام آنها را در لوح شهدا بیاوریم . شهدایی که آگاهانه و عاشقانه با رهنمود سازمان از طریق بسیج ، ارتش و غیره روانه جبهه‌ها شده بودند .

و امروز هواداران سازمان با مسلمانان انقلابی با پاسداران راستین انقلاب با بسیجی‌های مبارز با پرسنل انقلابی ارتش همچنان در یک سنگرند و در غم و شادی هم شریک . حرف‌های زیر را یک پاسدار انقلاب در مورد همسنگر فدائیش که به شدت زخمی شده است و او خود همسنگرش را به بیمارستان می‌رساند ، گفته است :

" برادر فدائیمان به سلامت باشد ، یادش گرمی باشد ما در سنگر جای او را خالی کرده‌ایم تا به سلامت به جبهه بازگردد "

(از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ)

بیاد



حماسه ما ، پویندگی ماست

این حجره از حماسه‌های گوید
از هر گت او ترا نه‌های روید
خون دل عاشقان خستگل امروز
با ما به دل سپیده ره می‌جوید

۱۹ بهمن ، یازدهمین سالگشت اعلام موجودیت سازمان است . پس از گذشت ۱۱ سال پرفراز و نشیب ، اکنون در جایی ایستاده‌ایم که شایسته ماست ؛ ما طی ۱۱ سال گردنه‌های سخت و کم‌رشدی را با استقامت و شجاعت پیمودیم و اکنون در بالای قله ، شادمانه و سرافراز ایستاده‌ایم .
طی این ۱۱ سال ، فدائیان خلق "اکثریت" که به حق سنت‌های راستین "جنبش فدائیان" را پاسداری می‌کنند ، آنرا جلاداده و شکوفان ساخته‌اند ، درخشان‌ترین شایستگی‌ها را از خود بروز داده‌اند .
امروز خدمات عظیم ما به جنبش کارگری و به انقلاب ضداستبدادی ، ضدامپریالیستی و مردمی میهنان ، پشتوانه بزرگ عزم استوار و خلل‌ناپذیرمان برای مبارزه در راه کسب صلح ، استقلال ، دموکراسی و سوسیالیسم است .
ما اکنون گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران ، گردان رزمنده ، وفادار و پیگیر انقلاب و جز؛ هدایی ناپذیر اردوی جهانی کار و زحمتیم .
امروز پرچم پیروزی آفرین وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دست ماست . ما سرافرازیم که پیشاهنگ اتحاد بزرگ خلق علیه شیطان بزرگ - آمریکا - به منظور پیروزی نهایی آماج‌های انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی هستیم .
در آغاز دوازدهمین سال اعلام موجودیت سازمان ، اینهمه سرافرازی و افتخار ، سرما ، فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، مبارک بیاد .

آن یافتیم که دیدمان ،
افق‌هایی دورتر را بگرد .
نظام‌ها را که اینک در
دریای طوفان زده رو آمده
بود ، باز شناختیم و از این
نظام‌ها درس‌های بی‌شماری
گرفتیم . آتش خشم‌مان را
تیزتر کردیم تا که بر جان
تسکار دشمن اهریمن‌خو
کاراثر افتد ، آنگاه که
شکستنی را باز یافتیم و شور
مراوانان را با آگاهی و

تک نارینه‌هایمان را همچنان
سوی صخره‌ها نشانه زحمتیم .
بی در بی در خود فرو
رفتیم و بیایی بیای خاستیم
از ادامه راه نبراسدیم و از
نفس ناستادیم . و سرانجام
در بهت از عظمت تلاطم
دریا و شادمانه از غرض آن
به دریای طوفانی توسستم .
و نخستین درس‌های بزرگمان
را از طوفان دریا فراآموختیم .
زان پس بود که لحظه به
لحظه بیاتر شدیم و قدرت

راه که افتادیم مواج‌تر
شدیم . بر موج شکن سپهکن
کوفتیم و چه بسیار یارانمان
را در این راه چون برگ
خزان بی‌محایا و ارزان ، از
دست دادیم . قلب سرح
بسیار کسان از ما ، در تشنج
از شکنجه‌ها از کار افتاد و
سینه بسیارمان را سرب
آتشین سوراخ کرد . افتادیم
برخاستیم باز افتادیم و
باز دیگر بار برخاستیم .
زنده و سرشار راه سردیم و

خلق و امیدی سترگ به
سعادت و رهایی میلیون‌ها
پارهنه‌ه غارت رفته را حمل
می‌کرد .
ما ، آمیزهای بودیم از
باور صادقانه به خلق و سرشار
از شجاعت و شهامت
دگرگون ساختن هر آن خطایی
که در خود سراغ می‌یافتیم
در قطره قطره ما ، دریایی از
صداقت نهفته بود و در ذره
ذره بیکر واحدیمان ، شطی از
ایشارو فداکاری روان .

آنگاه که جنبش ما ، ما
فدائیان خلق آغاز گشت .
برپهنه بیکران دریایی
آرام خلق موجی بی‌تاب به
حرکت درآمد . موجی که
خشمناک گفهای آن نشان
از خشم عظیم خلق به
امپریالیسم جهان‌خوار داشت .
موجی که از نفرت سرشارمان
به آمریکای جانینگار و از کینه
عمیقمان به رژیم ضد مردمی
شاه نیرو می‌گرفت . موجی که
با خود عشقی پایان‌ناپذیر به

بینایی صیقل دادیم . آری ! ما جنس کوشیدیم با نوانسب امروز ، صادق تر با سهامت تر و نیرومندتر از هر زمان دیگر رو به خورشید رهسپار شویم و به سوی خورشید سیر از همان سوروم که می باید می رفتیم . همه حماسه ما در این رفتن و پویندگی است . امروز ما آن گوهر صداقت از خودگذشتگی و ایثاری را که به ارت برده بودیم جلای نوینی داده ایم و هم از این رو است که صداقت و فداکاری فدایی خلق را ، ما و فقط ما هستیم که پاس داشته ایم و نه آن دیگران که در نیمه راه واماندند و یادگارهای گرانقدر پیشینیان را در لجن زارهای خودخواهی ها سنگ نظری ها و خودمحور بینی هایشان از جلا انداختند .

در نوزدهم بهمن یک هزار و سیصد و هجده نامی جدید در دفتر جنبش خلق ثبت می گردد : فدایی خلق

رفقا ساعسی ، اسحاقی با خون سرخشان سیبیدی دانه های برف جنگل را رنگین می کنند و سیف دلیل صفایی و فاضل در زیر تازیانه جلادان ساواک ، با خونی که از تن های خسته و رنجورشان جاری است ، دیگر بار پای میثاق نامه امضاء می نهند . صفایی قزاقانی صلابت روزبه را به یاک دزخیان می اندازد و سلاحی دشنه ماهی کوچولو را به هنگام دستگیری بر تن زشت شگرد فرو می نشاند . پانزده گرد دلیر آنگاه که خود نخستین روزهای بهار جوانی شان را تجربه می کنند با مرکز غرور آفرین بهار سال دهه پنجاه را در میدان چیتگر به استقبال می روند .

پویان در خانه خود که آن را سنگ خلق می شناخت بر باور خود می ایستد و با فریاد مرگ بر شاه آمریکایی جانش را فدا می کند . بهروز که تا استخوان هایش نیز سوخته است با لبان به سکوت بسته مرگ فوج را به استقبال می رود تا بر عهدی که با خلق بسته است وفا کند . کتیروایی که با رفقاییش تازه به جنبش فدائیان

خلق پیوسته است ، بر روی احاق برق نشانه می شود تا برگ دیگری از کتاب نفرت پایان نا پذیر خلق با دشمنان آن رقم خورد . مسعود ، عباس ، آرش عرب هریسی ، قبادی سپهری و ... و صد هاست دیگر از رفقایمان هر یک به گونه ای شگفت انگیزتر از دیگری دشمن را تحقیر می کنند با این آرمان که خلق به زندگانی سرفراز و شایسته دست یابد . اسفندماه ۵۰ تیرباران های دسته جمعی شروع می گردد . دشمن سال ۵۱ را با این خیال باطل که جنبش فدائیان خلق را توانسته در خون خفه سازد آغاز می کند ، اما ، با فرارسیدن سال ۵۲ موج گسترده تری از جنبش فدائیان خلق روبرو می گردد . سال ۵۳ بازم موج تری و سال های بعد ، بسیار بیشتر از سالهای قبل . سازمان ما این چنین آغاز می کند و به راه ادامه می دهد .

زیرم ، صفاری ، رودباری ، خلیق ، مرضیه ، شیرین ، مارتیک ، سنجری ، نمازی ، فرشیدی ، بهمن روحی ، حمید مومنی ، ارمغانی ، نسترن ، حمید اشرف ، زهراقله کی ، نصیر مسلم رفعت معاران و قاسم سیادتی و صدها همزیم دیگرمان با خون خود هر یک برگی از کتاب زندگی سازمان را می نویسند . هر یک از آنان در روزی به خون می غلتند و هر یک در جایی ، در خیابان ها و سنگرها ، در شکجه گاه های اوین و کمیته ، در بالای تپه های اوین و در میادین تیر ، هر کدام نمونه ای از مقاومت خلق در برابر شاه دیکتاتور و هر یک فریادی در برابر آمریکا و جنگلی آرمانشان سعادت و بهروزی محرومان و زحمتکش جهان . زندان را بدل به دانشگاه خلق کردیم تا در آن ، آموزه ها را با آزمائیم از خطاهایمان درس بگیریم و طرحی نو در اندازیم . هر روز که گذشت بیشتر آموختیم که باید ایمان خود را بر بنیاد آگاهی و باور اصیل به توده های میلیونی مردم استوار و استوارتر سازیم . مراحل از تاریخ سازمان در زندان ها طی شد مراحلی که برای طی آن بهای گزافی پرداختیم . رفیق جزئی می و همزمانش را که نخستین بنیانگران سازمان بودند ، ناجوانمردانه از ما گرفتند . به تبعیدگاه های مخوف رفتیم

در سلول های انفرادی تن فرسودیم . پاهایمان از سلاق دزخیان چاک چاک شد . اما عشقشان به مردم هر دم بیشتر زبانه کشید و کیهان از دشمنان خلق همچنان فروتر گشت . ما چون فولاد آبدیده می شدیم هیچ ترغیبی دشمن را چاره ساز نیفتاد . او هر آنچه را که می توانست به تدبیر کشید و هر آنچه را که می توانست بکار گرفت ، تا شاید که در آزاده یولادین فدائیان خلق این عاشقان راه بهروزی مردم محروم و زحمتکش خلل وارد کند و ... ولی او همچنان درمانده ماند .

دشمن هرگز نتوانست بفهمد که این همه استواری و قدرت مقاومت از کجا بر می خیزد . دشمن ، این را هرگز دریافت که راز استواری و مقاومت فدائیان خلق در برابر دزخیان شاه آمریکایی ، شه در نفرت در حال گسترش مردم داشت . نفرتی که ، من ۵۷ ، دستگاه حار ضد مردمی شاه را بر سر کوفت . آری ! ما ایستادگی می کردیم زیرا مردم ایستادگی در برابر رژیم آمریکایی شاه را پولادین و استوار می یاریختند . این مردم بودند که متادیان ایستادگی در برابر دزخیان آمریکایی بودند و ما آن را به جان دل می شنیدیم .

این جوهر مردمی مقاومت و پایمردی فدائیان خلق در برابر دشمنان ، همان عنصر بالنده ای است که دیوار جدایی هایمان را از مردم ویران ساخت .

تا رسیدن به حقیقت امروزینمان راه درازی را پیموده ایم و برای پیمودن این راه ، قیمت گزافی نیز پرداخته ایم . اما ، نکته اینجاست که ما همواره رو به سوی مردم و پشت بنه دشمنان مردم داشته ایم و این راز پویندگی ماست و این پویندگی ، راز هستی چون خورشید امروز ماست . سرفراز می رژیم و به فردای روشن پیروزی ، به زندگی شایسته آدمی ، ایمان استوار داریم . این تصادفی نبود که ، نیمه راهانی که از ما جدا شدند و نتوانستند کاروان را که رو به سوی قله داشت

همراهی کنند . به مردم پست گردند . آنها به گذشته دل بستند و از آینده دل کینند . آینده از آن مردم بود . آنها از مردم دل کینند و ناگزیر به دشمنان مردم روی آوردند و این سرنوشت همه کسانی است که از آینده می هراسند و از آن گریزانند . نه ! این همه هرگز تصادفی نبوده و نیست .

ما با از دست دادن بیش از چهار صد تن رفیق شهید که هر یک می توانستند رهبرانی شایسته برای مردم کار و زحمت باشند دوره پیش از پیروزی انقلاب را پشت سر گذاشتیم و در رویارویی با پیچیدگی ها و بغرنجی های انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن در پرتو آرمانخواهی مان که همان آرمان کارگران و زحمتکشان میهن و جهان است با فراز و فرودهایی از دانشگاه انقلاب مردم سرفراز بیرون آمدیم . باورهای خطا را به کنار نهادیم . بر جزم ها غلبه کردیم و به انقلاب و به مردم باوری استوار آوردیم . حماسه بزرگ ما و بزرگترین حماسه ما راهی است که پیموده ایم . ما فرزندان آینده و شجاع خلق بودیم و این ایستادگی و شجاعت را با تجربه شدن بر پیش داوری ها بار دیگر آزمودیم . ما می آموختیم و آموزش می دادیم که بزرگترین شجاعت بدور ریختن اندیشه های باطل است .

در تجهیز خود به وجدان علمی که تنها وجدان بیادار مردم رنج و کار است ما قهرمانانه ترین حماسه ها را آفریدیم و بدین سان آنگونه که شایسته فدایی خلق باید باشد ، خدمتگزار صدیق مردم و یشتیبان بیگسر انقلاب شدیم و این رفیقان ما در سنگر نبرد با تجاوزگران ، در جبهه کار در کارخانجات ، در کنار دهقانان ، جوانان ، زنان و در هر کجا که مردمند با شیطان بزرگ ، آمریکا و ایادی آن در پیکارند . آری ! رفقای ما در حالی شهید می شوند که دست در دست دیگر رزمندگان خلق دارند . یعنی در نبرد عمومی خلق با دشمنان خلق . آرزویی که رفقای پیشین ، همواره و در اشتیاق آن بودند و در اشتیاق آن نیز جان باختند : در رزم سترگ خلق قرار گرفتن و در این رزم ، مرگ سترگ را قهرمانانه به استقبال رفتن تا شاهد

پیروزی را در آغوش کشیدن . در همه جا به کنار دفاع از انقلاب برخاستیم .

رفقای ما نه از شرارت های قساقلوها و شرکایش در کردستان هراسیدند و نه از های و هوی چپ روهایی که می کوشیدند صداقت و سهامت دیرینه ما فدائیان خلق را در برده ابهام افکنند . ما در کردستان

آنسان که در ترکمن صحرا و هراسان که در بلوچستان و یا در هر جای دیگر از میهنمان ، با صراحت و صداقت صف انقلاب را از ضد انقلاب تشخیص دادیم و شجاعانه موضع کمونیستی و انقلابی اتخاذ کردیم . اکنون در سگرهای انقلاب ایستاده ایم و از خط مردمی و ضد امپریالیستی امام خمینی بیگم و بی تزلزل دفاع می کنیم . از خون رفیقان ما سگرهای نبرد با تجاوزگران لاله گون است . دست های ما در کارخانه و در مزار زحمتگس می آفریند . و با سوداگران فقر و کرسنگی می جنگد . اکنون با سرفرازی ، سرشار از ایمان خلل نا پذیر به انقلاب و مردمیم . هم از این روست که عادل ها و حمیده ها و فرزین هایمان در برابر خوجه های اعدا " دستان نادان " آنگونه موانه فریاد می زنند :

" پیروز باد انقلاب ضدا امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی "

آری ! ما این چنین میراث های بزرگ جنبش فدائیان خلق را پاس داشته ایم

ما اکنون خود را در آن شطی می بینیم که با عمواغلیسی جاری شد ، با اراغلی شات گرفت ، با روزبه ها خروشان شد و امروز به نیروی یگانه صدها هزار رزمنده توده های و فدایی آوازه های دریا را فریاد می زند . ما آن شطی هستیم که به دریا متصلیم . ما را با اقیانوسها پیوند است . و ما گردانی از پیشاهنگ طبقه کارگر ، گردانی از جبهه جهانی انقلابیم . این فرخندگی در دوازدهمین سال تاسیس سازمان سومین سالگرد انقلاب بزرگ مردم ایران بر همه ما مبارک باد . اکنون ما نوری هستیم تابیده از خورشید و رسیده به خورشید .

فدائیان خلق ایثارگران راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

شهادت قبل از انقلاب

سال ۱۳۴۹

- ۱- مهدی اسحاقی
- ۲- رحیم سعادی
- ۳- علی اکبر صفایی نراهانی
- ۴- اسکندر رحیمی مسیحی
- ۵- شجاع الله مشیدی
- ۶- غفور حسن پوراصلیل
- ۷- انصاعیل معینی عراقی
- ۸- هوشنگ نبیری
- ۹- هادی فاضلی
- ۱۰- عباس دانشی بهزادی
- ۱۱- هادی بنده خدا لنگرودی
- ۱۲- ناصر سیف دلایل صفایی
- ۱۳- حمید انفرادی
- ۱۴- محمد علی محدث قندچی
- ۱۵- احمد فرهودی

سال ۱۳۵۰

- ۱۶- حواد سلاجی
- ۱۷- گلایل سلیمان توند
- ۱۸- کاظم سعادت
- ۱۹- امیر پرویز پویان
- ۲۰- رحمت الله پیروندیری
- ۲۱- اسکندر صادقی نژاد
- ۲۲- بهروز هفتانی
- ۲۳- کاظم سلاجی
- ۲۴- احمد خرم آبادی
- ۲۵- جنگیز قبادی
- ۲۶- مهرنوش ابراهیمی
- ۲۷- محمد علی سالی
- ۲۸- حسین سیدنوزادی
- ۲۹- منوچهر بهائی پور
- ۳۰- عبدالحسین براتی
- ۳۱- شاهرخ هدایتی
- ۳۲- سهرس سپهری
- ۳۳- حسن محمودیان
- ۳۴- مرتضی حاج شفیعیها
- ۳۵- مسعود احمدزاده هروی
- ۳۶- مجید احمدزاده هروی
- ۳۷- عباس مفتاحی
- ۳۸- غلامرضا گلوی
- ۳۹- سعید آریان
- ۴۰- حمید توکلی
- ۴۱- بهمین آژنگ

سال ۱۳۵۲

- ۴۲- ایرج سپهری
- ۴۳- حسن نوروزی
- ۴۴- ابراهیم پوررضایی خلیقی
- ۴۵- یوسف زوکاری
- ۴۶- خسرو گلرخی
- ۴۷- کرامت الله دانشیان
- ۴۸- محبتی خرم آبادی

سال ۱۳۵۳

- ۴۹- مریم ناهی
- ۵۰- شیرین فضیلت کلام
- ۵۱- مرضیه احمدی اسکویی
- ۵۲- علیرضا شهاب رضوی
- ۵۳- حبیب برادران خسرو ناهی
- ۵۴- عباسی کابلی
- ۵۵- حسن جان لنگرودی
- ۵۶- محمدرضا چمنی
- ۵۷- فرهاد سپهری
- ۵۸- سعید پایان

سال ۱۳۵۴

- ۸۱- حبیب الله موطنی
- ۸۲- خدایار سنجری
- ۸۳- منصور فریددی
- ۸۴- بیژن عزیزی
- ۸۵- حسن ضیاء طریفی
- ۸۶- احمد جمیل افشار
- ۸۷- سعید مشرف کلانتری
- ۸۸- شهزاد سردی
- ۸۹- محمد جویان زاده
- ۹۰- عباس سورگی
- ۹۱- محمود نزاری
- ۹۲- علی اکبر (فریدون) حمیری
- ۹۳- خسرو توهنگ
- ۹۴- حسین سلاجی
- ۹۵- نزهت السادات روحی آهنگران
- ۹۶- محمود عظیمی بلوریان
- ۹۷- مارتیک قازاریان
- ۹۸- بدالله زارع کاریزی
- ۹۹- عبدالله سعیدی بیدختی
- ۱۰۰- زین العابدین رشتچی
- ۱۰۱- غلامرضا بانزاد
- ۱۰۲- حسین الهیاری
- ۱۰۳- هاشم بابا علی
- ۱۰۴- جهان بخش پایداری
- ۱۰۵- پروین فاطمی
- ۱۰۶- فرشید فرهاد
- ۱۰۷- علی دبیری فرد
- ۱۰۸- فاطمه (شمس) نهائی
- ۱۰۹- علی اصغر (بهمین) روحی آهنگران
- ۱۱۰- فاطمه حسن پوراصلیل
- ۱۱۱- سرور فرهنگ
- ۱۱۲- محمد علی خسرو اردبیلی
- ۱۱۳- جعفر محتشمی
- ۱۱۴- فتحعلی پناهیان
- ۱۱۵- مصطفی دقیق همدانی
- ۱۱۶- عبدالعزیز پیرزاده مهری
- ۱۱۷- مسعود پرویش
- ۱۱۸- فاطمه افدرنیا
- ۱۱۹- کیگاسو رهگندر
- ۱۲۰- حمید مومنی
- ۱۲۱- حمیدرضا هزارخانی
- ۱۲۲- حسن توسلی

سال ۱۳۵۵

- ۱۲۳- حمید اکرامی
- ۱۲۴- محمدرضا کامیابی

- ۱۲۵- عزت هروی (رفیق مادر)
- ۱۲۶- احمدرضا قنبرپور
- ۱۲۷- محمدرضا قنبرپور
- ۱۲۸- لادن آقا
- ۱۲۹- قربانعلی زوکاری
- ۱۳۰- اروزنگ شایگان شاماسی
- ۱۳۱- ناصر شایگان شاماسی
- ۱۳۲- موهبی حاجتی
- ۱۳۳- جهانگیر پانزیر
- ۱۳۴- فریده (فاطمه) هروی
- ۱۳۵- حسین فاطمی
- ۱۳۶- فرهاد صدیقی پاشاکی
- ۱۳۷- مهتاب بلبل صفت
- ۱۳۸- اصاعیل عابدی
- ۱۳۹- بهروز ارمانی
- ۱۴۰- زهره مدیر شانه‌چی
- ۱۴۱- هادی فرهاد پزنگ
- ۱۴۲- توحید اشتری
- ۱۴۳- مصطفی حسن پوراصلیل
- ۱۴۴- محمود خرم آبادی
- ۱۴۵- مهنا طالبزاده نوشتری
- ۱۴۶- علیرضا رحیمی علی آبادی
- ۱۴۷- حسن موسی دوست دوجالی
- ۱۴۸- نسترن آقا
- ۱۴۹- گلرخ (شهرزاد) مهدوی
- ۱۵۰- نادرعلی پورنفسه
- ۱۵۱- حمید اشرف
- ۱۵۲- یوسف قانع خشکه بیجاری
- ۱۵۳- محمد حسین حق نواز
- ۱۵۴- طاهره خرم
- ۱۵۵- محمد مهدی فوقانی
- ۱۵۶- محمدرضا پنهانی
- ۱۵۷- غلامرضا لایق مهربانی
- ۱۵۸- علی اکبر وزیر
- ۱۵۹- عسکر حسینی ابروه
- ۱۶۰- غلامعلی خراط پور
- ۱۶۱- حمید آریان
- ۱۶۲- فاطمه حسینی
- ۱۶۳- بهزاد امیری دوان
- ۱۶۴- افسر السادات حسینی
- ۱۶۵- ناصر احمد هاشمی
- ۱۶۶- سیمین توکلی
- ۱۶۷- مرتضی فاطمی
- ۱۶۸- اعظم السادات روحی آهنگران
- ۱۶۹- اصغر پناهی
- ۱۷۰- پرویز داوودی
- ۱۷۱- حسن سعادت
- ۱۷۲- محمد کاسجی
- ۱۷۳- محمدرضا خدایارادی

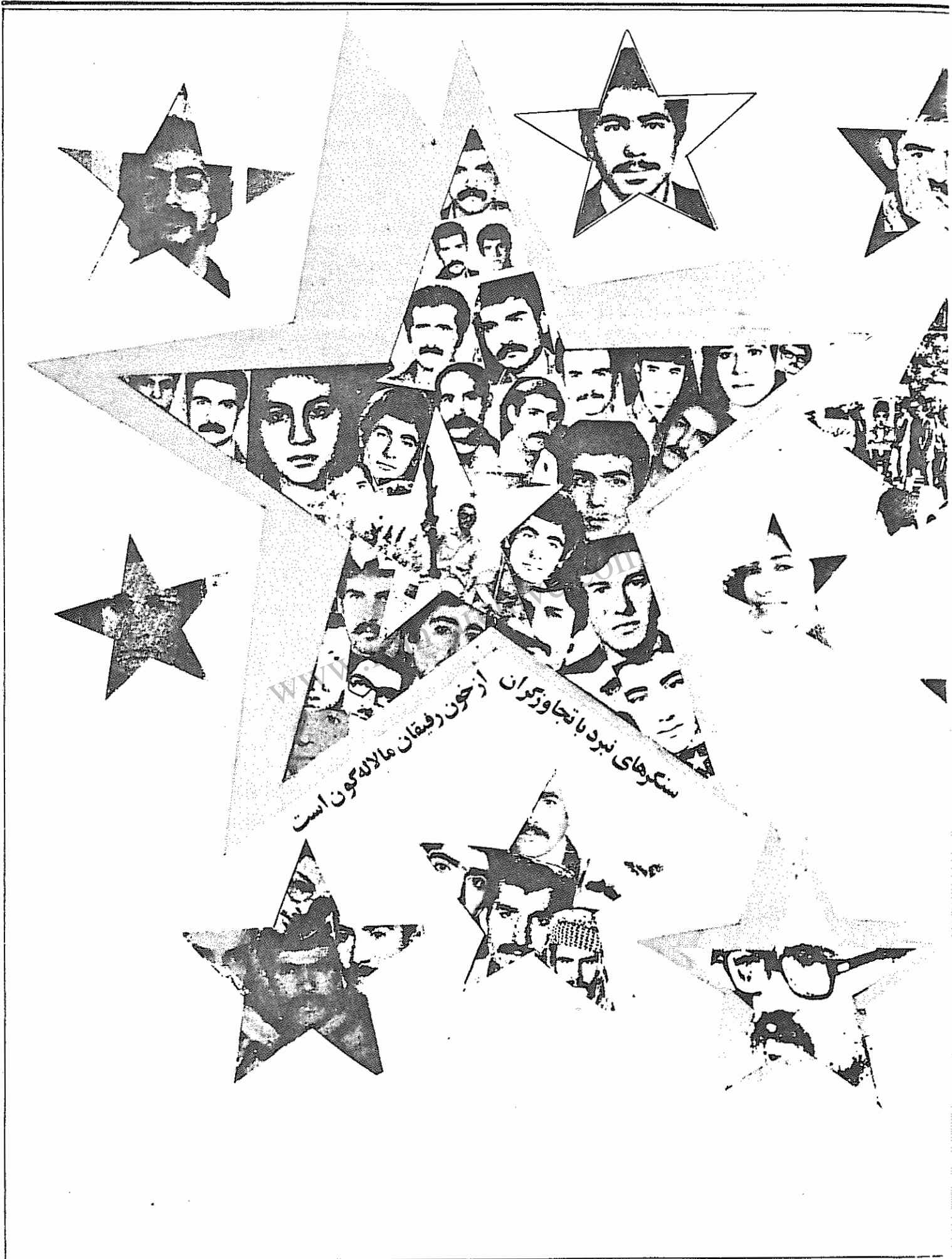
بقیه در صفحه ۲۴

شهادت‌های جنگ میهنی

- ۱- اکبر بدلی (کارگر)
- ۲- اکبر فخور (کارگر)
- ۳- امیر آقایی
- ۴- علی معاف
- ۵- حواد گنجی
- ۶- مریم رئیسی
- ۷- رحیم مقیبطی
- ۸- سعید کوشی (کارگر)
- ۹- بهرام ورامینی (کارگر)
- ۱۰- اکبر گلستانی
- ۱۱- خسرو کریمی
- ۱۲- حسین شریعتی (کارگر)
- ۱۳- عبدالله مرادی
- ۱۴- محمد بازدار
- ۱۵- تقی اسکویی (کارگر)
- ۱۶- حسین صالحی
- ۱۷- عباس دیهدار
- ۱۸- اکرم غفاری
- ۱۹- محمودرضا اکبری اسبق
- ۲۰- غلامعباس بخرد (کارگر)
- ۲۱- عنایت‌الله رئیسی (کارگر)
- ۲۲- محمدرضا آذریان
- ۲۳- سهیلا مستغانزاده
- ۲۴- حبیب‌الله فرحبخش (کارگر)
- ۲۵- ابراهیم شکرچی (کارگر)
- ۲۶- عبدالحسین شاه‌میر (کارگر)
- ۲۷- محمود اشرف‌آبادی (کارگر)
- ۲۸- فریدون مرتضی‌زاده (کارگر)
- ۲۹- محمدقاسم فتاح‌بیگی
- ۳۰- محمد مهدی نیک‌اندام
- ۳۱- محمد اسدالله‌نژاد رودبند
- ۳۲- محمدحسین صدرآبادی
- ۳۳- رحمت‌الله (امیر) اسفندیاری‌پور
- ۳۴- نوری نیاکان (کارگر)
- ۳۵- سعید (عباس) آقاپور
- ۳۶- علیرضا خلیلی
- ۳۷- افراسیاب (ژوبین) سلیمانی
- ۳۸- سدرضا طالب‌موسوی
- ۳۹- کاظم عبدی
- ۴۰- علیرضا کاظمی (کارگر)
- ۴۱- علی حاتم‌زاده
- ۴۲- ایرج حسین‌نیا (کارگر)
- ۴۳- لطیف علیزاده
- ۴۴- پرویز کریمیان
- ۴۵- اسحاق بابازاده (کارگر)
- ۴۶- مرتضی دارابی
- ۴۷- زهره موسویون
- ۴۸- وحید نیک‌سیر
- ۴۹- شهریار باقرزاده
- ۵۰- کوروش پاک‌بین
- ۵۱- حمید ولادوست
- ۵۲- غلامرضا صفرزاد
- ۵۳- محمدرضا عسقری
- ۵۴- منصور دهقانی
- ۵۵- بدالله اسماعیلی
- ۵۶- حسین دیهدار
- ۵۷- محمدرضا وصاف
- ۵۸- مرتضی غضنفری
- ۵۹- ابراهیم غلاسوند
- ۶۰- پرویز حلوایز

- ۶۱- محمد علی بحرینی
- ۶۲- امیرسعید واعظی آستینانی
- ۶۳- بهرام حبیب‌الله سامانی (کارگر)
- ۶۴- بهزاد شیوا
- ۶۵- الماس باباخانی
- ۶۶- محمود ایخی
- ۶۷- منصور حیدری
- ۶۸- بیروز شریعتی
- ۶۹- تیمورحانی شهبی
- ۷۰- هادی بغدادی
- ۷۱- احمد محبی
- ۷۲- بدالله "بهنام" احمدی
- ۷۳- حجت مرتضی‌فهرجری
- ۷۴- عباس شاه‌ولایتی
- ۷۵- بلدا پوری‌اقری
- ۷۶- رحب محمدتوماح
- ۷۷- مهرداد (عدالت) دلخونی
- ۷۸- علی‌رضا حروقی
- ۷۹- محمد جهانپور
- ۸۰- اردشیر کتالی





سنگرهای نبرد با تجا و زکوان از خون رفیقان مملایه گون است

- ۱۷۲- پرویز نصیرمسلّم
- ۱۷۵- زهرا آقابنی قلهکی
- ۱۷۶- خدابخش خالی
- ۱۷۷- محمدرضا حدادی
- ۱۷۸- انوشه فضیلت کلام
- ۱۷۹- فردوس آقاابراهیمیان
- ۱۸۰- محسن نوربخش
- ۱۸۱- حسین خو حاجی
- ۱۸۲- کیومرث سنخوی
- ۱۸۳- حسن فرحودی
- ۱۸۴- صبا بیژن زاده

- ۱۸۵- بهنام امیری دوان
 - ۱۸۶- عبدالرضا کلانتر نیستانی
- سال ۱۳۵۶**
- ۱۸۷- غزال (پرویدخت) آبتی
 - ۱۸۸- عباس هوشمند
 - ۱۸۹- سعید پنجهشاهی
 - ۱۹۰- یدالله طلسبیلی
 - ۱۹۱- پروین روانجام
 - ۱۹۲- علی میرابیون

- ۱۹۳- نصرین پنجهشاهی
 - ۱۹۴- عبدالله پنجهشاهی
 - ۱۹۵- محمد کاظم شیراتی
 - ۱۹۶- بهنام موحّد
 - ۱۹۷- غلامحسین بیگی
- سال ۱۳۵۷**
- ۱۹۸- سلیمان پیوسته حاجی محله
 - ۱۹۹- رفعت مھاران
 - ۲۰۰- حمید زبان گرمی

- ۲۰۱- ابوالقاسم نیکچه همدانیان
- ۲۰۲- فتح الله کریمی
- ۲۰۳- مسعود عرفانیان
- ۲۰۴- قاسم سیادت
- ۲۰۵- خسرو پناهی
- ۲۰۶- محمد علی ملکوتیان
- ۲۰۷- مهدی اقتدارمنش
- ۲۰۸- محمد جواد عرفانیان
- ۲۰۹- عباس تبریزی
- ۲۱۰- محسن نیکرام
- ۲۱۱- بابک سیلانی طلجی

شهادت سال ۵۸

- ۱- سعید میرشکاری
- ۲- علی میرشکاری
- ۳- ونداد ایمانی
- ۴- یوسف کشی زاده
- ۵- یعقوب تقدیری
- ۶- هرمز گرجی بیانی
- ۷- طهمرت اکبری
- ۸- جمیل خجالی
- ۹- شهیار ناهید
- ۱۰- علی احسن ناهید
- ۱۱- کریم سفیدزاده
- ۱۲- رشید آهنگری
- ۱۳- عبدالله فیضی المومنی
- ۱۴- محمد صالحی
- ۱۵- ابوالقاسم رشوند سرداری
- ۱۶- گلرؤضا جلالی
- ۱۷- پرویز بهروز نیا
- ۱۸- شیرو محمد فرخنده توماج
- ۱۹- طواق محمد واحدی
- ۲۰- عبدالرحیم مختوم
- ۲۱- حسین جرجانی
- ۲۲- سعید عقیقی
- ۲۳- داوود امیراحمدی
- ۲۴- محمود چینی
- ۲۵- رضا سیدالشهدای
- ۲۶- حمید رضوان
- ۲۷- علی محمد خوجه
- ۲۸- سعید جبران مولایی
- ۲۹- پرویز آخوندی
- ۳۰- محمد ربیعی
- ۳۱- اسماعیل علی پناه

- ۳۲- حلیل حواری نسب
 - ۳۳- قربان شفعی
 - ۳۴- جمیل آرازی
 - ۳۵- آناوردی سرفراز
 - ۳۶- غفور عمادی
 - ۳۷- نورمحمد شفعی
 - ۳۸- عطا خانجانی
 - ۳۹- محمد ابراهیم مفتاح
 - ۴۰- فیروز شکری
 - ۴۱- فیروز صدیقی
 - ۴۲- محمد رسول عزیزیان
 - ۴۳- قربانعلی پورنوروز
- سال ۱۳۵۸**
- ۴۴- رویا علی پناه فرد
 - ۴۵- مسعود دانالی
 - ۴۶- پروین آفریزه
 - ۴۷- غلامحسین خاکباز
 - ۴۸- کمال کیان فر
 - ۴۹- فرشته گل عنبریان
 - ۵۰- دکتر اسماعیل نورمسیا
 - ۵۱- فرامرز حمید
 - ۵۲- عبدالله قزل
 - ۵۳- نادر ابازی
 - ۵۴- هالی هالی زاده
 - ۵۵- علیرضا شکری افشار
 - ۵۶- علی باز جهاننازلو
 - ۵۷- حسن صالحی
 - ۵۸- احسن الله کوزه گر
 - ۵۹- رضا پیرانی
 - ۶۰- محمود آهنگری
 - ۶۱- مزگان استی

- ۶۲- کمال محمدی
- ۶۳- هادی کاکاخانی
- ۶۴- اسماعیل حسینی
- ۶۵- حسن محمودیان
- ۶۶- بهرام آقاآتابای
- ۶۷- مهدی حاجتی
- ۶۸- فایق بهرامی
- ۶۹- محمد حداد مرادی
- ۷۰- فاروق اسراری
- ۷۱- محمد اسمعیلی
- ۷۲- نجات عثمانی
- ۷۳- کمال انواری
- ۷۴- ابوبکر خوشنواز
- ۷۵- حسن حسن زاده
- ۷۶- رضا خلیفه زاده
- ۷۷- شهین باورفا
- ۷۸- جمیل طوفانی
- ۷۹- اقبال اصلانی
- ۸۰- صدیق زارعی
- ۸۱- جمشید دیندار
- ۸۲- فرخ اطلسی
- ۸۳- صادق احمدی
- ۸۴- احمد زردوئی
- ۸۵- اسماعیل حسینی
- ۸۶- پوری افروزی
- ۸۷- فرانک پیمانی
- ۸۸- محمد اسماعیل زاده
- ۸۹- حمید شکری
- ۹۰- احمد افشارنیا
- ۹۱- پرویز حقگو
- ۹۲- محمد پشایی
- ۹۳- ابراهیم خیری
- ۹۴- حسین جهانی

نشانندگان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هر نوارهای مرزی جنوب لبنان می طلبید. رفیق به همراه سایر رفقای زنده خورشید جهت آموزش نظامی به یکی از پایگاههای نوار مرزی لبنان "قطاع الاوسط" اعزام شد. در آستانه قیام خونین بهمن ماه که خلق نهران میپنهان در گرواگرم مبارزهای سخت و جانگناه با رژیم دست نشانده امپریالیسم امریکا بود و با عزمی واضح گم به ناپودی یکی از سازمانترین دیکتاتورهای جهان می بست، ما هویت سازمانی رفیق در جهنمهای فلسطین به اتمام رسید و به همراه دیگر رفقای فدایی راهی ایران شد.

(از زندگینامه رفیق رباب آل عبدالله کار شماره ۱۱۷)

یاد رفقای را که در یکسال گذشته از دست داده ایم گرامی می داریم

رفقای زیر را عزیز می داریم:

رفقا کاظم سعیدی ثالث (کارگر شرکت ریسنکو)، مجتبی خرمی، ناصر کرد رشتی نعمت احمدی، علی مرادی، سیاوش سعیدی، گامران رضوانی، علی خلیقی در پاهان قسمتی از یادداشتی را که رفقا در سرگامی میران (آسا کیمیا آزادی) و رفیق رزمنده، فدایی و رفیق غنی رباب آل عبدالله (رفیق لیلا) در خارمه های پیچین نوشتند نقل می کنیم:

هر هفته از میان سیدهای پیولادین زندان در سنجای بهمان خیره می شد و با نگاههای مهربانش از خانه بیرون می زد و وهایی نوازمان می کرد. صدای پرورش در فضای اتاق ملاقات منین می افتاد: مادر تصدقان! خسته نشود! مقاومت کنید مردم جانان به لب جان رسیده است! زیاد طول نمی کشد به این وضع سیاه خاتمه می دهند!

نظر "آقا" برایشان اهمیت زیادی داشت زیرا می دانستیم که از گسسا برخاسته است. ما لها بود که برای تأمین معاش فرزندان تن به شاق ترین کارها می داد. در میدان شوش و ناز آباد مروه فروشی می کرد. هر روز یک ساعت قبل از طلوع آفتاب از خانه بیرون می زد و وهایی

از شب گذشته در خانه که از فرط خشکی روی پا بند نبود و از گدردن و پادرد می نالید به خانه بازمی گشت. "آقا" سبیل تلاش و مقاومت و شرافت و انسان دوستی بود. به همین دلیل خیرمرکش همه را تگسان داد. ...

(نقل از کار ۱۱۲)

گرامی باد خاطره رفیق رباب آل عبدالله

... شجاعت و پایداری احساسات عمیق انترناسیونالیستی و ایمان به راه ظفرمون خلق رفیق رباب را به جهنمهای پیکار علیه ایادی و دست

در طول یکسال که از بهمن سال گذشته تا بهمن سال می گذرد، سازمان ما تعدادی از رفقا و مبارزان خود را در اثر ممانعه و تصادف و یا مرگ طبیعی از دست داد. تا ضمن درج نام و عکس تعدادی از رفیقان (که شخصیتشان به داستان رسیده) خاطره آنان و تجامی رفقا و دوستداران سازمان را که در یک سال گذشته از دست دادیم گرامی می داریم.

این رفقا عبارتند از: حسین شمس، حسن تجاری کاظم صادقی، رباب حسین جعفری منصور، عباس قطاری، فرام امیر صالحی، محمد حسن اخوان بجزرف، آقا کیمیا آزادی، رباب آل عبدالله (رفیق لیلا)، سعید عبدالله، محمدرضا رضائیان، صفا پادرفضی را که قبل از بهمن سال گذشته درگذشتند، از جمله

بمناسبت ۱۹ بهمن یازدهمین سالگشت اعلام موجودیت سازمان

در راه وحدت

۱۹ بهمن یازدهمین سالگشت حمله به پاسگاه سیا هکل ، سالروز اعلان موجودیت " چریک‌های فدایی خلق " است . سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که امروز بنا به مشی انقلابی خود یگانه باسدار واقعی آرمان راستین فدائیان خلق است ، از آن روز تا امروز راه بس طولانی و صعبی را پیموده است . سیمای امروزی سازمان در مقایسه با روزهای تولد آن تحولی فرازمندانانه می‌دهد . امروز خصلت مردمی و انقلابی سازمان که در تار و پود آن تنیده است به اوج شکوفایی خود می‌رسد .

از بارزترین ویژگی‌های تاریخ سازمان ما آن است که در عرصه پیکار انقلابی علیه مزدوران رژیم شاه، پاران ما هیچگاه در برابر دشمنان خلق و دزخیان اهریمن صفت ساواک تسلیم نشدند و به آرمان والای خویش و به پیمان خویش با خلق زحمتکش وفادار ماندند . این ایستادگی و تسلیم ناپذیری به استقامت دلیرانه در برابر سرکوب دشمن محدود نبود . سازمان ما در عین حال در این یازده سالگی که از عمر آن می‌گذرد با به بای رشد خود علیه جریان‌هایی که قصد فقهراکشدن آن را داشته‌اند ، و با مانع تکامل و بویایی آن بوده‌اند ، نیز قاطعانه ایستاده است و با صداقت انقلابی از حقیقت و مردم دفاع کرده است . مقام امروز سازمان ما محصول این دوا ایستادگی است .

سازمان ما مواضع گروهک‌های مائوئیستی که ما را از غلطیدن به عمق انحرافات مائوئیستی مصون داشت و مبارزه با جریان‌های تروتسکیستی مثل گروه شجاعیان و گروه ساره در خارج کشور نشان دهنده تلاش‌های موثر سازمان در جهت حفظ ماهیت انقلابی خویش بوده است .

علاوه بر این از همان آغاز تولد سازمان و با حتی قبل از آن مبارزه فکری میان جریان‌های فکری سازمان تا امروز رشد ادامه داشته است . مبارزه ایدئولوژیک حادی که میان نظرات مسعود و نظرات بیژن طی سال‌های ۵۰ تا ۵۶ جریان داشته است ، مبارزهای بود میان ایده‌های مافوق ماجراجویانه و بکلی غیرمنطقی و ماورا جیب مسعود و اشکال تعدیل شده همان نظرات که برخی حنسه‌های فوق‌العاده ذهنی و ماجراجویانه آن را مورد انتقاد قرار می‌داد . این مبارزه در سال ۵۶ به پذیرش کامل مواضع بیژن در سازمان منجر گردید . تمه این مبارزه به روزهای پس از انقلاب کشیده شد . صرف دهفانی از سازمان که هنوز از مواضع مسعود دفاع می‌کرد ، پایان این مبارزه بود .

سازمان در ادامه راه تکاملی خود با ایده‌های نادرست بیژن نیز برخورد کرد و آنها را مورد انتقاد قرار داد . پس از آن مبارزه ایدئولوژیک حادی که طی دو ساله ۵۶ تا ۵۸ تقریباً تمام نیروهای موثر سازمان را دربرگرفت . سرانجام در پلنوم وسیع مه‌ماه ۱۳۵۸ با اکثریتی قاطع مشی چریکی و ایده پیشاهنگ مسلح بکلی نفی گردید و با پذیرش فطنی شعار پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر که قبل از قیام مطرح شده بود، سازمان تبلیغ و ترویج سوسیالیسم علمی ، تربیت و تشکیل توده‌ها و رهبری موثر مبارزه آنها را وظیفه اساسی خود شناخت و پذیرفت که پیشاهنگ طبقه کارگر خصلت یک سازمان سیاسی است و نه سیاسی - نظامی . و این بک کام اساسی به پیش بود . شکل‌گیری فراقسیون اقلیت عمدتاً محصول پیشرفت همین مبارزه فکری بود . رشد بعدی سازمان و فرارویی آن به یکی از گردان‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مدافعین نظرات اقلیت را در سازمان به سوی ورشکستگی کامل سوق داد . رشد سازمان جایی برای ریست آنان در سازمان باقی نگذاشت . آنان جدا شدند و راه مرداب در پیش گرفتند و بقایای آنها . امروز مناسبانه خواسته و ناخواسته عملاً " بطور کامل در اردوی دشمنان انقلاب ضدامبراییستی و مردمی ایران قرار گرفته‌اند . تمه این مبارزه تا ماههای بعد نیز ادامه یافت . پیگیری سازمان در دفاع از انقلاب و سمت‌گیری آن به سوی پذیرش انترناسیونالیسم پرولتری عزم اقلیتی‌های متزلزل را در جدایی از سازمان مصمم کرد ، و آنها که از نظر فکری تقریباً بطور کامل اقلیتی بودند ، توطئه‌گرانه نام خود را " جناح چپ اکثریت " گذاشتند اینها امروز مشت خود را بار کرده و در ادامه انحطاط به اقلیت پیوسته‌اند .

مبارزه استوار و شجاعانه‌ای که به همت پیشروترین نیروهای سازمان طی دو ساله اخیر پیروزمندانه پی گرفته شده است ، امروز ثمر گرانقدر خود را در ردودن همه تردیدها در همبستگی برادرانه با همه گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های انقلابی در سراسر جهان و در نابودی همه تردیدها در دفاع پیگیر از انقلاب و از همه نیروهای مدافع آن و کنار نهادن همه تردیدها در تأمین وحدت فکری و سازمانی جنبش کمونیستی ایران نمودار ساخته است . اما این فقط یک وجه مسأله است . وجه دیگر آن این است که این تکامل فکری ، تمام اعتبار و حیثیت و تمام نیروهای فعال و فداکار سازمان را در خدمت منافع واقعی آنی و تاریخی طبقه کارگر قرار داده و هویت آن را به مثابه گردان پیشاهنگ راستین طبقه کارگر محور ساخته است .

پیشرفت این مبارزه و تعمیق و تثبیت و تعیین این دو خصال سازمان به شکل‌گیری فراقسیون توطئه‌گر کشتگر - هلیل‌رودی منجر گردید و طرفداران نظرات آنها را در سازمان در اقلیت کوچکی قرار داد . آنها نیز سازمان را با خود یگانه یافتند و راه خود را رفتند .

از زمانی که مبارزه فکری میان نظرات بیژن و مسعود شکل می‌گرفت ، تا همین امسال ، که مبارزه علیه نمایلات سکتاریستی گروه فراقسیونی کشتگر - هلیل‌رودی به انفراد و طرد نظرات آنها منجر گردید در آخرین تحلیل ، مضمون اساسی این مبارزه در تمام دوران مورد بحث در وجه عام ، مبارزهای بوده است در جهت تردیکی نسبی به مواضع حزب توده ایران . همگی بیادداریم که چگونه طرفداران مسعود طرفداران بیژن را دارای گرایش توده‌ای و چگونه اقلیتی‌ها مواضع اکثریت را در مقطع انتصاب همان مواضع حزب توده ایران می‌شناختند و چگونه باند مصطفی مدنی و اخیراً کشتگر - هلیل‌رودی نیز خود را به این عنوان از سازمان جدا کردند که می‌دانستند عملکرد حزب و سازمان فاقد هرگونه تمایز است و راه سازمان با حزب توده ایران یکی شده است .

هرگاه سیر تحول و تکامل فکری سازمان از ابتدا تا امروز دنیا را مشاهده کنیم ، این حقیقت به سهولت آشکار می‌گردد که این تحول طی این یازده ساله مشخصاً دارای ست و مضمون معین است که باید آن را به دو دوره معین تقسیم کرد .

در دهه نخستین حیات سازمان با اینکه نطفه‌های راه‌کنونی سازمان در جهت نزدیکی به مواضع حزب توده ایران بتدریج رشد می‌کنند، اما به هیچوجه این رشد متضمن درهم شکسته شدن مرزبندی‌های مشخص میان حزب و سازمان نیست . ایندو هنوز بطور مشخص مواضع جداگانه‌ای دارند . در طول دو ساله اخیر یک تغییر کیفی در مواضع سازمان شکل می‌گیرد . مرزبندی‌های میان حزب و سازمان در عمل درهم شکسته می‌شود و در مهمترین موضع‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک در عرصه ملی و بین‌المللی و همچنین شیوه‌های زندگی حزبی مورد پذیرش آنان ، حزب و سازمان در صف واحد قرار می‌گیرند .

سمت و مضمون تحول فکری سازمان ما ، خارج از قضاوت این بیان شخص در جهت حل تضادهای عقیدتی ، سیاسی و سازمانی با حزب توده ایران امتداد داشته است . این تحول، مضمون فعالیت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را با حزب توده ایران ، به مثابه یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی یکسان ساخته است .

امروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به مثابه دو گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در دو سازمان جداگانه و مستقل، منشکل شده‌اند . لاکن هر دو آنها هم در عرصه پیکار انقلابی طبقه کارگر و هم در مهمترین نبردهایی که سرنوست خلق و انقلاب را جهت می‌دهد و معین می‌کند ، خارج از داوری این وان ، عملاً " در یک سنگر واحد قرار گرفته‌اند . این پدیده امروز یک واقعیت عینی است .

این توضیحات نشان می‌دهد که چرا شعار پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر خلاف سمت اصلی تحول فکری سازمان است . این شعار اساساً موجودیت تاریخی و بالفعل حزب (گردان پیشاهنگ) طبقه کارگر ایران و موجودیت کنونی آن را انکار می‌کند و از نیروها دعوت می‌کند که جنبش حزبی را تشکیل دهند و این اورپایی خطاست . این یک واقعیت عینی است که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر ایرانند . آنها در این پیکار انقلابی در عرصه ملی و بین‌المللی از تئوری و سیاست طبقه کارگر پیروی می‌کنند و در زندگی سازمانی مواردی لنینی را می‌پذیرند . حیات واقعی آنان با تعاریف لنینی حزب طراوت‌نویس طبقه کارگر انطباق دارد .

در راه وحدت

ار صفحه ۲۵

در مورد این ارزیابی از ماهیت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مقطع بلنوم ۷ تا ۹ مرداد ماه ۱۳۶۰ هنوز در سطح رهبری سازمان اتفاق نظر کامل وجود نداشت. یک نفر از اعضا کسبه مرکزی (معینی) و یک نفر از مشاورین آن (کشتگر) این ارزیابی را نمی پذیرفتند و اساساً " موجودیت تاریخی و بالفعل دسه مشکل بیساخته طبقه کارگر را در ایران انکار می کردند. کمینه مرکزی سازمان، نظر به اهمیت حفظ و تحکیم وحدت رهبری در بلنوم مرداد تصمیم گرفت که مساله نبود اختلاف، مورد بحث جدی تر قرار گیرد و نظرگاهها و تحلیل های رهبری حزب توده ایران تیر مطرح شود، و برای تأمین و تحکیم وحدت نظر رهبری در مورد تحلیل ماهیت طبقاتی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از سایر طرق و وسائل ممکن بهره گیری سودبهمین دلیل در قطعنامه بلنوم مرداد درباره ارزیابی مقام و موقعیت حزب و سازمان اظهار نظر ننسند. قطعنامه بحث بیشتر در مورد مساله را ضروری شناخت. اساساً معینی و کشتگر اختلاف خود را با رهبری سازمان غیرقابل حل تشخیص دادند و بدون توجه به این تصمیم درست، راهی ضد رهبری و ضد سازمانی پیش گرفتند و علیه سازمان و رهبری آن دستبندی درست کردند و راه خود را از سازمان جدا کردند. و بدین ترتیب درباره سمت اصلی و مضمون اصلی تحول اندیشه هدايت کر سازمان از آغاز تا امروز و همچنین درباره ماهیت طبقاتی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سازمان وحدت نظر پدید آمد.

انگون بنا به تصمیم کمینه مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شعار بیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر اوزیر صفحه نشریه کسبار حذف می شود. کمینه مرکزی سازمان دفاع از شعار تشکیل حزب را تقابل با دستاوردهای تکامل جنبش کمونیستی ایران و انگار آنها می سناسد و بدین وسیله رسماً " نادرستی آن را اعلام می کند. کمینه مرکزی سازمان بر این اعتقاد است که وظیفه انقلابی و میرم همه ما نیروهای اصیل و صدیق پیرو سوسیالیسم علمی، کوشش بیکگر در راه وحدت کردان های بیساخته طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

کمینه مرکزی سازمان بر آن است که توضیح همه جانبه جهت و مضمون تکامل سازمان را آغاز تا امروز به روش شدن سیر و جهت اصلی وحدت فکری و سازمانی بیساخته طبقه کارگر ایران در محتضات کنونی جنبش کنگ سازمان بوجهی خواهد کرد. اهمیت این توضیح زمانی بهتر درک می شود که جهت و مضمون انحطاط اشخاص و گروه های کج فکر و کج رفتاری مورد توجه قرار گیرد که هنوز هم به نام هواداری از طبقه کارگر، خود را در مقابل سازمان ما و در مقابل حزب توده ایران قرار می دهند. کمینه مرکزی سازمان خواهد کوسد که طی این مقالات که در سرنه کسار به جاب می رسد، جهت و مضمون تکامل اندیشه و سنی راهبر سازمان را بوضوح دهد این بوضوحات مسلماً " چشم انداز وحدت بیساخته طبقه کارگر ایران را نمایان تر می سارد.



حذب می کسد و راه، درست رسدن به استقلال، دمکراسی و پدالت اجماعی را سبتر می سناسد.

در عصر ماکه عصر کدار از سرمایه داری سوسیالیسم است، در عصری که نظام سرمایه داری جهانی با گامهای پرشتاب سوی نابودی سبتر می رود، در عصری که نظام سرمایه داری بیش از هر زمان همه " سبتر است، همه سعدالتی ها و نعام کهنگی و کراحت خود را آشکار می سارند. در عصری که سوسیالیسم موجود هر روز بیش از پیش توانایی های بیکران خود را در سعق ضد حواسنهای توده های ملوسی جهان به نمایش گذارده است، در عصری که ضد اساسی آن تضاد میان سوسیالیسم پرورسد و سرمایه داری فروتوت است و هر مبارزه تاریخی در تحلیل نهایی سوی یکی از این دو سمت گیری می کند. دریای بیکران توده های بیخاسته در هر سوسه انقلابی از طریق مقایسه این دو الگو، از طریق مطالعه چگونگی حضور این دو عامل در حیات خویش، از طریق مشاهده عینی حضور این دو عامل در لحظه لحظه بیکار خویش، از طریق مشاهده مکرر آمال خود در وجود سوسیالیسم و ساهده، آشکار آمال دشمنان خویر خود در وجود سرمایه داری جهانی، از طریق مشاهده دوسان و رهبران صدق خویش در وجود سروان راه سوسیالیسم و ساهده، دشمنان و فریب دهندگان خویش در وجود سروان راه سرمایه داری، بر گزین و با تأثیرن آموزش های انقلابی را می سنسند و هر دم سبتر آماده می خوسد تا سوسیالیسم را فرا گیرند و بطور بی گزینتری سمرش آن را برای رهایی خویش بر گزینسد. چنین است که در عصر ما، و سوزده در این مرحله از عصر ما، طبقه کارگر و بیساخته ها و بعضی حزب مارکسیست - لنینیست هر روز امکان سبتری برای آگاه سازی توده ها و هدايت جنبش خلقها در راه استقلال، دمکراسی و رهایی اجماعی به دست می آوزسد. و چنین است که در عصر ما بیساخته جنبش انقلابی به نسبت آگاهی از سبایل فو، سوی سوسیالیسم و به نسبت وفاداری خویش به سارزه های بیکر در راه برانداختن سلطه " امریالیسم و سرمایه داری و سبتری سوی سوسیالیسم، می تواند توده های مردم را به بیکار سروشست ساز برانگیزد و در این بیکار سبتهای درست و سروزسد، آنان را هدايت کند.

عصر ما شاهد روی آوردن توده های وسیع مردم زحمتکش اعم از کارگران و غیر کارگران به جریان هایی است که از موضع ضد سرمایه داری علیه نظم اجماعی موجود سارزه می کنند. جریان هایی که همه آموزش مارکسیسم - لنینیسم را می پذیرد و با نسبت به پذیرش آن از خود تقابل روز افزون نشان می دهد. و علاوه بر اینها ما در دنیای حاضر شاهد میوسن توده های وسیع خلق به جریان هایی هستیم که بی آنکه اساساً " آموزش های مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم علمی بپردازند بر اساس عناصری از فرهنگ ملی، قومی و منطقه ای و با بر اساس ایده ها و سنت های ستم سبتر و عدالت جویانه اسلام و با ادیان دیگر به جنبش رهایی ملی و ضد سرمایه داری می سوزند.

سدایی این پدیده ها بطور مشخص امکان فرارویی مبارزه توده های شرکت کننده در جنبش های رهایی بخش را به مبارزه ای در راه سوسیالیسم و خواستار سوسیالیسم که حزب طبقه کارگر را یکنانه مدافع خویش می سناسند، فراهم آورده است. این پدیده را هم در روی آوردن اقتدار وسیع توده های غیر کارگری به جریان های مارکسیست - لنینیست می توان مشاهده کرد و هم در رشد روز افزون عناصر نکر و جهان بینی طبقه کارگر و آموزش های سوسیالیسم علمی در جریان های دمکرات انقلابی. اینها پدیده های مثبت و نیکی است. اینها همه سانه اسات مکر و روز افزون حقانیت مارکسیسم - لنینیسم و سبتری سوسیالیسم در برد توده های وسیعتری از زحمتکشان است. اینها همه سانه های بهم پیوستگی روز افزون جنبش های رهایی بخش ملی و بطور کلی جنبش های دمکراتیک با سوسیالیسم و اقتفا " موجود و جنبش طبقه کارگر در مقاس جهانی است. تلاش و کوشش بی گیر همه احزاب کمونیستی و کارگری جهان آنست که بر این

ارانی بذر زین بر فراز کشورش افشانند.
ارانی مُرد، بذرش گشتزاری گشت پیر حاصل
ارانی گفت:

در این جنبده شطی که تاریخ است،
مشو زان قطره ها گاندر لجن ها بر گران ماند!
بشوز امواج جوشانی که دائم در میان ماند!

شرایط پیدایش چریکهای فدایی خلق

جنگه حواسه ساسم آن سیر تاریخی که " چریک های فدایی خلق " را بدید آورد سبتر ساسم باید لروما " هم س ایران و هم س جهان دهه ۶۰ س نظر کم. س از جنگ دوم جهانی دسای ما تا وصیب سوی مواجه سد. وصعی که سبترین حصصه آن عصر سوارن دوا میان سروهای انقلاب و صداعلات، سروهای نرمی و ارجاع سبود سروهای انقلاب در مقاس جهانی است. سارزیرن این سمرات سارنسد از سبگر سبتر سبسم جهانی سوسیالیستی و جارج سدن اتحاد سوزوری از حلقه سبگ محاصره کشورهای سرمایه داری سانه بهمیرن واقعه تاریخی س از جنگ، فرو سایی سبسم جهانی مستعمراتی و کام سهادن توده های مباردی جهان سبزه استقلال و آزادی ملی و نرمی اجماعی. آغاز و کسری سوسن توره بحران های عمومی سبسم جهانی سرمایه داری و سبسد نهاد های درونی سبسم جهانی امریالیستی.

سار این سحوالات عظم جهانی (سوزوری های دم افرون نیروهای نرمی خواه و کسب های فاحس سروهای سرمایه داری) روی سبسنگیری و کسب س ساره رهایی طلبانه توده های وسیع خلقهای کشورهای در حال رشد جهان چه بوده است؟ این سحوالات از سبگ سوز رهبری ساره استقلال طلبانه و آزادی خواهانه و نرمی خواهانه سوده های سبسرمد را از دست جریان های مدافع رسسد سرمایه داری - که هر روز سبتر سوی سبود و سارس با امریالیسم جهانی و ارجاع داخلی و حیات سماع ملی کشنده می سوزسد - جارج می سارد و از سوی دیگر راه را برای تأمین سبزرگدگی نیروهای مخالف رسد سرمایه داری، سوزده سروای سوسیالیسم علمی هموار می کند. آموزش های سوسیالیسم علمی در زمینه سباحت سبان درددها و اساسامایی های اجماعی و در راس همه رابطه سراه و استعمار و راههای برون رفت از آن توسط جریان های فکری - اجماعی انقلابی و سعمری درک و سبتر س می سوزد. سمرسق موفق سوسیالیسم واقفا " موجود برای خلقهایی که در راه نوسازی رسدگی اجماعی در منهن خود سبکار می کنند. راه رهایی از سبترین درد های اجماعی را هر چه واضحتر نشان می دهد. جهانی سب از جنگ شاهد وقوع اغراض های عظم یئانسسل انقلابی سوده های وسیع خلق با سبالات سبدریالیستی و ضد سوزرویی بوده و هست. جنبش هایی که با تمام سوز و غرب تاریخی خود نظم سرمایه داری را رد می کنند و می خواهند سبتری سوز در اندازند. هر روز اسنار وسعتری از زحمتکشان سبوزروسنا، که همراه ما اسوه سبندآوری ها، دهمی گیری ها و آموزه های انده آلسستی سبان جنبش ها می سوزسد. ما سمرسق کرفسن از سوسیالیسم واقفا " موجود که " مضمون الهام و پشتیبانی سیاسی از تمام انقلاب های رهایی بخش است " (۱). ما ساهده و واقف سبانی عسی انکار می سارید. سبونه ای روز افزون، آرزوها و سبذارهای خود را بر واقعت سبطن بی سارید و هر روز ما اسنای سبتری آموزش های سوسیالیسم را

بتازگی به جنبش می پیوستند موثر واقع شود. حزب در این سالها "بحرانی ترین مراحل تاریخی خود" (۵) را می گذراند.

رفیق کیابوری در مقاله ارزشمند خود که بمناسبت ۴۰ سالگی حزب تحریر شده است، این بحران را "نتیجه منطقی تاثیر سه رشته عوامل منفی و مخرب" (۶) زیر بشمار می آورد:

- ۱- ضعف ناشی از تسلط موضوع گیری غیر انقلابی در رهبری حزب
- ۲- تسلط سواک بر سازمان حزبی در ایران و تاثیر منفی آن در تشدید ضعف رهبری در سازمان مهاجرت
- ۳- رشد جریان انحرافی مائوئیستی در مجموعه جنبش جهانی کارگری و کمونیستی ضد امپریالیستی (۷)

بدین ترتیب در طول دهه ۴۰ با حدت یافتن تضادهای درون جامعه، شرایط بسیار مساعدتری برای فعالیت انقلابی، جمع آوری نیرو و تشکیل آنها زیر پرچم حزب طبقه کارگر، که یگانه حزبی است که می تواند از طریق محور سرمایه داری آمال اجتماعی نیروهای ضد سرمایه داری جنبش ضد امپریالیستی را متحقق گرداند، فراهم می شود. لکن عوامل منفی و مخربی که جنبش کمونیستی اصل را تصفیه می کرد موجب می شود که این جنبش نه موفق شود که از سرازیر شدن تامل خرده بورژوازی مائوئیستی و ماجراجویانه بدرون جنبش کمونیستی ایران مانع شود و نه قادر شود که در تربیت و تشکیل نیروهای تازه به جنبش انقلابی پیوسته سهم مهمی برعهده گیرد. در سالهای دهه چهل از نو شرایط عینی و ذهنی چنان فراهم می شود که مسیر تکوین و تکامل و شکل و مضمون فعالیت نیروهایی که با تمایل مارکسیستی و یا مذهبی به جنبش های ملی خلق ما می پیوستند بطور عمده بوسیله و تحت تاثیر انگیزش ها و گرایش های غیر کارگری تعیین شود.

ما در گذشته یکی از مهمترین ویژگی های شرایط عینی سالهای پیدایی و رشد چریک های فدایی خلق و دیگر نیروهای جنبش چریکی را گسترش اختناق و دیکتاتوری و گسترش رکود و خمود در جنبش توده های توضیح می دادیم. حال آنکه بیان شرایط بدین شیوه، دیالکتیک مبارزه نیروهای ارتجاع و ترقی را بازگو نمی کند. برای یک بررسی علمی می باید از حدت گرفتن تضادهای درون جامعه، که نتیجه گریز ناپذیر طی راه رشد سرمایه داری در عصر ماست و بر همین اساس از پیوستن نیروهای بیشتر به جنبش استقلال طلبانه و آزادی خواهانه و در مقابل آن جنبش، سخن گفت. تنها چنین فرمولی است که سیاسی واقعی مبارزه طبقاتی را توضیح می دهد. رشد تضادهای درون جامعه طبیعتاً با پیوستن نیروهای بیشتری به جنبش و مساعدتر شدن شرایط برای سازماندهی و تربیت مبارزه توده مردم همراه است. هرگاه ما در تصویری که از سالهای دهه ۴۰ ارائه می دهیم مردم را به علت دیکتاتوری دارای روحیه رکود و خمودگی تصویر کنیم، آنگاه از دیالکتیک گسترش مبارزه طبقاتی شمای غلطی ارائه داده ایم. زیرا تشدید دیکتاتوری از تشدید تضادهای درون جامعه و پیوستن نیروهای جدید به جنبش جداست. تاکید روی این مساله از آنجا ضروری است که سالها یکی از اسماهات پایه ای چریک های فدایی ندیدن همین رابطه بوده است. آنها مطابق آموزش بیزن ضرورت جنبش چریکی را گسستن نیروهای وسیعتری از توده های مردم از مبارزه و تشدید رکود و خمود توضیح می دادند، حال آنکه خود پیدایی و رشد جنبش چریکی یکی از نمودهای بارز پیوستن نیروهای وسیعتری از مردم به مبارزه بوده است. پیوستن نیروها به جنبش چریکی و آن حد از شور انقلابی، فداکاری و ار خود گذشتگی و این واقعیت که در تمام طول سالهای رشد جنبش چریکی چه فدائیان و چه مجاهدان و چه دیگر مبارزان در برابر دشمن، رزمجویانه دست به تعرض می زدند، این واقعیت که این نیروها هرگز سر تسلیم پیش دشمن فرود نیاوردند، اینکه با ایمانی شگرف همه نیروهای جنبش، به عهد و میثاق خود با خلق پای بندی می مانند را هرگز نباید در "خصیلت پیروز" جنبش چریکی، بلکه در زمینه های بکر رزمه های اوج گیرنده ای جستجو کرد که میان مردم در اعتراض به رژیم شاه شکل می گرفت، زمینه های بگری که حاصل تشدید تضادهای درون جامعه و رشد روزافزون نارضایتی و نفرت مردم از رژیم شاه بوده است. ایسنادگی، شور انقلابی، فداکاری و تسلیم ناپذیری هر جریان سیاسی بطور قطع در جلب اعتماد و پیوستن نیروهایی که به جنبش روی می آوردند به آن جریان سیاسی بطور قطع موثر است. لکن هرگز نباید فراموش کرد که منشاء پیدایی و رشد جنبش روجهای از میان چریک ها و دیگر مبارزان قبل از هر چیز تغییر روحیه توده ها بوده است و نه بالعکس. جنبش چریکی این واقعیت را و از گونه توضیح داده است.

بهر حال آن ارزیابی که در دهه ۴۰ توده ها را در حال رکود و خمود و روشنفکران را در حال غلبان انقلابی تصویر می کند قبل از هر چیز در جستجوی وسیله ای است که جدا شدن از توده ها و پیوستن به روشنفکران و سازماندهی و رهبری مبارزه روشنفکران را توجیه کند. و این ارزیابی از پایه نادرست و غیر علمی است و بدین ترتیب صحیح است که ویژگی برجسته شرایط سالهای شکل گیری جنبش چریکی را، همانگونه که در مقاله چهل سال در سنگر مبارزه آمده است، بصورت تشدید تضادهای درون جامعه و گرویدن روزافزون نیروها به مبارزه انقلابی و فرو رفتن حزب توده ایران، بمنابله سگندار جنبش کمونیستی ایران، در بحرانی ترین مراحل تاریخ خود، که نتیجه منطقی تاثیر سه رشته عوامل مخرب یاد شده بوده است، ارزیابی کنیم و تاکید کنیم که در این سالهای نابسامانی، محافل امپریالیستی با کمک ارتجاع داخلی از یکسو و تنگ نظری ها و نفره جویی های خرده بورژوازی، سازش کاری، تسلیم پذیری و خیانت کاری جریان های بورژوازی ملی و بویژه مسومترین سم پاشی های جریان جهانی مائوئیستی، تا توانستند در جهت بی اعتبار کردن حزب توده ایران و سلب اعتماد از جنبش جهانی کمونیستی، از این اوضاع بحرانی بهره گرفتند. محافل امپریالیستی در همدستی کامل با ارتجاع داخلی و خدمت گزاری بی دریغ جریان

جهانی مائوئیستی تمام خنجرهای ضد انقلابی خود را بکار گریه نا مردم و روشنفکران را از جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و بویژه از گردان ملی اصل آن، حزب توده ایران جدا کرد و در این راه هم برصفت های دروسی حزب توده زدند و هم بر نمایلات ریشه دار سگنداری "ج" که بر طیف نیروهای تازه به جنبش پیوسته کاملاً غلبه داشت. تمام تلاش جنبه وسیع نیروهای ارتجاعی در این سالها آن بود که از گرایش نیروهای سمایل به مارکسیسم به حزب توده ایران و از اعتماد آنان به جنبش کمونیستی اصل بین المللی جلو گیرند و نگذارند نیروهایی که علیرغم سرکوب بی امانی که اعمال می شد، به جنبش می پیوستند، در همان شاهرهای گام نهد که حیدرخا و ارانی و روزبه بی افکنده اند. سازمان ما در گوران این کشاکش ها و بحران ها شکل گرفته است.

نگرش گروه های مؤسس سازمان به جنبش کمونیستی ایران

تا اوایل سال ۴۶ که شبکه های تشکیلات حزب توده ایران در داخله کشور وجود داشت این بحث که آیا حزب طبقه کارگر در ایران وجود دارد یا نه در سطح جنبش کمتر مطرح بود. هر کس مارکسیست بود توده ای بود و مهمترین طبقه خود را نیز تقویت و تحکیم حزب توده ایران بمنابله حزب طراز بوس طبقه کارگر ایران می دانست. همه کسانی که مثل خلیل ملکی یا حزب دهقان می کرد، اگرچه اسناد در بی انگار حزب توده ایران بمنابله حزب طبقه کارگر بودند، اما طوطی نمی کشید که سازش شان با ارتجاع ماهیت نقابشان با حزب را برملا می ساخت. اعضای گروه رفیق جزنی که از موسسین سازمان چریک های فدایی خلق است، همه تا زمانی که آخرین شبکه های حزب در ایران وجود داشت در حزب فعالیت می کرده اند. آنها زمانی که تشکیلات حزب در ایران بگلی منطقی شد، در برابر این سوال جدی قرار گرفتند که آیا وحدت سیاسی و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران هر دو از میان رفته است یا رهبری حزب طبقه کارگر ایران وجود دارد و فقط باید سازمان های آن را احیا کرد؟ شکست ۲۸ مرداد و سگین ترین فشارهای پلیسی که به وحشیانه ترین شکلی روی حزب توده ایران متمرکز شده بود و ضعف رهبری حزب که با تزلزل کادرها و خصومت روشنفکران دمکرات انقلابی نیست به حزب تشدید می شد، بدانجا انجامید که نیروهای مبارزی هم که خواهان ادامه مبارزه بودند زیر این فشارهای خرد کننده سنگر حزب را ترک گویند و صلاحیت رهبری حزب توده ایران را انکار کنند بدون آنکه واقفاً قادر باشند سگری بیایند که بیش از حزب شایستگی داشته باشد. آنها حزب و راه آن را نفی کردند بدون آنکه بتوانند میراث گراند فردی حزب را که محصول ایستاد دهن سال مبارزه کمونیست های ایران بود در جای دیگری، در خارج از حزب جستجو کنند. ثروت تاریخی منتهی طبقه کارگر ایران با حزب توده ایران بود و بیرون از حزب هیچ خبری نبود و نمی توانست باشد. بیزن می گوید: "تفرقه و بحران حزب خیلی بیشتر از تفرقه و بحران سازمانی آن، که زیر فشار شدید جام می گرفت در احیای حزب بعنوان یک واحد که زیر ماترالیسم سیاسی و سارانی رهبری قرار گیرد نقش بازی کرد" (۸). این داوری نشان می دهد که گروه

شکست حزب و با عبارت دیگر "تفرقه و بحران سازمانی آن که زیر ضربات شدید پلیس قرار می گرفت" بهترین نیروهای حزب را از صدر تا ذیل سردید و باس حزن انگیزی می کشاند که هر نوع وحدت فکری و سازمانی بین خود و مجموعه نیروهای حزب را انکار کنند و تلاشی سازمانی را تا حد تلاشی فکری یعنی از دست رفتن همه میراث کمونیست های ایران و قرار گرفتن در نقطه صفر گسترش دهند.

در سالهای قبل از ۴۲، که هنوز مائوئیسم تعرض خود را آغاز نکرده بود، بررسی علل شکست تاریخی ۴۲ و تلاشی شدن همه سازمان های حزب، که تحت عنوان "حزب باید از خودش انتقاد کند (۹) مطرح می شد، مضمون اصلی بحثهای همه محافل روشنفکران مارکسیست ایران (که همگی تربیت شده حزب توده ایران بودند) را تشکیل می داد. چنین بحثی که، بویژه از جانب عناصر مردم حزبی و آنها بی جنبش را رها کرده بودند با پشتیبانی بی دریغ ارتجاع و محافل بورژوازی و با هدف نفی ماهیت کارگری و کمونیستی حزب، با هدف انتساب خیانت مرتدین حزب به حزب و لجن مال کردن حزب و تحقیر آن در نزد توده ها و با هدف پوشانیدن خیانت محافل بورژوازی ملی به جنبش، به انحراف کشیده می شد، به مدت چندین سال حزب را از انجام وظایف رهبری بازداشت و عملاً نه در جهت تقویت اعتماد به حزب که در جهت سلب اعتماد از آن و تشدید تفرقه سیاسی نیروهای حزب در ایران موثر واقع شد. محافل صمدی و وفادار حزب عموماً روی صغیر رهبری و همچنین ناتوانی آن در سازماندهی و رهبری فعالین برانگیزهای انگشت می گذاشتند که بر اثر تلاشی شدن سازمان های حزبی رها شده بودند. آنها خواهان تقویت رهبری و تحکیم انضباط حزبی و احیای سازمان های آن به اشکالی منطبق بر شرایط کودتایی بودند.

رفقای ما در آن سالها بر این عقیده شدند که از سالهای بعد از ۴۲ عرصه سیاسی ایران از حزب طبقه کارگر تهی می شود. آنها راه حزب و تبعیت از کمت مرکزی حزب را رها می کنند و از توفیق آن در غلبه بر تفرقه سیاسی نیروهای ما بوس می شوند. آنها در آن دوره فعالیت گروهی را "موثرترین فرم برای تشکیل جریان های جنبش سیاسی طبقه کارگر شناخته" (۱۰) بودند. اکثر فعالین حسیب، بر اثر جوی که ایجاد شده بود تلاشی سازمان های حزبی را تا حد یاس از دست بایی به وحدت فکری و سیاسی گسترش می دادند و فکری می کردند گروه های مارکسیستی باید هر یک راه مستقلی در پیش گیرند و حتی از لحاظ فکری و سیاسی هم هیچ اتوریته ای را نپذیرند. آنها فکر می کردند که مساله وحدت کمونیست ها حول مرکزیت واحد برای هدایت فکری و سیاسی فعالیت عملی نیروهای

ارگانی است که با مبارزین پیاده بود. اینها همگسداکمون دستیاران سیاسی ما بودند. در دوره فعالیت مطبوعاتی، در هر جمعه سالانه گسداکمون را به لحاظ سیاسی، ادب و ادبیات و سازمانی به "وحدت" رساند. و همین بود که در دست راست ما این ارگانون معنای کار گروهی شکل.

حزب بوده ایران در تمام این مدت، در برابر شعار "کارگروهی مستقل" و "وحدت در عمل پس از یک دوره مبارزه" که از جانب سروهای از حزب سرده مطرح می شد، شعار "احیای سازمان های حزب طبقه کارگر ایران" را مطرح می کرد.

سایه خور کرد که این دو گزاشتن فقط در ریشه اشکال شکل با یکدیگر اختلاف دارند. جوهر اصلی اختلاف این ارزیابی تاریخی از می کرد که آیا حزب طبقه کارگر هنوز وجود دارد و باید همه عناصر طبقه کارگر حول آن متشکل و رهبری شوند؟ آیا همه عناصر و فعالین مارکسیستی باید حفظ نشی و سیاست واحدی در سراسر ایران و در تمام عرصه ها را بپذیرند؟ و با باید بهر محفل و گروهی که شکل می گیرد این آزادی داده شود که بزعم خود برای چنین استراتژی و تاکتیک و سیاست و شعار تعیین کند و حرکت را مستقل "آغاز کند؟" مساله اصلی در این اختلاف این است که آیا سیاست و تئوری بدون طبقه کارگر ایران و ساد رهبری کننده ای برای چنین کارگری و کمونیستی در ایران وجود دارد؟ یا دیگر این ساد وجود ندارد و منحل شده و از بین رفته است؟ اختلاف اصلی بهیچ وجه این نیست که آیا گروه های منفرد مارکسیستی، که در ایران شکل می گیرند باید قتل و ابعاد از یک پروژه فعالیت سیاسی با یکدیگر ارتباط سنگلانی بگیرند. مساله گری این است که این گروه ها آیا خط مشی و سیاست واحدی را که از سوی مرکز واحدی برای کل جنبش کارگری و کمونیستی تنظیم می شود بکار می گیرند یا خود مستقل "رای خود و جنبش سیاست و خط مشی و حتی تئوری وضع می کنند؟" حزب بوده ایران در همان سالها و یکبار هم در سالهای بعد تا کنون کرده است که منظور از احیای سازمان های حزبی این نیست که محافل مارکسیستی که در ایران شکل می گیرند باید همه بهم مربوط شوند و تریات لیس بر یکی از آنها موجودیت بقیه را هم در معرض خطر قرار دهد. منظور این است که جنبش کمونیستی ایران دارای مرکزیت هست یا نیست؟ و آیا این چیزی است که از سوی فعالین مارکسیست بدین گونه شود یا کار پیاده بود؟ راست این است که فضای بعد از شکست ۲۲ و ضربات سهمگینی که به جنبش استقلال ملی ایران وارد آمده بود، همراه با خرابی برخی از مسئولین طراز اول حزب و شورش و حسنی و سبب سیاسی های سببکن ارتجاع و سروهای ضد کمونیستی و تلاش لحام گسخته، آنان برای شکستن اعتماد نسبت به رهبری و انگار صلاحیت و معنی اتوریته آن، که در عین حال تحت تاثیر تشنه فکری فوق العاده ای که در رهبری حزب در فاصله سالهای ۳۴ تا ۳۹ عمل می کرد تقویت می شده است، سرانجام با نشان حد موثر واقع شد که از آستانه سال ۴۲ بعد، که نقطه عطفی در تاریخ جنبش انقلابی ما است، دیگر نفس، صلوات و صلاحیت کمیته مرکزی حزب بوده ایران سبب ارگان رهبری گسده جنبش کمونیستی میماند که می باید سهر خود به اشکال مفصلی فعالیت انقلابی همه عناصر، محافل و گروه های مارکسیست را زجر می کند، از جانب اکثریت گروه ها و محافل مدعی مارکسیست انکار می شود. در سالهای قبل از ۴۲ هنوز هیچ خط مشی و سیاست و تئوری دیگری جز آنچه که از جانب حزب بوده ایران عرضه شده و می شد وجود نداشت که بتواند محور شکل سروهای قرار گیرد که اعتمادشان به حزب و رهبری آن شکسته شده بود.

این گروه ها و محافل هیچگاه بطور جدی تا قبل از ۴۲ موفق نشدند از دور کوه عظیم "انتقادات" خود غمخیزی حزب توده ایران در برابر تئوری و سیاست حزب توده ایران بر گاهی ارائه دهند که نتوانند محل انوشه مسائل جنبش کمونیستی و کارگری ایران و استحکام صفوف و حلوص اندیشه آن باری رساند و با نتواند مسا و محور هدایت فعالیت و شکل فعالین مارکسیست قرار گیرد. جوهر اصلی شعار "کارگروهی" نه در "ایمنی" این شکل شکل که در نفی موجودیت رهبری جنبش کمونیستی و نفی موجودیت و همه دستاوردهای حزبی سهفته است که تئوری احیای عمل و سیاست آن همان تئوری و سیاست جنبش کمونیستی و کارگری ایران است. شعار کار گروهی شعار کسانی شد که صلاحیت رهبری حزب بوده ایران را نفی می کردند. کسانی که هیچ ارگان رهبری گسده دیگری هم نداشتند که عرضه کنند. شعار کار گروهی شعار کسانی بود که طریقه کارکنندگی جنبش کمونیستی و منلای شدن باقی مانده های حزب بودند. این شعار نبود طبقه کارگر نبود. این را تاریخ سراسر امروز سان داده است.

در شرایط سیاسی سه ساله از سالهای ۴۲ تا ۳۹ عموم محافل مارکسیست جهت گسرنی زسه های فعالیت خود شعار در ارگان های علنی و فانونی جنبه ملی ایران جلب کردند. از اواخر سال ۴۱ که چشم انداز اختناق واضحتر می گردید رفتاری با فعالیت محفلی خود را تا سطح فعالیت گروهی با مرکزیت و تشکلات معین ارتقا دادند. خالب است که تا این زمان هنوز در میان ارتقا بحث در باره مسائل تئوری، سیاست، تاکتیک جنبش و شکل مبارزه بطور جدی جریان نیافته است. هنوز جدایی مواضع ایشان از مواضع حزب توده ایران در زمینه مسائل متعدد مربوط به تئوری و سیاست و مسائل سازمانی شکل روشن بخود نگرفته است. هرچند که بی اعتمادی نسبت به مواضع حزب و صلاحیت رهبری در نظر ایشان تطمیع یافته است. تنها از این زمان بعد است که مواضع دیگری جز مواضع حزب توده ایران، که یگانه سنگری بود که با تکیا راه سترگ و صعبی که پیموده است می توانست درست ترین مواضع مارکسیستی را عرضه دارد، در محافل نو پای مارکسیست شکل می بندد و جدایی مواضع در مضمون فعالیت و وظائف کمونیست ها سز آشکار می شود. بر پایه این فکر غلط و سبار نوجندانه "برحاسته از شکست که خیال می کرد همه" محصول فعالیت جهل و بی عدالتی، کمونیست های ایران بر باد رفته است و هیچ چیز باقی نمانده است، این گروه ها خود را در موضعی می یابند که باید جنبش کمونیستی را از نو بنیان نهند و تمام نحارب جهل و جند ساله را از نو تکرار کنند، نه اینکه بر اساس همه دستاوردهای تئوری و علنی و تجربی همه کمونیست های ایران، سازمان های درهم شکسته شده

حزب را تعاست ناپدر بررس شکل ممکن احیا کنند. از سال ۲۲ بعد هر چه زمان می گذرد این فکر بیشتر در میان اکثر محافل و گروه های مارکسیستی نفوس می شود که نگاه شکل انبوهی و مور سازماندهی و عمل کمونیست ها در شرایط خاص ایران همانا شکل گروه ها و سازمان های مسلح و کارسب روس های فهدا میز مبارزه است.

دس سرب در فاصله سالهای ۴۲ تا ۴۹ حزبان جنبشی با آرمناحاه کمونیستی شکل می کرد که سدرج در زسه ناکتیک حسی کارگری و کمونیستی یعنی در باره شکل عمده مبارزه و شکل سازماندهی سروها مواضع دیگری، جز آنچه که حزب توده ایران تا آن زمان بر اساس درک لسی تاکتیک عمده و بر اساس آموزش های لنینیسم در باره نحوه شکل کمونیست ها و احزاب طراز بونین طبقه کارگر ارائه می داد، در پس می کرد و می گویند که این مواضع را به محور شکل و تشخیص همه جنبش کمونیستی ایران تبدیل نماید.

معرف رهبری حزب توده ایران و موفقیت سواک در دستبازی عیراس شکلات آن در ایران، که آنرا از انجام وظائف انقلابی اس در قتال سروهای تازه نفسی که بطور روزافزون به جنبش کمونیست ها می سوختن ار می دانست، همراه با سهاجم وسیع احزاب مائوئیستی در مقاس جهانی و همچنین سندن نشار و احتناق لسی که خود ناشی از حدت افس عاها بود سرب سرب سرب گردید مبارزه سروهای که با نمال مارکسیستی و عموما "برحاسته از انشار خرده روزنامه ها جامعه به جنبش انقلابی روی می آوردند سوی اسفغال از روی عتای فهدا سرب مبارزه حدت از توده کابالیره بود. سار حرانات فکری حب سروی سوب و سه تئوری های تحت عنوان "مشی مسلحانه" ملاک سحی عوب انقلابی مارکسیست - لنینیست ها کردند.

نام بوده ای که برای مدتی حدود ۳۵ سال در کل جامعه نگاه سال کمونیست سواحه می شد تا آثار شکل گیری جنبش چریکی در کنار نام "چریک های فدایی" معناه مدعیان جنبش "توین" کمونیستی قرار گرفت وظیفی حدت ان سازمان چریک های فدایی در سطح جامعه در انظار مردم معنوا برتر گرس سازمان کمونیستی ایران ساخته گردید. و این در حالی بود که "در آستانه اعتیای انقلابی، وضعیت حزب توده ایران چه از نظر نفوذ در توده ها، چه از حیث ترکیب کمی بسیار نامساعد بود" (۱۱) در آستانه انقلاب مردم و سوره سل حدت. کمونیست ها را همان فدائیان می ساختند.

طبق وسیعی از فعالین که در ده سارده سال اخیر به جنبش کمونیست های ایران سوخته اند، هنوز هم فکر می کنند جدایی و اختلاف جریان حدت که عدها با نام "چریک های فدایی" یا هواداران مشی مسلحانه ساخته شد تا حزب توده ایران با اختلاف بر سر تاکتیک جنبش کمونیستی که ماند فهدا سرب باشد و یا غیر فهدا سرب آغاز شده است. در حالیکه خود اس اختلاف نسخه اختلاف بسیار مهم و جدی دیگری بوده است که قبلا شکل گرفته بود. آغاز اختلاف و مبداء سیداش و شکل گیری جریان حدت نه در ارزیابی وی از شرایط و وضعیت سیاسی جامعه و بر اساس آن انتخاب تاکتیک مناسب برای جنبش کمونیستی، بلکه در ارزیابی وی در مورد شرایط و وضعیت خود جنبش کمونیستی و حد تکامل و دستاوردهای آن نهفته بوده است.

نقطه آغاز و عزیمت تمام جریان های که عدها معنوا "جنبش مسلحانه" و سپس با نام "چریک های فدایی خلق" شناخته می گردند اس مساله گرهی بوده است که آیا باید همه آنچه را که از مشروطیت بعد انجام شده، تمام راهی که حیدر جان آغاز و ارانی هوار کرده است و طی دو دهه بیگار مرگ و زندگی در زیر ضربات دشمن سن از شکست ۲۸ مرداد تا لیه پرتگاه سستی سن رفت است را نیست و نابود کرد و جنبش "توین" آغاز نهاد؟ و با باید با تمام سرو و با آخرس نفس ایستاد و سنگرها را حفظ کرد؟ تمام مساله با سجا از می گت که آیا باید موجودیت جهل و جند ساله جنبش کمونیستی و یکوس و تکامل سازمان، ساس و تئوری و بیوندهای انتراسیونالیستی آنرا کلی انکار کرد و اتوریس حزب را تقویت نکرد و به تنها قبول کرد، بلکه هر گروه و محفلی را وادانت در اندازند؟ و با باید جهت اصلی فعالیت هر عنصر صادق مارکسیست دفاع پیگیرانه از حزب و از همه دستاوردهای این سگار تاریخی و درگیری از همه شکست ها و خطاها باشد؟ تمام اختلاف از اسحا شروع شده است که آیا جنبش کمونیستی ایران حنجان حدی از تکامل رسیده است که از یک مرکز واحد رهبری شود و یا هنوز باید برای تکلیف محافل جوانان روشنگری که سازگی به جنبش می بودند صلاحیت رهبری جنبش کمونیستی و کارگری ایران را قابل نوبم که برای آن تئوری، سیاست، تاکتیک و نحوه سازماندهی ابداع کنند؟ و با می باید همه رهروان رهایی طبقه کارگر گرد همان مرکز واحدی گرد آید که محصول تکامل جنبش کمونیستی است و با انکا به مارکسیسم - لنینیسم با تمام سرو به تصحیح اشتباهات، زردودن انحرافات و پاکیزگی صفوف و تنگیم سوبد آن تا توده های خلق کمر ببندند؟ آیا می باید معتقد سمانند که حزب طبقه کارگر سنگر طبقه کارگر است و تا پای جان و تا به آخر این سگر را حفظ کنند؟ یا هر آنچه که از جنگ دشمن رهیده است را هم باید متفجر کرد و همه چیز را از صفر و حتی از زیر صفر از نو آغاز کرد؟

نگاهی به گفته "مسعود در این زمینه، که سالها همچون سخنی آسمانی میان چریک های فدایی تقدیس می شده است، با روشی حیره کننده ای روح بگوش جنبش چریکی به تاریخ جنبش کمونیستی میماند و وظائف سروها در قتال اس جنبش را توضیح می دهد. او با صبر جنس بیسان اعتراف می کند که جنبش کمونیستی ایران تا روزی که خود او به میدان آمده است فاقد هر نوع اندوخته، تئوریک و تجربی بوده و لذا کارها می باید از نو آغاز می شد. عبارت زیر عن کلام اوست:



دیگر کسی نمی‌توانست به‌شمارهای گذشته، بد شیوه‌های کهنه مبارزه و اشکال مهجور سازمانی اعتماد کند. حزب توده که در حیات خود حتی لحظه‌ای هم نتوانستید نمونه‌ای از یک حزب کمونیست باشد، حالا سازمان‌هایش از هم پاشیده، عناصر فدائیان سرکوب شده و رهبران خیانت‌کارش فراری بودند. این حزب نتوانست حتی برای مراحل بعدی مبارزه یک سابقه، تئوریک و تجربی فراهم کند. بدین ترتیب، در شرایط حقیقت‌انگیز و ترور، در شرایط شکست مبارزه ما، و در شرایطی که روشنفکران انقلابی عمدتاً "فاقد هرگونه سابقه" تئوریک و تجربی بودند، کارها باید از نو شروع می‌شد. پس جنبش نوین کمونیستی یا گرفت. تجمع ساده نیروها آغاز شد، هدف از این تجمع نه جمع‌آوری نیرو و تعرض دوباره بلکه تعمق در شرایط و پیدا کردن راه نوین مبارزه بود. در سالهای قبل از آن سازمان‌های بورژوازی و خرده‌بورژوازی وابسته به جبهه ملی در شرایطی که خیانت‌ها و شباهات حزب توده مالک‌الزنان سلب اعتماد کرده بود و هیچ روشنفکران انقلابی حاضر به همکاری با آن نمی‌شد، به‌شما تنها سازمان‌های سیاسی موجود قادر به جلب این روشنفکران انقلابی بودند" (۱۲).

این ارزیابی وحشتناک و چاره‌جویی‌هایی که ارائه می‌شود متعلق به فرد سعود احمدزاده نیست. این هسته اصلی تمام تفکر جریان توده است که فکر می‌کرد از گذشته هیچ چیز باقی نمانده، همه چیز نابود شده، نه تئوری وجود دارد، نه تجربه مبارزاتی، کارها باید از نو شروع شود، شیوه‌های مبارزه سابق "کهنه" شده‌اند و اشکال سازمانی آن "مهجورند" و حزب توده ایران "خیانت کرده است و روشنفکران انقلابی به دلیل همین "خیانت‌ها و اشتباهات" دیگر نمی‌توانستند به حزب اعتماد کنند. و با آن همکاری کنند و گریه‌آور اینکه گویا بعثت، خیانت نکردن! و اشتباه نکردن! جبهه ملی این روشنفکران بسوی آن جلب می‌شدند! اما نکته اصلی در تمام این ارزیابی‌های جنبش چریکی آن است که این جنبش رویگردانی خود از جنبش تاریخی موجود کمونیستی ایران و کنار نهادن همه تجارب و دستاوردهای آن را، که حزب توده ایران حامل آن بوده است - بحساب فقدان تاریخی این تجارب و دستاوردها می‌نویسند و البته این کار برای بدعت‌گذاری و زیر پا نهادن همه تجارب و سرازیر کردن مجدد تمام گرایش‌های غیر پرولتری در جنبش کمونیستی کاملاً "ضروری است".

موضوع بحث این مقاله پاسخ‌گویی به این باوه ارتجاع سباه سبت که حزب توده ایران را متهم به "خیانت" می‌کند، (انتباهی که متأسفانه مدتها از جانب گروه‌وسیعی از انقلابیون واز جمله در مقطعی توسط رفقای سازمان ما نیز بدان دامن زده شده‌است) موضوع بحث در اینجا آن است که بدانیم که اختلاف در تاکتیک و انتخاب شکل مسلحانه یا غیر مسلحانه مبارزه بی‌غبطه آغاز نهم نیروهای چریک‌فدایی و جدایی آنان از حزب توده ایران نیست. نقطه آغاز و عزیمت این نیروها صرافت ایشان در پیدا کردن راه‌های نوین مبارزه "همانا سلب اعتماد از حزب توده ایران و رهبری آن در مقام دستگاه رهبری کننده جبهه کمونیستی ایران و در اساس نفی موجودیت تاریخی این جنبش در عرصه ملی و چنانکه خواهیم دید در عرصه بین‌المللی بوده است.

این نکته قابل ذکر است که بین گروه‌مسعود و گروه بیزن که دو گروه اصلی بنیانگذار سازمان بوده‌اند در زمینه ارزیابی و نوع نگرش به تاریخ جنبش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن تفاوت نظرهای معینی وجود داشته است. گروه بیزن بر این تأکید داشته است که حزب توده ایران از سال ۲۵ تا ۲۷ بروسه تکامل خود را برای تبدیل شدن به حزب طبقه کارگر پشت سر نهاده است. این حزب از سال ۲۷ تا ۲۲ حزب طبقه کارگر ایران بوده است. (چون که: ۱- از ۲۷ بعد مارکسیسم - لنینیسم را رسماً پذیرفته و ترویج کرده است. ۲- از جانب جنبش کمونیستی جهانی این مقام او بر سینه شناخته شده است. ۳- با طبقه کارگر پیوند داشته و مبارزه کارگران را رهبری می‌کرده است.) لکن این حزب در دو ساله ۲۲ تا ۲۴ به وظایف انقلابی خود عمل نکرده است و زیر ضربات مهلک دشمن بتدریج متلاشی شده و پیوند خود را با طبقه کارگر از دست داده است. پس از این سالها ایران فاقد حزب طبقه کارگر بوده است. رفیق بیزن در سال ۴۶ تفرقه سیاسی نیروهای حزب و تلاشی سازمانی آن را مهمترین دلایل تلاشی حزب طبقه کارگر ایران بشمار می‌آورد. ارزیابی گروه بیزن در همین زمینه را بطور کامل نقل می‌کنیم. تا هم مقایسه جدیدتر میان طیف نظرات گروه‌های موسس سازمان در ارزیابی جنبش کمونیستی ایران بعمل آید و هم مبدأ حرکت جنبش چریکی شناخته تر گردد.

"عدم مقابله با کودتای ۲۸ مرداد باعث شد که حزب توده ایران از نظر سازمانی متلاشی و از نظر سیاسی دچار تفرقه و بحران بسیار شدیدی گردد که از صدر تا ذیل حزب را در بر گیرد. تا به آنجا که در سال ۱۳۳۶ کمیته مرکزی حزب در خارج از ایران بطور رسمی اعلام نمود که هیچگونه سازمانی در ایران ندارد. ولی بازمانده نیروهای حزبی درون شبکه‌های جدا از هم به فعالیت پرداختند. تعدادی از این شبکه‌ها با وجود انتقادات معین و مشخصی که به روش رهبری در ۲۸ مرداد داشتند، امیدوار بودند که تحریک ۲۸ مرداد و حوادث جهانی پس از آن به اندازه کافی رهبری را نگاه‌دارد و این امید تا سال ۱۳۳۸ ادامه داشت.

این سال که وقایع دوباره نشان داد که رهبری از درک وظایف انقلابی خود و انجام آن عاجز است تمایل بقرار گرفتن در زیر سانترالیسم کمیته مرکزی در این شبکه‌ها کم‌کم از بین رفت، بدین ترتیب در مجموع پس از ۲۸ مرداد شبکه‌های مختلف حزبی هیچگونه تمایلی برای پیوستن به سانترالیسم کمیته مرکزی از خود نشان ندادند. زیرا اصلاحیت و لیاقت رهبری عمیقاً زیر سوال قرار داشت. تفرقه و بحران سیاسی حزب خیلی بیشتر از تفرقه و بحران سازمانی آن که در زیر فشار شدید پلیس انجام می‌گرفت در احیای حزب بعنوان یک واحد که زیر سانترالیسم سیاسی و سازمانی رهبری قرار گیرد، نقش بازی کرد. زیرا در هیچ شرایطی پس از ۲۸ مرداد فعالیت شبکه‌های مخفی کمونیستی در ایران متوقف نماند و اگر ملا حیت رهبری زیر سوال نبود وحدت عمل این شبکه‌ها و تبدیل آنها به شبکه‌های حزبی بسیار آسان بود. این تفرقه شدید سیاسی در گذرهای حزبی و این بی‌ایمانی به ملا حیت سیاسی رهبری، مولود مستقیم عدم انجام وظایف انقلابی از طرف رهبری، باعث شد که

گذرهای بزرگی از حزب در عین حال که مجموعه حزب توده ایران را بعنوان حزب طبقه کارگر ایران قبول داشتند به فعالیت مستقل از رهبری که در خارج از ایران فعالیت داشت بپردازند. بدین ترتیب تفرقه سیاسی حزب موجب شد که مبارزه با رهبری از صورت مبارزه درون حزبی خارج شود. زیرا شرط اولیه مبارزه درون حزبی وجود جامعیت حزبی است که این جامعیت پس از ۲۸ مرداد هرگز بوجود نیامد و تمام طرح‌های کمیته مرکزی در ایجاد این جامعیت بدون حل مسایل گذشته و حل مساله رهبری و راه‌حلی‌های مبارزه گسسته با شکست مواجه شد و بدین ترتیب عرصه سیاسی ایران محروم از حزب طبقه کارگری شد که همه کمونیست‌ها را دور خود جمع داشته‌اند" (۱۳)

راست این است که حزب توده ایران که هر چند در سال ۲۴ بعد تمام سازمان‌هایش در ایران متلاشی و رهبری آن کلاً در خارج مستقر شده بود، متأسفانه در این سال‌ها واقعا دچار تفرقه و سنت فکری شدیدی گردیده است. مراجعه به تاریخ، گویای همین واقعیت است. رهبری حزب تحت تأثیر همین پدیده به مدت سه سال و نیم موفق نمی‌شود حتی یک شماره از ارگان مرکزی حزب را منتشر سازد. اولین شماره دوره جدید مردم نسبا در فروردین ۲۸ منتشر می‌شود و از نو برای بیش از یکسال مجدداً تعطیل و دومین شماره آن در اردیبهشت ۲۹ منتشر می‌شود. در فروردین ۲۸ کمیته مرکزی حزب در پیام به رفقای حزب در کمال صراحت می‌نویسد:

"پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رژیم کودتا قبل از هر چیز حملات سبانه خود را علیه کلیه نیروهای ملی و در درجه اول حزب ما و سازمان‌های توده‌های دمکراتیک متمرکز ساخت و با بکار بردن ددمنشانه‌ترین شیوه‌های ترور و آدم‌کشی از یکسو استفاده از ضعف تشکیلاتی این سازمان‌ها از طرف دیگر موفق شد ضربات شدیدی به آنها وارد سازد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که سنگر عمده و اساسی جنبش انقلابی کشور ماست، متأسفانه برای مقابله با چنین ضرباتی آمادگی نداشت و تحرک لازم را نیز به خرج نداد. و همین عدم آمادگی و عدم تحرک موجب شد که در این حملات موفقیت‌های بزرگی نصیب دشمنان خلق گردد. این شکست و عواقب آن سازمان‌های حزبی ما را دچار پراکندگی تشکیلاتی و عده زیادی از افراد حزبی ما را دچار تشقت فکری ساخت. اشتباهات سیاسی حزب در دوران گذشته نیز به تشدید این پراکندگی، کمک موثری نمود" (۱۴)

بروشنی بی‌بینیم که رهبری حزب در برابر واقعیت موجود و آنچه گذشته است قضاوت صریحی دارد. در اینجا مساله محوری این سبت که آیا اس ارزیابی واقع سبانه است و یا تحت تأثیر فشارهای خود انگیخته‌ای که از هر سو وارد می‌شد و بعلت عملکرد حدی از تسلیم در برابر این فشارها در آن اعراف شده است. مساله محوری موضعی است که رهبری حزب توده ایران در برابر این واقعیت اتخاذ می‌کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران در همین پیام تأکید می‌کند:

"... کوشش در راه ایجاد سازمان حزب توده ایران در ایران و تأمین وحدت فکری و تشکیلاتی در صفوف آن امروز مهمترین وظیفه هر فرد انقلابی کشور ماست. موقوف کردن انجام این وظیفه حیاتی به حل مسایل مورد اختلاف، اشتباه بزرگی است و صدمه شدیدی به پیشرفت کار حزب در آینده وارد می‌سازد. هر فرد حزبی بفرقی که با تشکیمات ارگان‌های بالای حزب موافقت نداشته باشد باید در راه عمومی حفظ و تحکیم واحیه سنگرهای حزبی، در راه ترویج نظریات و عقاید حزب، در راه شرکت در مبارزات خلق، تمام کوشش خود را بکار برد. تنها امکان برای اینکه رفقای که به نظریات خود عقیده دارند صحت آن را به اکثریت افراد حزب بقبولانند و آن را بصورت تصمیم حزب در آورند از راه احیای سازمان‌های حزب و تأمین حداقل بهم‌پیوستگی تشکیلاتی و ایجاد مقدمات عینی تشکیل‌کننده حزب می‌رسد. تشکیمات گنجره حزب است که می‌تواند به مسایل مورد اختلاف بطور قطعی رسیدگی کند و آن را حل و فصل نماید. ولی تشکیل گنجره حزب بدون حداقل احیای سازمانی میسر نیست. ... کمیته مرکزی از شما می‌خواهد که با حفظ نظریات خود در باره موارد اختلاف نظرها تمام قوا در راه انجام این وظیفه خطیر (احیای سازمان حزب و شرکت فعال در مبارزه خلق) گام بردارید" (۱۵)

اکنون که به تاریخ مراجعه می‌کنیم و یک بار دیگر تمام سیری را که حسس کمونیستی ایران از ۲۲ به بعد طی کرده است مرور می‌کنیم، همه آنچه که تاکنون بر ما و حزب گذشته است بروشنی ساس می‌دهد که چرا یگانه راه واقعا انقلابی و درست بوده است که رهبری حزب و سازمانی سبانهک طبقه کارگر ایران همان راهی بوده است که رهبری حزب توده ایران از سال ۲۸ به بعد مکرراً "نوصه کرده است. آری یگانه راه درست و انقلابی همان راهی بوده است که در این پیام بدان اشاره می‌شود. عدم تحقق آنچه درست است ساسی صحت آن سبت، واقعیت این است که متأسفانه سیر وقایع بعدی به در جهت تحقق رهنمودهای حزب که در جهت عکس آن جریان یافت. در سال‌های بعدی، حداقل تا نارسه سال بعد نه تنها هیچ یک از سازمان‌های حزب احیاء نشد، بلکه همان هم که باقی بود طعمه دشمن شد. با این همه اصولی‌ترین راه همانا سازهای بیکر در راه احیای سازمان‌های حزبی در سراسر ایران، تقویت اسحام و انضاط حزبی و فراهم آوردن حداقل شرایط برای رهبری حیل عظیم نیروهای سویا و تازه نفسی بوده است که در دهه چهل و سال‌های بعد بگونه‌ای رورافزون به حسس می‌پیوسته‌اند. جز این هیچ راه درست دیگری وجود نداشته‌است.

بیزن در اظهار نظر بیرومن و مصمیتی که حزب طبقه کارگر ایران در آن سال‌ها بدان دچار آمده بود، کارافرادی را که به "فعالیت مستقل از رهبری" و برای "مبارزه با رهبری" دست زده و راه حزب را ترک می‌کردند محکوم نمی‌کند. بیزن عمل این افراد را درست و ناشی از ضرورت معرفی می‌کند. بیزن روی بی‌ایمانی به صلاحیت سیاسی رهبری، انکست می‌گذارد و می‌گوید که این بی‌ایمانی ناشی از "عدم انجام وظایف انقلابی از طرف رهبری" حزب بوده است. ما امروز نمی‌توانیم با این داوری و این رهنمود موافقت داشته باشیم. مجموعه تجربه ۲۵ ساله اخیر نشان می‌دهد که در واقعیت امر این "بی‌ایمانی به

دراوه وحدت

از صفحه ۳۰

شرایطی که رفقای ما تصور می‌کنند که دیگر اصلاً هیچ چیز وجود ندارد، در بهار سال ۱۳۳۷ در برابر دزخیمان دادگاه نظامی رژیم شاه می‌گوید:

"من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینهام شعله می‌کشد، راه حزب توده ایران را برگزیدم و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم، همه تاروپود وجودم توده‌ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم. ممکن است من زنده نمانم و استقرار سوسیالیسم را در ایران با چشم خود نبینم ولی علم دارم که بزودی اوضاع تغییر خواهد کرد و اصول سرمایه‌داری منکوب خواهد شد. . . . حزب توده ایران به تصدیق دوست و دشمن، بزرگترین، اصولی‌ترین و مشکلگترین حزب دوران ۵۰ ساله مشروطیت ایران است. بزرگترین صفت مزیزه این حزب جنبه انقلابی آن است. حزبی است که بر حسب ضرورت تاریخ بوجود آمده، بر مبنای اصول علمی تشکیل شده و دارای تئوسوری و جهان‌بینی علمی است. حزب توده ایران این افتخار را دارد که قائم بر نیروی توده‌های ملت است و بخاطر منافع مردم تلاش می‌کند. و چون نیروی ملت‌ها بی‌پایان و زوال‌ناپذیر است، حزب توده ایران نیز زوال‌ناپذیر خواهد بود و ماموریت تاریخی خود را عمل خواهد کرد" (۱۶)

این درسها به ما می‌آموزد برای اینکه بار صدیق طبقه کارگر و مبارز بیکر انقلابی باشیم باید تمام ذرات وجود ما، همه فکر و نیروی ما، همه زندگی ما وقف جستجوی راهی باشد در برابر دشمنانی که جز نابودی حزب طبقه کارگر هیچ فکری در سر ندارند، از حزب خود، از راه خود، از راه طبقه کارگر که راه راستین راهی خلق است از پای جان دفاع کند؛ انقلابی واقعی و خدمتگزار راستین توده، نه در حرف که در عمل، کسی است که همه فکرش این باشد که در روزهای سخت دست یاران خود را رها نکند، از آینده مایوس نشود، صبح تابانک سوسیالیسم را ببیند و باور کند و باطلوع آن با ایمان انقلابی امید بندد. انقلابی ناپی‌گیر - آنکه ضعف‌های نیروهای خودی را بهانه‌ها کردن جنبش و نه تقویت آنها قرار می‌دهد از نیروهای خودی قویتر نیست. جنبش نیروهای بی‌ه از میان برداشتن ضعف و خطا و کجروی‌های جنبش و رهبری آن کتکی نمی‌کنند، آن را تشدید می‌کنند. جنبش نیروهای بی‌ه از خود متوجه باشند، چه نباشند جنبش ما را جلو نمی‌برند، بعقب می‌برند. جنبش نیروهای بی‌ه در بهترین حالت کسانی هستند که خود را برتر از همه یاران خود می‌یابند و فکر می‌کنند نه اشتباه می‌کنند نه ضعف دارند و نه ممکن است از راه طبقه کارگر بدور افتند. بهترین آنها کسانی هستند که فکر می‌کنند اگر حوشان را ترک نکنند و از نو شروع نکنند کار از پیش خواهد رفت. و این همان اولین، بزرگترین و خطرناکترین اشتباه، ضعف و انحراف از راه طبقه کارگر است.

*

امروز حدود دو دهه از سال‌هایی که مورد بحث ماست می‌گذرد. در این دو دهه جنبش چریکی با تمام ویژگی‌هایش که می‌شناسیم شکل گرفته و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران را پدید آورده است این سازمان طی بیش از یک‌دهه فعالیت انقلابی بلاوقفه خود امروز هستی متعالی خود را در کالبد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جلوه‌گر ساخته است. بیست سال پیش راه ما با جدایی از راه حزب توده ایران آغاز شد. ما در آن زمان تمام دستاوردهای نظری و عملی ۴۰ ساله جنبش کمونیستی میهنان و همچنین راه جنبش کمونیستی جهانی را نفی کردیم که خود از صفر شروع کنیم. ما امروز پس از سالها مبارزه بی‌امان و بی‌وقفه، به پیروزی‌های عظیم و غرورآفرینی دست یافته‌ایم. سازمان ما طی یک‌دهه فعالیت متد انقلابی و ایثارگانه علیه دشمنان خلق که لحظه لحظه آن با تکامل درونی سازمان توأم بوده است، امروز به راهی پیوسته‌است که در میهن ما با حیدرخان‌ها آغاز شد و با ازانی هافوزان گشت و با روزبه‌ها حراست شد. ما دیروز از همان خط سرخی جداگشته‌ایم که امروز به آن می‌پیوندیم. و هرگاه درک کنیم که دیروز بزرگترین شکست طبقه کارگر میهنان در بعد از مرداد ۳۲ تشتت فکری و پراکندگی سازمانی پیشاهنگ وی بود، امروز بهتر درک خواهیم کرد که چرا وحدت فکری و سازمانی پیشاهنگ طبقه کارگر یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین پیروزی‌های طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش میهن ماست.

"تجربه تاریخ، علم ما، ایدئولوژی ما، مارکسیسم-لنینیسم، به ما آموخته است که تا نیروهای پیشرو طبقه کارگر متحد نشوند دست در دست یکدیگر نگذارند، و در یک سازمان واحد گرد نیایند، وحدتی شکست‌ناپذیر و پولادینی نسازند، مطمئناً طبقه کارگر تشکل زنده و یکپارچه خود را باز نخواهد یافت. چگونه ممکن است چند دسته پیشرو وجود داشته باشد اما طبقه کارگر به‌مثابه گردانی متشکل و یکپارچه تشکل پیدا کند؟ این مسأله به ما می‌آموزد برای اینکه در راه تشکل طبقه کارگر مبارزه کنیم، می‌بایست در راه وحدت جنبش کمونیستی در یک "سازمان پولادینی مبارزه کنیم ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه مبارزه برای وحدت جنبش کمونیستی ایران پیگیریم. ما از مشکلات نمی‌هراسیم. ما می‌دانیم و درک می‌کنیم که این وحدت مستلزم مبارزه ایست پیگیر، اصولی و طبق نقشه، وحدت در راه وحدت با مبارزه در راه تفرقه متفاوت است. ما مبارزان راه وحدت جنبش کمونیستی هستیم. ما به این مبارزه خود افتخار می‌کنیم. ما در این مبارزه شیوه‌های ضد کمونیستی پیش نخواهیم گرفت. مبارزه با این یا آن گردان پیشاهنگ طبقه کارگر یک مبارزه ضد کمونیستی است. دود این مبارزه به چشم کارگران و سود آن به جیب دشمنان طبقه کارگر می‌رود" (۱۷)

بزرگترین افتخار و بزرگترین تهرمانی حماسی ما فدائیان در مجموعه راهی نهفته است که پشت سر نهادیم. بزرگترین افتخار سازمان ما آن است که همواره آگاهی ما بر اشتباهات و نقطه ضعف‌های ما بگونه‌ای غرور آفرین و شورانگیز توان ما را برای غلبه بر آنها افزون ساخته است. بزرگترین افتخار ما این است که در این یازده سالی که در یک سازمان متشکلیم هرگز در برابر

ملاحیت سیاسی رهبری "نیایدبانه در هم شکنی سازمانهای حزبی قرار گیرد، بسیاری را به انفعال و تسلیم وادارد و فعالیت راهم بسوی پراکنده‌ناری‌های بدون نقشه سوق دهد. این بی‌ایمانی خود ناشی از بی‌ایمانی به امکان دست یابی به وحدت فکری و سازمانی، بی‌ایمانی به امکان غلبه بر تشتت فکری و سازمانی و یا بزبان صریحتر بی‌ایمانی به امکان تحقق وحدت طبقه کارگر، بی‌ایمانی به پیروزی طبقه کارگر است که نیروهای سیاسی حزب را تسخیر کرده است. بیرواضاح است که نحوه عمل رهبری حزب طبقه کارگر در تشدید یا تخفیف این روحیه نقش کاملاً برجسمای دارد. زمانی که رهبری حزب به مدت پنج‌سال تحت تاثر شکست و ناملات خودبخودی نیروهای حزبی از انجام وظایف رهبری باز می‌ماند، می‌توان انتظار داشت که این "بی‌ایمانی" در نیروهای حزب رشد نکند. طبعاً باید انتظار داشت که چنین روحیاتی بوجود آیند و رشد کنند. انکار این واقعیت مکانی که درمان آن می‌کند، طبعی است که عدم انجام وظایف انقلابی از جانب رهبری در سطوح مختلف حزب، روحیه بی‌ایمانی نسبت به رهبری را در حزب پدید می‌آورد. اما آنچه بسیار مهم و کاملاً تعیین کننده است موضعی است که در برابر این پدیده اتخاذ می‌شود. آیا باید این واقعیت را پذیرفت و به آن تن داد و تسلیم آن شد؟ و یا باید سرسخانه علیه این واقعیت برای برهم‌زدن آن، برای نفی آن قدم به میدان گذاشت؟ انحلال‌طلبی محض است هرگاه کسی از وجود این پدیده درست بودن و حقانیت داشتن و یا ضروری بودن آن را نتیجه بگیرد. کسی که از وجود بی‌ایمانی نسبت به صلاحیت رهبری "به درست بودن" فعالیت مستقل از رهبری می‌رسد و می‌پذیرد که در خارج از حزب علیه رهبری مبارزه کند، قطع نظر از نسیاتی که دارد عملاً در جهت انحلال حزب و تشدید بحران موجود حرکت می‌کند. چنین عملی مسلماً "نه تنها به تاسف وحدت فکری و سازمانی حزب طبقه کارگر کتک نمی‌کند، بلکه مشخصاً در جهت عکس آن عمل می‌کند. تجربه تاریخی نیز مویذ این داوری است. آگاه‌ترین و مومن‌ترین نیروهای حزب، در چنین شرایطی کسانی هستند که بیشترین تلاش فداکارانه خود را در جهت احیای حزب، حفظ حزب، تحکیم موقعیت حزب و تقویت نفوذ و اعتبار آن بکار می‌برند. مومن‌ترین نیروها به آرمان سوسیالیسم نیروهایی هستند که لحظه‌ای هم یقین خود را نسبت به امکان غلبه بر تفرقه و بحران سیاسی حزب نمی‌دهند و از مبارزه بیکسر در راه "احیای حزب بعنوان یک واحد که زیر سانسور سوسیالیسم سازمانی رهبری قرار گیرد" دست نمی‌کشند. طبقه کارگر به چنین یارانی نیاز دارد. طبقه کارگر به نیروهایی که فقط در روزهای موفقیت و پیشرفت در راه وحدت جهاگک وی تلاش می‌کنند و در روزهای عقب نشینی و شکست منادی تفرقه و جدایی و تشتت صفوف پیشاهنگ می‌گردند کمتر نیاز دارد. (و این مسأله بویژه زمانی ابعادی خطرناک بخود می‌گیرد که جنبش دوسانی در موضع رهبری حزب وی قرار گیرد.) طبقه کارگر بیش از هر چیز به دوستانی نیاز دارد که در روزهای تیره و تاریک شبینی و شکست (قطع نظر از اینکه علت آن چه باشد) ایمان خود را نسبت به امکان غلبه بر مشکلات از دست ندهند، انضباط حزبی را بر بر با نسند و باور داشته باشند که مارکسیسم-لنینیسم و محکمیرومند؛ تجربه و زمان، یقیناً سرانجام (۲۵ سال زودتر یا دیرتر) وحدت فکری و سازمانی و صلاحیت رهبری را به حزب باز می‌گرداند. طبقه کارگر بیش از همه به یارانی نیازمند است که با تمام ذرات وجود خود با گوشت و پوست و خون خود، با تک تک سلول های خود درک کنند که خارج از حزب طبقه کارگر، حزبی که میراث‌دار تمام پختگی و تجربه کمونیست‌هاست، هیچ خبری نیست. تجربه ۱۱ ساله ما، این مجموعه تجارب تلخ و شیرین همین حد از تشتت فکری و سازمانی که در سه ساله اخیر سازمان ما وجود داشت، بطور قطع ما را مطمئن می‌سازد که کسانی که بعد از شکست ۳۲ از حزب خود نومید نشدند، راه آن را ترک نکردند و نه تنها به مبارزه با حزب تن نداده‌اند، بلکه استاده‌اند و در زیر شدیدترین حملات ضد حزبی با دشمنان موجودیت حزب مبارزه کردند، صدیق‌ترین و فداکارترین یاران خستگی‌ناپذیر طبقه کارگرند. امروز هر چه قدر زمان می‌گذرد، هر لحظه‌ای را که پشت سر می‌گذاریم قهرمانی‌های انسان که تسلیم نشدند و سنگر خود را حفظ کردند، در فضای جنبش ما عطرشور و ایمان و استواری بیشتری می‌افشاند. مرور کنونی ما بر نحوه نگرش نیروهای مومن سازمان و حتی شیوه برخورد کادرهای توده‌ای که هنوز بطور کامل از حزب نیریده بودند، به جنبش کمونیستی ایران و ارزیابی وضعیت آن و تعیین وظایف عاجلی که این نگرش و این ارزیابی قراربیشان قرار می‌داد، حاوی بهترین درسها برای ماست. این درسها به ما می‌آموزد که در لحظاتی که جنبش ما در شرایط دشواری قرار می‌گیرد، در شرایطی که سخت‌ترین فشارها و ضربات دشمن بر بیکر جنبش ما با اشتباهاتی که همواره ممکن است رخ دهد و اگر حزب ضعیف باشد حتماً رخ می‌دهد درهم می‌آمیزد، زمانی که دوره عقب‌نشینی و شکست است. در شرایطی که ما کمونیست‌ها بیشترین نیاز را به حفظ وحدت صفوف خود داریم، زمانی که باید همه‌بازو در بازوی هم اندازیم، محکم باشیم و فکری به حال حفظ جنبش کنیم، همه دشمنان طبقه کارگر، که همواره می‌خواهند ریشه جنبش ما را از دل جامعه بکنند، با اتکا و با بهره‌گیری از مجموعه ضعفهای جنبش ما بیشترین تلاش خود را بکار می‌برند که مجموعه نیروهای گردان پیشاهنگ طبقه کارگر و بویژه طیف رهبری آن را چنان زیر فشار قرار دهند که در حقانیت تاریخی خود تردید کنند و یا از ادامه راه مایوس شوند. سالها به بحثهای دشمن شادکن و حزب نابودکن نشینند. صلاحیت و لیاقت حزب را زیر علامت سوال برند و انبوه کادراها و اعضای صادق حزب هم در این خیال فرو روند که "فعالیت مستقل از رهبری" سود بیشتری برای جنبش دارد و فعالیت برای یاری دادن حزب برای غلبه بر دشواری‌ها برای جنبش سودی ندارد. این روحیه - که متأسفانه تا حد معینی در میان بخشی از رهبری حزب هم شیوع یافته بود - روحیه امید و استواری انقلابی نیست. رسیدن باین نتیجه که دشمن موفق گردیده است تمام دستاوردهای یک جنبش چهل‌ساله را نابود کند و هیچ چیز باقی نمانده است، هرگز یک نتیجه‌گیری واقعی نیست. این انحلال‌طلبی محض است. این نتیجه‌گیری در عمق خود حاوی بدترین شکل یک یاس تاریخی - طبقاتی است. در اینجا برای ماسیاز آموزنده و بحاست به سخن رفیق خسرو زوییه، شهید همه یاران راستین خلفان باز گردیم که یک سال پس از آنکه رهبری حزب در خارجه اعلام می‌کند که هیچ سازمانی در داخله ندارد، درست در همان

درواه وحدت

ما در راه وحدت قدم نهاده‌ایم و بغیر نداریم که در این راه پیروزی‌های آینده
سورانگیزتر از گذشته است. این قانون زندگی است.

- ۱- سوسالیم واقعا موجود بورس سوماریف ۱۹۷۸
- ۲- معدرات تاریخی آمورس کارل مارکس، لنس ۱۹۱۴
- ۳- ر.ک. به‌اغلاهی گری حردیه‌پورزواری، بورس لنس، ۱۹۷۷
- ۴- چهل‌سال در سکر مبارزه: ن. کیانوری ۱۳۶۵
- ۵ و ۶- همانجا
- ۸- مسایل جنسی‌های رهایی‌بخش - سیزن ۱۳۴۴
- ۹- ر.ک. استفاد و استفادار خود م. ف. جواسیر ۱۳۶۵
- ۱۰- حرب طبقه کارگر در ایران - سیزن ۱۳۵۲
- ۱۱- صلح و سوسالیم، نورالدین کانسوری یوامر ۱۹۸۱
- ۱۲- سعود - ص. ۱۳، ۱۳۲۹
- ۱۳- مسایل جنسی استعماری و آزادی بخش خلق ایران، سیزن ۱۳۴۴
- ۱۴- مردم، دوره پنجم شماره اول فروردین ۱۳۳۸
- ۱۵- همانجا
- ۱۶- زندگی‌نامه و دفاعات حسرو روزه اردیبهست ۱۳۳۷
- ۱۷- سخنرانی در میدان آزادی - حسن اول ماه مه - فرج‌نگهدار ۱۳۶۵
- ۱۸- درباره مقاله ترسیدی، کار ۹۷ - سپهر ۱۳۵۹

۳۱ صفحه
عناصر مردم، مرلرل، سب عنصر و کج فکراتی که آنان را ساحت‌ها هم
سلب شده‌ام. ما افکار می‌کیم که در تمام طول حیات سازمان همواره
سایح هم، چمکن و وفاداری به آرمان‌های انقلابی خود را سماع گروهی و
بوفت سازمان رحمان نهاده‌ایم. ما آموخته‌ایم که همواره در برابر چمکنان
فداکار و در برابر دشمنان خلق اسوار و سلم باید برنام. صداقت ما در
برخورد با سراط توب و سعی که‌داسه‌ایم و عرم فاطع ما در طرد آنان که
گوسده‌ات سازمان ما را به قهراسوی دهند مایه ماهات سازمان ماست.
سربست کسانی که راه خود را از ما جدا کردند بهترین گواه این داوری است. و
سازخه این مایه سرافرازی همه ماست که در این بکالفا حورسزیمتانی که در
دشمن سائکرد اعلام موجودیت سازمان نهاده‌ایم، به آنچه که در ۱۹ بهمن
۱۳۵۹ آرزو کرده‌ایم، وفادار مانده‌ایم. در آغاز دومین دهه حیات سازمان ما آرزو
کردیم.

که هر لحظه از دومین دهه حیات افتخار آفرین سازمان ما با کوشش‌های
پیکرش در جهت تامین وحدت جنبش کمونیستی ایران براساس مارکسیسم-
لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری برجسته گردد.^{۱۸}
براساس کسانی را که سب سرنهاده‌ایم گواه آنست که ما به این گفته وفادار
بوده‌ایم. براساسی که هر لحظه از یازدهمین سال حیات سازمان ما با کوشش‌های
سکرس در راه وحدت کردان‌های سناهنک طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران
و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برجسته بوده است.
آنکون دهمین سال را آغاز می‌کیم. این سال سیز بهمان ادامه
سکسر همان راهی است که سال پیش پیمودیم.

پایان روزهای پراکندگیست برگردید!

در سکر مقابله، در جبهه‌های سنگ
چشم کدام کس
آواز باره‌پار و قلب تو را ندید
چشم کدام کس
جان تو خسته نیست
اما
بر جان تو خراش جدیدی ست
از فتنه دوباره و اما ندگان راه
راهی چنین بزرگ
راهی که در حماسه و خون و امید خلق
قصد راست می‌کنند
و ان رهروان جنبش خلقی بزرگ را
تا باغ پرشکوفه مقصود می‌تزد
هر چند در کشاکش این راه پرامید
یاران خستهای
با رای خفتگان بدآموز
پیوندهای قلب تو با باغ سرخرا
در راستای روشن فردای سربلند
ساور نمی‌کنند
اما صدای تو
پرشور و پرخروش و مصمم تر می‌گوید:
یاران با مانده!
تا انتهای راه

چیزی نمانده است
پایان روزهای پراکندگی ست
ببرگردید
پیروزی خجسته بسیار دیگری
در پیش روی ماست
آغوش مهربان من اینک
گسترده و شگفته‌تر از پیش
در انتظار لحظه پیوستن شماست
امروز با ترانه پیروز خلق خویش
ما آبروی عشق جهان نیسم

از جنگل حماسه و ایثار
تا انقلاب خلق
قلب بزرگ و پرغش تو
با روزهای روشن آینده می‌طیید
نسلیم ناپذیر
همراه انقلاب
در سکر مبارزه با دشمن
آواز ر هگشای رهایی را
خواندی و آمدی.
هر چند در کشاکش طوفان
انمود بادهای مخالف
- این دشمنان راه -
این گشتی شاور دریای سرخ را
یک چند از صداقت راهی که می‌سپرد
آنکونه دور کرد
اما سرشت تو
امواج سربلند خروشان خلق را
در پیش روی داشت.
وز رهنمود روشن دریا دلان پیر
از بادهای هرز مخالف
اینکونه دور گشت
تا ساحل خجسته امروز
روشن تر از همیشه قد افرازد
در چشم‌های ما
یار عزیز من!
رومنده منافع زحمتگشان خلق!
در راستای وحدت و تحکیم انقلاب
قلب کدام کس
آواز عاشقان تو شنیده است؟
در جنبه‌ها تو کیست
همراه کارگر
دست تو کار کرد
همراه با ترانه رنج زن برنج
رنج تو می‌شکفت



از صفحه ۶

بلورینی خود مقدمه تشکیل نیروهای جنبه متحد صداغقلاب را حسن رسم کرد :

" بعد از سخنرانی ۱۷ شهریور که ایشان موضعش مشخص شد آن نیروهای واقعی مردمی از ایشان جدا شدند . نیروهای طالعبد ایشان پیوستند "

(کیهان - ۱۷ تیر ۱۳۶۵)

این گروه به همراهی رهبری محاهدین خلق رنجبر ، سگار ، اکتب و ... البته ساواکیها و سلطططلبان احرای موطنه هعم را از سب ۱۶ آبان ۱۳۵۹ آغاز کردند .

دستگیری قطبزاده - آغاز توطئه لبرالها

شب ۱۶ آبان ، سمای جمهوری اسلامی ایران (سکه دوم) مصاحبه با صادق قطبزاده و محمد مبلعی را بحسن کرد . در این مصاحبه مبلعی رسیدهترین لحن همه ارگانهای انقلاب و دساوردمای آن مورد حمله فرار گرفت و ایران بسوری احیایزده بصور شد .

روز ۱۷ آبان روزنامهها نوشتند کسه دادستانی انقلاب صادق قطبزاده را دستگیر کرده و مبلعی را تحت تعقیب فرار داده است . به دنبال این دستگیری روزنامههای لبرالی - میزان کیهان بزدی انقلاب اسلامی - زیر برجم دفاع از آزادی به جنجال برداختند و تمام صفحات آنها بر سد از تکرار حرفهای قطبزاده در تلویزیون و حتی کار به آنجا رسد که مریحا نوشتند :

" صدای پای فاشیسم می آید "

روز ۲۵ آبان قطبزاده آزاد شود و خودشی مدعی شد که به فرمان امام آزاد شده است اما دادستانی انقلاب با انتشار تعهدنامه او فاش کرد که با تعهد آزاد گردیده است .

آزادی قطبزاده آغاز توطئه بزرگ لبرالها علیه انقلاب ایران بود . ابتدا در بازار تهران به کارگردانی سرمایه داران گرداننده حزب خلق مسلمان یک سخنرانی برگزار شد و سپس یک سری سخنرانی از طرف دفتر هماهنگی با رئیس جمهور ترتیب داده شد . تم اصلی همه این سخنرانیها حملات شدید به خط امام ، روحانیت مبارز ، سازمان ما و حزب توده ایران زیر پرچم آزادی بود .

دنباله توطئه به شهرسانها کشیده شد . احمد سلامندان در مشهد سخنرانی کرد و به دنبال آن گروهی عکس آنتالله منتظری را پاره کردند و سپس به دادن شعار علیه روحانیت مبارز پرداختند . به دنبال مشهد در قم و اصفهان گروههای مسکوکی به راهبهای برداختند . روزنامههای لبرالی اس اخبار را با جنجال منتشر کردند . بار دیگر صداغقلاب زیر پرچم آزادی سنگر گرفته بود .

سازمان ما و حزب توده ایران هدفهای این جنجال را فاش کردند . ما گفتیم :

" دعوای بازگان ، قطبزاده ، صباغیان و دیگر شرکای آنها با جمهوری اسلامی دعوای نمایندگان خط سازش است با جناحهای ضد امیرالایست جمهوری اسلامی . نباید گذاشت لبرالها و دیگر نیروهای مورد

حمایت امیرالایسم بیش از این مردم را بغربیند و مردم را علیه منافع مردم بسیج کنند " (کسار شماره ۸۴ - ۲۱ آبان ۵۹) و حزب توده ایران نوشت :

" تضعیف روحانیت مبارز یکی از وظایف کارزار تبلیغاتی امیرالایسم است " (نامه مردم - ۲۵ آبان) امام خمینی هم طی سخانی در روز ۲۵ آبان گفت :

" می خواهند با جدایی روحانیت از مردم با یک کودتا کار را تمام کنند "

به دنبال این سخنان به نشانه حمایت از حجتان امام باارزهای اصفهان ، تبریز ، قم و تهران تعطیل شد و مردم در اجتماعات عظیم توطئه دشمن را محکوم کردند .

با اینکه امام در سخنان خود بار دیگر مسئولان کشور را به وحدت دعوت کرد و از آنها خواست در شرایط حساس کشور سکوت کنند ، دامنه اختلافات با سخنان رئیس جمهوری در روز عاشورا دامن زده شد . بنی صدر در این روز شدیداً به جناح مخالف حمله کرد و درباره وجود شکنجهها در زندانها و نبودن آزادی سخن گفت .

در همین روز افراد ناشناس به دفتر روزنامه " میزان " در تهران و " کانون ابلاغ اندیشههای شریعتی " در مشهد حمله کردند . توطئه امیرالایسم همه جانبه بود . حوادث آدرماه نشان داد آنچه از ۱۷ آبان آغاز شده یک برنامه دقیق سازمان یافته بوده است .

حوادثی که بعد از دستگیری صادق قطبزاده آغاز شده بود ، در اواسط آذرماه به رنجبرهای تبدیل شد که حلقههای مختلف آن در ارتباط

شکاتنگ با یکدیگر اجراء می شدند . هماهنگی توطئهها نشان داد که در داخل و خارج زمینه جینی برای " انجام توطئه هفتم امریکا علیه انقلاب ایران آغاز شده است " از اواسط آذر ، سخنرانیهای " دفتر هماهنگی " به راهبهای گروههای خند صد غری در شهرهای مختلف تبدیل شد . محور اصلی همه سخنرانیها و راهبهایها تضعیف رهبری انقلاب بود . از روز ۱۵ آذر با طرح تئوری " الفای ایدئولوژی " در روزنامه انقلاب اسلامی اجرای یکی دیگر از حلقههای توطئه صداغقلاب که آغاز شده و درست مانند روزهای قبل از ۲۸ مرداد ردن رحبب کومنیسی به سروهای انقلابی مسلمان به صورت یکی از موضوعهای اصلی تبلیغات لبرالها درآمد . به دنبال آن توطئه اعسان در مدارس آغاز شد . روزهای آخر آذر با اوج گیری تبلیغات صدسوروی به سهانه لپسان حلقه خارجی توطئه هعم هم به حلقههای داخلی آن وصل شد .

در پاسخ این توطئهها ، بودههای خلق در اواسط آذر به حرکت درآمدند . بازارهای خند شهر بزرگ تعطیل شد . در اصفهان مردم خواهان اخراج احمد سلامندان از مجلس شدند . به دنبال امسای توطئه خند صداغقلاب ، موج اعتراض از سراسر کشور برحاست و روزنامه ۲۷ آذر برای راهبهای پیشانی از امام خمینی در همه نقاط کشور تعین کردند . روز چهارشنبه ۲۶ آذر رهبر انقلاب با انتشار اعلامیه راهبهای اس روز را لغو کردند . بعد از لغو اس راهبهای گروهکهای صداغقلابی و بصوره رهبری خائسن محاهدین به ایحاد درگیری و آتوب در سراسر کشور برداختند .

در حسن جوی سلطکرد انقلاب فرارسد .



بنی صدر فراری در اجرای نقشه برزیسکی ، در این روز ، حملات خود را بروی اتحاد شوروی و سازمان‌های اصیل جنبش کمونیستی ایران بخصوص حزب توده ایران متمرکز کرد و نامی هم از امریکا نبرد . این سخنرانی آغاز حملات جدید جبهه واحد ضدانقلاب به رهبری بنی‌صدر برای اجرای نقشه پهنی گفته بود .

اسفند ۱۳۵۹ : جنجال دانشگاه

سال برحادثه ۱۳۵۹ با ماه جنجالی اسفند پایان گرفت . در این ماه جنجال وسیع لیبرالها که از روز ۲۲ بهمن آغاز شده بود گام به گام گسترش یافت . سخنرانی روز ۷ اسفند درامجدیه یکی از نقاط اوج این جنجال بود . لیبرالها در این روز به شدت به دولت ، انقلاب و فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران حمله کردند . حتی یک شعار علیه امریکا در این مراسم داده شد . اگر مسیگ صدانقلابی امجدیه توانست جو را عوض کند ، و مساله دیگری را جانشین امریکا و حکم برافروختن از جانب رژیم صدام کند . گردهم‌آبی دانشگاه تهران کاملاً به این امر دست یافت . با آغاز سخنرانی بنی‌صدر مخالفان که در جمعیت‌های کوچک متمرکز می‌بودند ، به دادن شعار پرداختند . در اواسط سخنرانی بنی‌صدر دستور حمله به مخالفان را داد بعد از فرمان گروه‌های متکلی از میان جمعیت همراه با کارد رئیس‌جمهوری به مخالفان حمله کردند . سپس کارت‌هایی که گفته می‌شد از جیب مخالفان به دست آمده به جایگاه برده شد و رئیس‌جمهور اعلامی آنها را خواند . فرائت اساسی ، این نتیجه را الفاء می‌کرد که همه آنها متعلق به نهادهای انقلابی مانند ساه پاسداران کمیته‌ها ، بسیج و ... همد و این آغاز جنجال عظیمی بود که مساله " حقایق داری " را جانشین همه آن مسائل مهم کشور کرد . در ارزیابی از حوادث دانشگاه در کسار شماره ۱۵۱ نوشتیم :

" حوادث دانشگاه بار دیگر نشان داد که نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری ایران و همه متحدان ریز و درشت امپریالیسم برآوند به هر وسیله‌ای شده ، نیروهای خط امام را تضعیف کرده و سیاست نزدیکی با امپریالیسم را در حکومت غالب سازند "

کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز حوادث دانشگاه را چنین ارزیابی کرد :

" اجتماعي که در روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در تهران به مناسبت سالروز درگذشت دکتر مصدق تشکیل شد و حوادث ناگواری که در همان روز در تهران و روزهای بعد در تهران ، مشهد ، لاهیجان و ... روی داد ، بار دیگر نشان داد که توطئه هفتم امپریالیسم امریکا در حال اجراست "

(نامه مردم ۱۷ - اسفند ۵۹)

از ۱۵ تا ۲۵ اسفند جنجال‌ها به وسیع‌ترین شکل بالا گرفت . همه در انتظار اظهارنظر امام و حل مساله بودند . در آخرین ساعات شب دوشنبه بیست‌ونهم اسفند سیمای جمهوری اسلامی ایران ، فیلم سینمایی را قطع و بیانیه امام را پخش کرد . در بیانیه ۱۵ ماده‌ای اصنام از همه مسئولان و نهادها خواسته شده بود برای

حفظ آرامش بکوشند و قانون اساسی را رعایت کنند . در این بیانیه ضمن ممنوع‌شدن سخنرانی برای مقامات مسئول کشور تا پایان جنگ ، اعلام شده بود که یک هیئت سه نفری مأمور رسیدگی به اختلافات می‌شود . و به این ترتیب جنجال بزرگ اسفند با بیانیه هشیارانه رهبر انقلاب فرونشست . صدور فرمان ۱۵ ماده‌ای اصنام خمینی در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۵۹ توطئه گسترده ضدانقلاب را برای ایجاد درگیری و آشوب که گام به گام پیش می‌رفت ، متوقف کرد . از این پس تا ۶ فروردین در فعالیت‌های ضدانقلاب و قهقاری حاصل شد . با ایجاد درگیری در این روز در چالوس مرحله تازه‌ای از فعالیت‌های ضدانقلاب آغاز شد . حوادث بعدی نشان داد که ضدانقلاب اجرای یکی از نقشه‌های سه‌گانه امپریالیسم برای نابودی انقلاب ، یعنی نقشه هیک را در دستور روز قرار داده است

درگیری‌های خیابانی در دستور روز قرار گرفت . حوادث بعدی نشان داد که ضدانقلاب بر دو عامل در درگیری‌ها تاکید داشته است : اول - کشتن یک یا چند نفر در هر درگیری دوم - تسلسل‌بخسیدن به درگیری‌ها به بهانه برگزاری مراسم شهدا و کشتن افراد تازه در هر یک از این مراسم . به این ترتیب ضدانقلاب کوشید تشنج را گام به گام گسترش دهد و علاوه بر ایجاد درگیری ، فرمان امام و تلاش نیروهای خط امام را برای استقرار قانون در سال ۶۰ بی‌اثر کند . ضدانقلاب با استفاده از نیروی وسیع مجاهدی که به خاطر خیانت رهبری آن در دام افتاده بود ، فعالیت خود را از ۶ فروردین در چالوس آغاز کرد .

درگیری‌های خیابانی در سوا ، رامسر ، کنالم ارومیه ، چالوس ، بروجرد ، زنجان ، قزوین ، و همدان ، روستاهای داراب ، اصهبان ، دانشگاه تهران ، ادامه یافت و در درگیری‌های قائم‌شهر و آمل به اوج خود رسید . مجاهدین که در اغلب حوادث یادشده از فعالین مور بودند با کشته‌شدن چهار تن از هواداران شان به فعالین اصلی بدل شدند . اکنون دیگر سازوی ضدانقلاب از " جیب " و راست چنان مجاهدی را به دام کشیده که همه عناصر ضدانقلابی به آسانی می‌تواند در تله نام " مجاهد " سنکر بگیرند .

از جبهه انقلاب ، از همان زمان صدور فرمان ده‌ماده‌ای امام ، تلاش برای استقرار قانون آغاز شد . اعلامیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب که در آن برای اولین بار برخورد دست به ۱۵ ساله آزادی‌های سیاسی شده بود ، گام نخست در این زمینه بود و سپس بیشتر مقامات مسئول در سخنان خود مضمون اعلامیه ۱۵ ماده‌ای را تکرار کردند . با نزدیک‌شدن روز جهانی کارگر و در پیش بودن مراسم ، تلاش وسیعی از جانب دادستان کل انقلاب و وزیر کشور برای استقرار عملی قانون دیده شد . به مراسم " انجمن همستگی سنجیکها و شوراهای تهران " و سازمان‌ها اجلاس : رسمی داده شد . رادیو و تلویزیون اعلام کردند که مراسم فدائیان قانونی است و دولت مراقبت از آن را تضمین می‌کند . اما ضدانقلاب به تلاش خود برای ادامه نقشه هیک ادامه داد . صبح روز ۱۱ اردیبهشت مائوئیست‌های امریکایی " پیکار " و جنبه‌های اقلیت کوشیدند بخشی از شهر را به تشنج بکشند ، اما از آنجا که این گروه‌ها دارای نیرویی نیستند ، با همه سعی راست افراطی از جانب مقابل تشنج وسعت نگرفت . ضدانقلاب برای جبران این شکست همه نیروی خود را علیه مراسم سازمان ما بسیج کرد . برهم‌زدن این مراسم برای لطمه‌زدن به حیثیت دولت و اثبات این امر که گویا دولت قادر به استقرار قانون و امنیت

نیست ، برای ضدانقلاب اهمیت فراوانی داشت با آغاز مراسم ضدانقلاب سازمان داده‌شده متشکل از ساواکی‌ها ، رنجیری‌ها ، پیکاری‌ها و عناصر قشری زیر شعار " حزب فقط حزب‌الله " حمله بی‌سابقه‌ای را به جمعیت آغاز کرد . حملات چند بار توسط پاسداران دفع شد ، اما با ترتاب سهرابی به میان جمعیت که سبب قتل چند نفر و مجروح‌شدن عده زیادی شد ، مراسم بهم خورد

تضادهای شدت می‌یابند

در آغاز هفته دوم اردیبهست تضادهای دو جناح عربیان و عربیان‌تر شد و از جارجوب فرمان امام خمینی خارج کردند روز ۱۳ اردیبهشت هیئت سه‌نفره حل اختلافات که به فرمان رهبر انقلاب تشکیل شده و در آن وحجت‌الاسلام محمد بردی ، آیدالله مهدوی کنی و وحجت‌الاسلام اسرافعی عضو بودند تلاش وسیعی را آغاز کردند .

درگیری‌ها برای اجرای نقشه امریکا همچنان ادامه یافت . در تمام این مدت سازمان ما و حزب توده ایران به همراه دیگر نیروهای جبهه انقلاب از استقرار آرامش منکی به فائوس دفاع کردیم . خیردرگیری‌های وسیع در کرج ، قزوین و قائم‌شهر در روزنامه‌ها منتشر شد . در همس روز سخنگوی هیئت سه نفره در اشاره به مخالفت بنی‌صدر با مصوبه مجلس گفت :

" هیچکس نمی‌تواند مصوبات مجلس و شورای نگهبان را خلاف قانون بداند "

بنی‌صدر و روزنامه انقلاب اسلامی به آنس درگیری‌ها می‌دمدند . روزهای ۱۹ تا ۲۲ اردیبهست در حالیکه در شهرهای مختلف حمله همدان ، زاهدان ، و سفر درگیری ادامه داشت رهبری حاشی محاهدین ملان ، امای به رهبر انقلاب ، در عین سبند به تمام مسلحان ، کس تکلف کرد . حوادث به این داد که این بهامای بود تا مجاهدین از حرس مواقع برای آغاز مبارزه مسلحانه بپردازند . رهبر انقلاب در پاسخ رهبری محاهدین اعلام کرد :

" تنها به قوانین اسلام سر بگذارید ، گردن فرو بیاورید و در کشور اسلامی ما همد شما را می‌پذیرند و من هم که یک طلبه هستم با شما حاضر در یک جلسه ، نه در یک جلسه ، در دهها جلسه با شما بنشینم و صحبت کنم "

امام از رهبری حاشی محاهدین حواسندنا مسلحان را زمین بگذارند . رهبری حاشی محاهدین خلق نزدیک به ۱۵ روز بعد به سخنان امام جواب داد آنها در نامه‌ای برای بنی‌صدر نوشتند :

" با حفظ نقطه‌نظرهای عقیدتی و سیاسی خود تذکار مجدد مسئولیت‌های تاریخی حضرت آیت‌الله خمینی ، نظر ایشان را گردن می‌گذارند ، مشروط به اینکه شما (آقای رئیس‌جمهور) به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی و مسئول اجرای قانون اساسی " اجرای تمام عیار و همه‌جانبه قانون و تشریح آن به همه قوای کشور را که تنظیم روابط آنها در عهده مسئولیت شخصی شماست عملاً تضمین و اعلام بنمائید "

(انقلاب اسلامی - ۳۱ اردیبهست ۶۰)



روز ۱۶ خرداد محمد جعفری مدیر مسئول روزنامه انقلاب اسلامی به دادسرای انقلاب یزد احضار شد. در همین روز مردم مانع سخنرانی دکترابراهیم یزدی در شیراز شدند.

سقوط بنی صدر

روز ۱۷ خرداد وقتی روزنامه‌های انقلاب اسلامی و میزان به حق و نامه مردم به ناحق توقیف شد، همه چیز نشان می‌داد که با سقوط بنی صدر چند روز بیشتر نمانده است. بعد از تعطیل ارگان لیبرالها بنی صدر در پیامی اعلام کرد:

" غول استبداد می‌خواهد بار دیگر حاکمیت خود را تحمیل کند. او وعده داد که پیام و کارنامه رئیس‌جمهور به شکل اعلامیه و نوار و ... پخش خواهد شد. روز ۱۹ خرداد امسام خمینی در واقع سرنوشته او را تعیین کردند:

" با اشخاصی که در مقابل مجلس و دادستانی صف‌آرایی کنند، آن خواهیم کرد که با شاه گردیم

صدانقلاب با برآوردن تظاهرات موضعی می‌کشید ضربه خورده را جبران کند. در این رابطه کمیته مرکزی سازمان ما برای خنثی‌سازی آخرین ناکتیک جبهه صدانقلاب سرکردگی امریکا، طی اطلاعیه‌ای از مردم خواسته بود:

" از گوشه‌های امسام خمینی در راه حفظ آرامش و اجرای قانون اساسی حمایت کنیم. در تظاهرات غیرقانونی شرکت نکنید (اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان - دوشنبه ۱۸ خرداد)

۲۵ خرداد ابوالفضل مهدوی‌کنی وزیر کشور اعلام کرد: " دفتر هماهنگی قانونی نیست مردم در تهران و شهرستان‌ها دفاتر هماهنگی را اشغال کردند. آنها درحالی‌که توطئه گروهکهای صدانقلاب را درهم می‌شکستند شعار می‌دادند:

— همسنگر بختیار رای ما را پس بیاور
— تا مرگ شاه دوم از پا نمی‌نشینیم

روز بعد امسام خمینی بنی صدر را از فرماندهی کل قوا برکنار کردند. بقیه در صفحه ۴۲

بپذیریند ولو برخلاف رای شما باشد. شماها به بن بست رسیده‌اید مملکت اسلامی به بن بست نمی‌رسد... شما ایستاده‌اید تا پای اینکه ایران نباشد، بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل بشود

دو روز بعد - ۹ خرداد بنی صدر در شیراز گفت

" مرا از محاکمه مترسانید این محاکمه خودانقلابی در تاریخ ایران است محاکمه من محاکمه ملتی است که به من رای داده‌اند من به عنوان رئیس‌جمهور منتخب شما، هیچ استقامتی غیر از استقامت شما ندارم، کسی که آماده است در شن‌زار داغ خوزستان بمیرد، از سلول اوین نمی‌ترسد"

روز ۱۵ خرداد بنی صدر در آخرین مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی حیات ننگینش به عنوان رئیس‌جمهور تاکید کرد استعفا نمی‌دهد و گفت:

" ظاهراً درخت را آره می‌کنند خوش نمی‌افتد"

در همین روز هیات سه نفری حل اختلاف، بنی صدر، روزنامه‌های میزان، انقلاب اسلامی، آرمان ملت و جبهه ملی را متخلف از فرمان امام شناخت.

روزنامه انقلاب اسلامی با سرمقاله‌ای تحت عنوان " مرگ بر استبداد " منتشر شد و این درحالی بود که مردم با حمله به دفتر هماهنگی همدان مانع از افتتاح آن شدند. احمدسید سلامتیان مضروب شد و از دست مردم گریخت. روز ۱۳ خرداد بنی صدر در نامه‌ای به حجت‌الاسلام اشراقی به هیئت سه نفری اعتراض کرد و هدف تصمیمات را حذف رئیس‌جمهور دانست. انقلاب اسلامی و میزبان در سرمقاله‌های خود هیئت را فاقد صلاحیت دانستند. حجت‌الاسلام اشراقی در جواب بنی صدر نوشت:

" آیا قبول مصوبات مجلس و گردن نهادن به حکم قانون نامش حذف رئیس‌جمهور است؟"

۱۵ خرداد تظاهرات بی‌سابقه‌ای در شهرهای ایران برپا شد. توده‌های خلق فریاد می‌زدند:

— مرگ بر بنی صدر
و شعار می‌دادند
— ملت که با پشت سد ستم را شکست
بدان تو ای لیبرال، نمی‌رسد به بن‌بست

از صفحه ۲۴

در این نامه مجاهدین رسماً بنی صدر فراری را به عنوان رهبر و مسئول درجه اول کشور قلمداد کرده و از او نظر خواسته بودند. بنی صدر هم دو روز بعد جواب داد که قادر نیست امنیت مجاهدین را تأمین کند. به این ترتیب قضیه برای مجاهدین روشن بود: تدارک برای جنگ مساجانه روز ۲۳ اردیبهشت، بنی صدر که مانند دیگر اعضای جبهه واحد صدانقلاب، توطئه خود را مبارزه با استبداد قلمداد می‌کرد، در کارنامه رئیس‌جمهور نوشت:

" به عنوان رئیس‌جمهور منتخب شما هشدار می‌دهم که اگر در برابر تمایل به استقرا استبداد نایستید، استبداد به شما مسلط خواهد شد و دمار از روزگار شما درخواهد آورد

روز ۲۶ اردیبهشت لایحه " حذف عبارت فرمان همایونی " در دستور کار مجلس قرار گرفت و به تصویب رسید. با تصویب این لایحه جبهه صدانقلاب به رهبری بنی صدر اقدامات تازه‌ای را آغاز کرد. اسناد فراوانی از سوی نمایندگان دفتر هماهنگی از وزارتخانه‌ها به سرقت رفت.

اعلام رفتارندوم

بنی صدر که می‌دید حملات سنجیده جناح مقابل بیشتر و بیشتر او را رسوا می‌کند، و از آنجا که ظاهراً جورا آماده می‌دید روز ۳۱ اردیبهشت قسمت نهایی نقشه خود را اعلام و پیشنهاد کرد: برای حل مسائل کشور به آرا عمومی مراجعه کنیم. روزنامه میزان این پیشنهاد را با تیر درشت به اطلاع مردم رساند. رهبری خائن مجاهدین خلق بلافاصله با رفتارندوم موافقت کرد و رای خود را به نام بنی صدر نوشت. نهضت آزادی با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان " کی برود " وضع را مانند سال ۱۳۵۷ آستانه پیروزی انقلاب - ارزیابی کرد و نوشت: " کشور به بن‌بست رسیده است " اعلامیه ضمن موافقت با رفتارندوم در جواب سؤال کی برود؟ جواب داده بود که مجلس، دولت و شورای عالی قضایی برود. در روز ۴ خرداد توطئه راهپیمایی رهبری مجاهدین با اعلامیه دادستان انقلاب خنثی شد. در همین روز لایحه حذف فرمان همایونی از تصویب نهایی گذشت و امام اعلام کردند:

" هر چیزی که مجلس با اعضای شورای نگهبان تصویب کند، به هیچوجه کسی حق خدشه در آن ندارد"

هفته اول خرداد، روزهای شدت یافتن سریع اختلافات بود. جالا در عمل فرمان امام نقض شده و طرفین شدت علیه هم افشاکاری می‌کردند همه چیز نشان می‌داد تضاد باید به سود یک وجه آن حل شود. ادامه آن وضع امکان نداشت.

اخطار امسام

روز ۷ خرداد رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس در واقع به بنی صدر اخطار کردند:

" اگر می‌خواهید از صحنه بیرون‌تان نکنند، بپذیرید قانون را. همه باید قانون را



در چهارمین سال انقلاب :

عرضه‌ها و اشکال حرکات ضد انقلابی را شناسیم و آن را با شکست مواجه سازیم

پوشش‌های ضد انقلاب داخلی

امپریالیسم آمریکا ، طبقات غارتگر و نمایندگان سیاسی آنها پس از سقوط طاغوت کمین کردند ، به این امید که انقلاب به زودی در راهی که مورد نظر آنهاست ، جریان یابد . بزرگ غارتگران بازار ، که در ماههای آخر بخش کوچکی از ثروت‌های غارتی خود را به عنوان " سهم امام " اهدا کرده بودند ، امیدوار بودند که به چنین بهای نازکی ، میدان وسیع و فراخ برای غارت بیحد و حصر مردم بیابند . لیبرالها حتی پیش از پیروزی انقلاب ، با سران ارتش شاهنشاهی و حاسوسان سیا "فراشه‌های مفصل و دقیق" (اعترافات سالیوان ، سفیرکبیر سابق آمریکا در ایران در مجله "روابط خارجی" شهریور ۵۹) گذاشته و آنها را نسبت به تأمین منافعتان مطمئن ساخته و خود بیش از آنها نسبت به حفظ منافع سرمایه‌داری بزرگ اطمینان یافته بودند . طبق اظهارات یکی از نمایندگان شهید مجلس شورای اسلامی (جمهوری اسلامی ۴ آذر ۶۰) آمریکا مدتی پیش از پیروزی انقلاب سه تن از عوامل خود یعنی بنی‌صدر ، بزودی و قطب‌زاده را برای "کنترل" اقدامات ام‌سام خمینی و تصرف مقامات عالی اجرائی و سیاسی ، برگرد او متمرکز کرده بود و مقامات رژیم شاهنشاهی نیز از این توطئه اطلاع داشته‌اند هرچند در ابتدای پیروزی انقلاب ، اکثریت مقامات اجرائی، تحت کنترل و نفوذ عوامل آمریکا و مدافعان سرمایه‌داری بزرگ و بزرگ‌مالکی درآمدند ، ولی این محاسبات بزودی ، نادرستی خود را نشان دادند . قدرت جنبش انقلابی ، که رهبری قاطع ، مردمی و ضدامپریالیست چون ام‌سام خمینی و جناح انقلابی پیرو خط امام در حاکمیت داشت ، به سرعت توطئه مسخ انقلاب را درهم شکست . تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و سقوط دولت موقت ، نخستین مرحله این نبرد سرنوشت‌ساز بود ، که با پیروزی انقلاب و گسترش و تعمیق آن خاتمه یافت .

واکنش مستقیم پس از این شکست ، انشعاب بخشی از نیروهای متعلق به سرمایه‌داری از جنبه‌های بود که با سقوط طاغوت ظاهراً هماهنگی نشان داده بودند . بلوای حزب آمریکایی خلق مسلمان ، در آذربایجان ، جلوه عملی - سیاسی این انشعاب بود که با نیروی انقلاب درهم شکسته شد . ارگان‌های مطبوعاتی - تبلیغاتی توطئه‌چین "خلق مسلمان" ، "امید ایران" ، "تهران مصور" ، و "پیغام امروز" نیز توتیف شدند . در همان زمان شعار "تقسیم می‌آید" برای نخستین بار در مطبوعات لیبرالی طرح گشت و شعار "دفاع از آزادی" بسرعت چون چتری برای متحدکردن و گردآوردن کلیه نیروهای ضدانقلابی ، وامانندگان و فریب‌خوردگان بر فضای سیاسی ایران ، سایه افکند . جنبه ضدانقلاب با بهره‌گیری از مصالح و بهانه‌هایی که متحدین نقابدارش در حاکمیت برای آن فراهم می‌آوردند ، از جنگ ناروای کردستان ، حداکثر

میان ترکیب نیروهایی که در روزهای قبل از انقلاب با طاغوت و سازمان جهنمی ساواک ، هماهنگی و دمسازی نداشتند و یا فعالانه در انقلاب شرکت ورزیدند ، با ترکیب نیروهایی که اکنون گردونه انقلاب را به پیش می‌رانند ، تفاوت‌های بزرگی پدید آمده‌است . بخشی از آن نیروها ، اکنون خود را به کنار کشیده‌اند و از هرگونه مساعدتی نسبت به انقلاب امتناع دارند ، برخی زیر چرخ‌های انقلاب خرد و مضمحل شده‌اند و برخی دیگر با کین و نفرت و خشم آتشین در اردوی دشمن گام برمی‌دارند و در مسخ و شکست انقلاب می‌کوشند .

نیروی اردوی ضدانقلاب بنحو محسوسی نسبت به روزهای بهمن ماه رنگارنگتر شده‌است و این طبیعی است و از ناامیدی افشار و نیروهایی حکایت می‌کند که منافع آنها به‌هیچوجه با اهداف و منافع انقلاب ایران دمسازی نداشته است و اینکه انقلاب امکان همراهی سالوسانه و ریاکارانه را از این نیروها سلب کرده و نقاب از چهره آنها دریده است . بدین دلیل این تحول موجب خرسندی نیز هست .

از سوی دیگر در جنبه انقلاب نیز تحولات عظیمی - هم در مقیاس کمی و به‌ویژه در مقیاس کیفی - بر روی داده است . طی این دوران سه ساله انقلاب ، عرضه‌ها ، رنگی را فتح کرده و نیروها و افشار بزرگی را تحت خویش علاقه‌مند و در پیشرفت خود ذی‌فعل ساخته است . روستاهای کشور از جمله آن عرضه‌های مهمی هستند که آتش انقلاب ، به‌ویژه پس از ۲۲ بهمن ، بدانهارسید و آنها را فعالانه و آگاهانه به مبارزه در راه اهداف خود جلب کرد . اکنون به‌گونه‌ای بیکیفر در جانب انقلاب قرار دارند . امروز اردوی انقلاب برخلاف روزهای نخست پیروزی ، با آگاهی بیسابقه‌ای نسبت به اهداف خویش ، به پیش می‌تازد و نبرد ، برخلاف ماههای پس از ۲۲ بهمن درست در عرضه‌هایی که تعیین‌کننده سرنوشت انقلاب‌اند و هریک متبلور خواست‌های میلیونی توده‌های مردم هستند جریان دارد و به همین دلیل نبردی است بی‌رحمانه و خشن ، نبردی که از ویژگی‌های مرحله کنونی مبارزه انقلابی در کشور ماست .

برای شناخت دقیق‌تر مبارزه ضدانقلابی در مرحله کنونی و شگردها و ترفندهایی که اردوی ضدانقلاب برای غلبه بر انقلاب از آنها بهره می‌گیرد ، و همچنین برای شناخت شیوه صحیح مبارزه انقلابی در راه خنثی‌ساختن این توطئه‌های ضدانقلابی ، تشخیص و شناسایی دقیق آن پوششی که ضدانقلاب داخلی عمده قوای خود را بر گرد آن متمرکز کرده است و تحت آن می‌کوشند به اهداف پلید خود دست یابند ، کاملاً ضروری است .

این پوشش ، طی دوران انقلاب ایران ، ثابت نمانده است . این پوشش همان است که مدتی "مدافعه از آزادی" و "دیروز" دفاع از ریاست جمهوری نام داشت امروز به صورت "هوداری" متناقضه از خط امام و اسلام با تظاهر به قشریگری افراطی شکل گرفته است . این پوشش اخیر نیاز به تامل بیشتری دارد .

بهره‌گیری را بعمل آورد و به حداکثر متشح کردن اوضاع و بی‌ثبات کردن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران کوشید .

اما هنوز بخش بزرگی از طبقات غارتگر و نمایندگان آنها در حاکمیت سیاسی و به‌ویژه در مقامات اقتصادی حضور داشتند و به امید درهم شکستن یا مسخ انقلاب ، زیر پوشش "دفاع از اسلام" فعالیت می‌کردند . ریاست جمهوری بنی‌صدر نور امیدی در دل آنها تابانده بود . و تسلط مدافعان سرمایه‌داری بزرگ چون بنی‌صدری‌ها ، نوبری‌ها و رضا صدرها ، بر اهرم‌های اساسی اقتصادی ، منافع آنها را حفظ می‌کرد . سرمایه‌داری بزرگ تجاری وابسته هنوز در سال ۵۹ ، ۱۰/۵ میلیارد دلار از ۱۵ میلیارد دلار نیاز وارداتی کشور را در دست داشت و در غارت دسترنج مردم فعال مایشاء بود .

بزودی چتر "دفاع از آزادی" با پوشش "دفاع از ریاست جمهوری" ترمیم گشت . شکست تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا در طیس کودتای ۱۸ تیر و تجاوز نظامی لشکر صدام حسین تمامی امیدهای ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا را برای یورش بر انقلاب و حاکمیت انقلابی پیرو خط امام ، گرد سنگر ریاست جمهوری بنی‌صدر ، متمرکز کرد . انشعاب دوم رخ داد .

بخش دیگری از سرمایه‌داری بزرگ بازار ، بوق‌های مطبوعاتی سرمایه‌داران و ملاکین چون میزان ، انقلاب اسلامی و رنجبر گروههای سیاسی چون "جنبه ملی" ، "حزب ایران" ، "حزب ملت ایران" ، "رنجبران" ، "نهضت آزادی" ، "پیکار" و ... به همراه گروههای فریب‌خورده‌ای چون هواداران "مجاهدین خلق" ، "اقلیت" و ... به انقلاب و رهبری آن اعلا ن جنگ دادند .

شکست این توطئه عظیم و خطرناک که به نیروی پشتیبانی میلیونی خلق از رهبری انقلاب و حاکمیت انقلابی پیرو خط امام صورت گرفت . انشعابگران را به‌ور شکستگی قطعی کشانید . از یک سو ، این پیروزی مبارزه علیه سرمایه‌داری بزرگ و بزرگ مالکی را که در این توطئه‌های ضدانقلابی نقش فعال داشتند ، بشدت تشدید نمود و از سالوسی غارتگران و نمایندگان سیاسی آنها در پشتیبانی از "اسلام" و ام‌سام خمینی بریده برگرفت . از سوی دیگر این پیروزی ، فعالیت موجه و گسترده "آزادخواهی لیبرالی" را هرچند هم زیر آیات و احادیث اسلامی مستور باشد ، ناممکن نمود . لیبرالها بتدریج از پست‌های حساس و مهم اجرائی و سیاسی ، خلع‌گشتند و نیروهای انقلابی پیرو خط امام بخشی از مواضع آنها را اشغال کردند .

بخشی ، زیرا شکست انشعاب دوم ، به‌هیچوجه به معنی فرجام مبارزه طبقاتی در درون حاکمیت نبود . نبرد "که بر که" هنوز تا پایان خود راه درازی در پیش داشت . شکست لیبرالهای مسلمان‌نما و "جنبه دفاع از بنی‌صدر" مبارزه راه عمق ، به قلب حاکمیت کشانید . مدافعان به ظاهر افراطی اسلام و خط امام

از صفحه ۳۶

۲- دانشگاهها

علیرغم خواست مبرم مردم و انقلاب و علیرغم تاکیدات مکرر اصنام خمینسی در بازگشایی دانشگاهها، که نه فقط رفیع بلاتکلیفی از دهها هزار دانشجو و خانواده‌هایشان، بلکه به منظور تربیت متخصص جهت نوسازی انقلابی اقتصاد و جامعه اهمیت دارد، دانشگاهها همچنان بسته است. قشربن به بهانه نیافتن تعمیرات اساسی در بازگشایی دانشگاهها اخلال می‌کنند. نیروهای قشری‌نما و متحدین لبروال و مائوئیست‌ها آنها، حتی هنگامی که زیر فشار مردم و نیروهای انقلابی بیرو خط امام محبوس به بازگشایی بخش کوچکی از دانشگاهها شده‌اند، دست به تصفیه وسیع دانشگاهیان متعدد به انقلاب زده‌اند. بخش بزرگی از دانشجویان سالهای آخر پزشکی - بویژه هواداران سازمان و حزب توده ایران - از تحصیل محروم شده‌اند. این عمل در شرایط جنگ و کمبود دهشتناک پزشکی، انقلاب را از بخشی از مدافعان خود محروم کرده است.

تدارکات مشابه نیروهای قشری‌نما برای تصفیه دانشگاهیان متعدد در سایر رشته‌های تحصیلی نه فقط عملی ناراضی‌ترانه، بلکه توطئه‌ای علیه بازسازی اقتصادی کشور است. این نیروها همچنین می‌کوشند وضعیت کنونی دانشگاهها را به حرسه تحریک مردم علیه نیروهای انقلابی صلیق حط امام بدل سازند. نقشه اینها این بوده است که آنقدر دانشگاهها را بسته نگذارند و از تربیت نیروهای متخصص و متعدد به انقلاب جلوگیری کنند تا جمهوری اسلامی محبور شود دانشجویان تحصیلکرده آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی را استخدام کرده و در نتیجه آنها تا چندسال دیگر همه کاره کشور شوند.

۳- در ادارات

نیروهای لیبرالی، چپ‌نما، قشری‌نما و ضد انقلابی در آموزش و پرورش و سایر ادارات نیز به هیچوجه نفوذ کمی ندارند. قشری‌نماها با سوء استفاده از قانون بازسازی، با سرعت و تا آنجا که بتوانند نیروهای متعدده انقلاب را اخراج می‌کنند آنها می‌خواهند جورعب و وحشت و عدم اعتماد به امنیت و عدم تأمین تغذیه و سقوط به ورطه گرسنگی و فقر، ادارات سراسر کشور را فرا گیرد. این امر به خصوص در آموزش و پرورش و به ویژه در نزد زنان کارمند، هم‌اکنون کاملاً تسلط است تاکنون هزاران معلم فداکار و دانشجو انقلابی هیچ دلیلی اخراج شده‌اند و در قیاب آنها عناصر ضد انقلابی و خرابکار و کم‌کار با زدن نقاب قشریگری فعال مایشا شده‌اند. این اقدامات که علیرغم تاکیدات مکرر مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، توطئه‌ای آشکار علیه اعتماد مردم، علیه قانون و علیه ضرورت نوسازی اقتصاد کشور است. نیروهای کارآمد و متخصص بدینگونه به هدر می‌روند.

همین وضع که به ویژه سازمان مشکل "حقیقه" آنها بوجود آورده و رهبری می‌کند در مدارس با

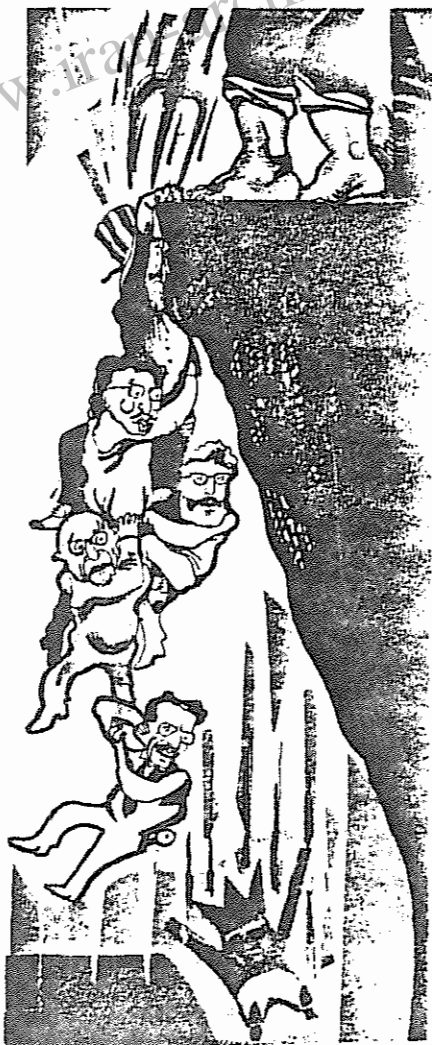
اخراج محصلین ناآگاه و فریب‌خورده "مجاهدین خلق" و حتی برخی هواداران سازمان ما و حزب توده ایران که مدافع صلیق انقلابند، بوجود آمده و بسیاری خانواده‌ها را در تشویش و اضطراب دائمی نسبت به سرنوشت فرزندانشان فرو برده است. لیبرالی‌های بسته رفته نیز که هنوز در سطوح میانی ادارات نفوذ قابل ملاحظه دارند، در کارکنی، ناراضی‌تراشی و شایعه‌پراکنی و دعوت به کم‌کاری نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. چپ‌های

بهانه به دست ضدانقلاب و گروهک‌ها داده شود که علیه انقلاب تبلیغ کنند.

عناصر نفاق‌افکن و تفرقه‌جو می‌کوشند کارگران را پراکنده نگاه داشته و از تشکیل آنها در انجمن‌های صنفی و شوراهای کارگری جلوگیری کنند. قشربن افراطی همصدا با لیبرالی‌ها و مدیران ضدانقلابی مانع تشکیل بسیج کارگری، شورای کارگری و حتی آندسته از انجمن‌های اسلامی که کارگران را به شرکت فعالانه در تولید و مبارزه سیاسی و حمایت از امام و امت می‌کنند، می‌شوند. کوشش‌های بسیاری می‌شود که از تماس مستقیم کارگران با مسئولین جمهوری اسلامی جلوگیری شود تا آنها از مذاکره با جمهوری ناامید و مایوس شوند.

قشربن افراطی عملاً "مانع از این می‌شوند که کارگران در جهت حفاظت کارخانه به مقابله با توطئه‌های ضدانقلابی مائوئیست‌های آمریکایی و کارکنی لیبرالی‌ها و نیز فعالیت‌های مخرب گروهک‌های چپ رو و چپ که منبع دیگر فعالیت ضدانقلابی در واحدهای تولیدی هستند، برحیزند.

مصالح انقلاب ایجاب می‌کنند که علیرغم مخالفتها و بهانه‌تراشی‌های ضدانقلابی، شوراهای کارگری و انجمن‌های صنفی شوراهای کارخانجات مطابق اصل ۱۰۴ قانون اساسی هرچه سریعتر و وسیعتر تشکیل شود. تضمین حقوق صنفی و شورایی کارگران ضرره محکمی است به حربه کسانی که با فعالیت تفرقه‌جویانه، ضد تولیدی و هرج‌ومرج طلبانه خود آگاهانه یا ناآگاهانه در کارخانجات در خدمت ضدانقلاب عمل می‌کنند.



به صحنه نخست قدم نهادند. همانهایی که با دبروز در قلب حاکمیت، مصالح لازم را برای جبهه آشکار ضدانقلاب فراهم می‌ساختند اینان که از شکلات منجم و قدیمی و گسترده و حمایت روحانیون مدافع بزرگ مالکی و بزرگ سرمایه‌داری یا به اصطلاح مطبوعات بیرو خط امام، "روحانیت عاقبت‌طلب" برخوردار بودند و زیر سایه حمایت ساواک "معلومات نسبتاً وسیع مذهبی" کسب کرده بودند از امکان فعالیت گسترده و آزاد بهره می‌بردند و بخش بزرگی از نیروهای ناآگاه مذهبی را به دنبال می‌کشد، وظیفه ادامه مبارزه با انقلاب را برعهده گرفتند.

کله نیروهای ضدانقلابی، اعم از لیبرالی‌ها، حصاب‌های رنگ عوض کرده، مائوئیست‌ها و کسری‌ها و کلاه‌های حمیره پنهان کرده بلافاصله بر این چتر خریدند.

عرصه‌های مختلف توطئه‌های

ضدانقلاب داخلی

کسبی در بی توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی و به‌ویژه کسب توطئه تجاوز نظامی ارتش صدام، که با سروری‌های اخیر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، خود در آستانه سقوط قرار گرفته کابوسی دهشتناک بر جان امپریالیسم جهانی و ارنجاج منطقه مسئولی ساخته است. این واقعیت که کارگران امپریالیسم آمریکا و ارنجاج منطقه سرعت و بانلاشی دیوانه‌وار درصدد وارد آوردن صریت خونریز دیگری برپیکر انقلاب ایران هستند اکنون دیگر قابل انکار و برده‌پوشی نیست. حربه داخلی ضدانقلاب نیز در این طرح خطرناک، وظیفه همیشگی خود را برعهده دارد و آن ایجاد مناسب‌ترین شرایط برای حصول امپریالیسم به حداکثر موفقیت است. هرچند ایگانات امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی طبقات غاریگر به‌ویژه در مقامات حساس حاکمیت، نسبت به گذشته بسیار محدودتر شده است، اما این کمبود با تلاش گسترده‌تر و خون‌بارتر و جنایت‌آمیزتر حبران می‌شود. توطئه‌های عوامل امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، همچون گذشته عبارت است از ایجاد حداکثر تفرقه میان نیروهای انقلابی در داخل کشور و ایجاد حداکثر فاصله میان انقلاب ایران و دوستان و متحدانش در سطح جهانی است. آماج اصلی این توطئه‌ها آن است که نگذارند انقلاب ایران تثبیت و تحکیم شود و دستاوردهای آن تعمیق یابد. آماج اصلی این توطئه‌ها آن است که مبین ما رنگ استقلال آزادی و عدالت اجتماعی بخود نبیند. ضدانقلاب داخلی هم‌اکنون علیرغم تمام شکست‌هایی که طی این سه ساله خورده است، امروز دریده‌تر، بی‌آبروتر، خشن‌تر و جنایتکارانه‌تر از پیش اهداف خود را دنبال می‌کند تقریباً در هیچ زمینه‌ای و در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی نیست که ضدانقلاب داخلی فعالیت تخریبی کارشکنانه ناراضی‌ترانه، نفاق‌افکنانه و ضد مردمی نداشته باشد.

۱- در کارخانه‌ها

هدف اصلی فعالیت هماهنگ ضدانقلابی در کارخانه‌ها عبارت‌از این است که: "اولاً" طبقه کارگر تشکیلی نداشته باشد و نتواند از انقلاب و امام و جمهوری فعالانه حمایت کند. ثانیاً" تولید امام و جمهوری فعالانه حمایت کند. ثانیاً" تولید پایین بیاید و اقتصاد کشور لطمه ببیند، ثالثاً"

از صفحه ۳۷

آمریکایی هم که در عمل نسخه دوم لیبرالها هستند جز ایحاد هرج و مرج و انداختن چوب لای جرح ادارات کار دیگری نمیکنند. در ایام اخیر بیش از هر زمان دیگر، عملکرد این سه دسته به ظاهر متحاصم و در عمل همدست در آموزش و پرورش و سایر ادارات آشکار گشته است.

۴- زنان

لیبرالها، سلطنتطلبان و متحدان مائوئیست آنها و قشری نمایان افراطی، هر کدام از یک زاویه میگویند تا زنان را از حمایت از انقلاب و شرکت در سازندگی باز دارند. همه کسانی که خط امریکا را بطور آشکار پیاده می کنند، تبلیغات سه راه انداخته اند که خط امام طرفدار اسارت زنهاست و می خواهد مقررات قرون وسطایی را پیاده کند اما در حقیقت آنها می خواهند زن ایرانی را هم تاحد تبدیل به یک کالای سودمند به حال سرمایه دار تنزل دهد.

صدانقلابیون با انگشت گذاشتن روی برخی جنبه های متناقض و نادرست جمهوری اسلامی در برخورد با مساله زن می خواهند فرهنگ منط جامعه سرمایه داری را در جامعه حفظ کنند. جبرورها حتی آماده اند از ناراضی های زنان سرمایه دار و لیبرال و ضدیت کینه توزانه آنها با روحانیون خط امام نیز وسیله ای برای ایجاد هرج مرجع و مقابله با رژیم بسازند.

قشری نمایان نیز با سیاست محرب خود: "اولاً با تمام قوا میگویند مساله ... را سه خای مساله جنگ و امپریالیسم نشانند و اینطور وانمود کنند که هدف اساسی انقلاب جادو بوده. ثانیا" می خواهند زنان را خانه نشین ساخته از شرکت در مبارزه، تولید و حقوق اجتماعی خود محروم سازند. ثالثاً از این طریق می خواهند ناراضی رادرسطح جامعه دامن بزنند، افکار عمومی را از دشمنان انقلاب منحرف و مبارزه علیه امریکا رانسی کرده، مسایل بکلی فرعی راجانشین آن سازند. قشربون افراطی نیز با اعمال خود دانسته یا ندانسته همان اهداف را پیاده می کنند.

۵- در میان خلفا و اقلیت های مذهبی

یکی از نقشه های قدیمی امپریالیستی تشدید اختلافات ملی، قومی و مذهبی در میان خلفای ملل تحت سلطه و از این طریق تضعیف قدرت مردم در مقابله با امپریالیست ها بوده است. انقلاب ایران نیز از همان روزهای نخست پیروزی شاهد کینه توزانه ترین حملات صدانقلاب برای تشدید خصومت ملی و قومی و مذهبی در صفوف خلفای ایران بوده است. به مجردی که انقلاب پیروز شد باند های سلطنت طلب، ساواکی مائوئیست، جبرو و لیبرال که همگی در مخالفت و دشمنی با خط امام و جمهوری اسلامی ایران متفق القول و همراه بودند کوشیدند مناطق خلقی و صفوف اقلیت های مذهبی را به کانون های مبارزه با انقلاب تبدیل سازند. دهها و دهها گروه و حزب و سازمان با اهداف و آرمان های بکلی متفاوت در کردستان علیه جمهوری اسلامی و انقلاب متحد شدند. باند فاسلموی خائن سرکرده تمام این گروه های ضدانقلابی شد. قصد تمام آنها این بوده و هست که از مساله ملی در کردستان وسیله ای برای بجان هم اندازی خلفای ایران درست کنند.

یکی از اهداف کنفرانس طائف همانا جدا کردن شیعه و سنی از یکدیگر و مقابله با انقلاب ایران تحت عنوان "دفاع از منافع سنی ها" بود هم اکنون خط کنفرانس طائف از جانب همه نیروهای ضدانقلابی در اقصی نقاط ایران، در کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و دیگر نقاط

ایران پیاده می شود. آنها با تمام قوا میگویند اختلافات مذهبی را دامن زنند و نگذارند مردم ایران جدا از مذهب و قومیت در یک صف واحد علیه امپریالیسم متحد شوند.

رهبران طراز اول جمهوری اسلامی بدرستی به کینه این توطئه پی بردند و برخورد امام با ملیت های مختلف و پیروان مذاهب گوناگون ساکن ایران، رهنمودهای آیت الله منتظری در این زمینه مشخصاً معطوف به این بوده است که مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم اسرائیل در مرکز توجه همه مردم میهن ما و توده های میلیاردی جهان قرار گیرد. هفته وحدت که اخیراً برگزار شد قطع نظر از کوشش هایی که برای سه انحراف کشیدن آن صورت گرفت مشخصاً با همین نیت اعلام گردید.

در این عرصه نیز پاره ای محافل قشری، افراطی و قشری نمایان به لاک مذهب خزیده تمام نیروی خود را بکار انداخته اند که جو سوءظن و بی اعتمادی و خصومت را میان شیعه و سنی، میان کرد و ترک و فارس دامن بزنند و نگذارند مردم ایران با صلح و صفا در کنار یکدیگر و با حقوق برابر در این سرزمین زندگی کنند. آنها با دست زدن به تحریکات خطرناک صدانقلابی از جمله براه انداختن فجایعی مثل نارنا و قلعه نان و با تحریک احساسات ملی خلقهای غیر فارس در مناطق مختلف بدترین ضربات را به فضای دوستی و تعاهف ملی وارد می آورند. این عناصر علیرغم پیام ۲۶ آبان اسامام خمینی میگویند در میان مردم کردستان و دیگر مناطق مشابه این ذهنیت را بوجود آورند که گویا جمهوری اسلامی برای آنها کوچکترین حقیقی نه در اداره کشور فایل است و نه در اداره امور محلی و فرهنگی.

بدین ترتیب می بینیم که ناراضی ترائی، تشدید دامن زدن به جو سوء ظاهم و بدبینی، تشدید خصومت میان مردم کشور از طریق بهره برداری از اختلافات ملی و قومی و مذهبی نیز یکی از مهمترین عرصه های فعالیت صدانقلاب داخلی برای مقابله با انقلاب و از پای درآوردن آن است

تلاش برای حفظ

بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری

شکست توطئه باند بنی صدر - رجوی راه را برای انجام اقداماتی جدی و بنیادی بسود زحمتکشان و علیه غارتگران کشود. زمان آن فرا رسید که انرژی جوشان میلیونی خلق که قریب به ۳ سال بر سد بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری کوبیده بود، با ویران کردن این سدها، بسوی نوسازی انقلابی اقتصاد و جامعه برای حفظ انقلاب تا پای جان و دفاع مصممانه از آن روان شود و انقلاب را در قبال هرگزندی رویشان سازد دشمن - امپریالیسم امریکا و غارتگران داخلی و نمایندگان آنها - بخوبی به ابعاد این "خطر عظیم" واقف بودند. درست در زمانی که تصور می شود نخستین گره از کار فرو بسته محرومان کشوده خواهد شد، مخالفان جدیدی دست افراشتند. این مخالفان که دلیلی در دست نداریم که جعلی آنها را در زمره دشمنان آگاه انقلاب محسوب داریم، بطور عمده از موضع دفاع از شرعی دانستن مالکیت نامحدود و فعال مایتایی سرمایه زبان گشودند. اما بیشک، در شرایطی که سرنوشت انقلاب و تداوم مبارزه آن علیه توطئه گرانی که توسط امپریالیسم امریکا هدایت و رهبری می شدند، با انجام اقدامات بنیادی به سود زحمتکشان رابطه ناگسستنسی دارد، این برآمد قطع نظر از نیت مردمی و یا ضد مردمی مدافعان آن نمی توانست و نمی تواند به سود صدانقلاب تمام نشود و از سوی آن تقویت

و احیاناً هدایت نگردد. مخالفان این بار نه از سنگر لیبرالیسم گردن شکسته، بلکه بطور آشکار از سنگر "دفاع از شرع" و "دفاع از اسلام" با پایان بخشیدن به غارتگری لجام گسیخته مخالفت کردند. مدافعان بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری که برده افراطگری مذهبی بر چهره کشیده اند، صریحاً علیه تفویض اختیارات ولایت فقیه به اکثریت مجلس شورای اسلامی، که دست آن را در تصویب لوایح انقلابی و مردمی باز می کرد، سخن راندند. به گونه ای که رئیس مجلس بدرستی بر آن نام "اسلام اشرافیت" نهاد. چهره های جدیدی، سخنان درآشنائی در مورد "عدم امنیت سرمایه ها" بر زبان راندند و سرمایه داری را علناً ستودند. طرح و بررسی اصلاحات ارضی بنیادی، بار دیگر به تعویق افتاد و حتی کسانی کوشیدند تا طرح هایی بکلی غیرانقلابی، که سيطرة بزرگ مالکی را حفظ و تحکیم می نمود، و مناسبات فئودالی و ارباب و رعیتی را "شرعی" قلمداد می کرد عرضه کنند بر سر حذف واسطه ها، تنها در مورد یکی از اقلام مهم مصرفی مردم، یعنی برنج، مبارزه شدیدی درگیر شد. سیاست های معینی حتی در موقعیت های بالای اجرایی با حرارت به دفاع از واسطه های بزرگ، که نقش اصلی را در غارت بیحد مردم و گرانی کمربتن زندگی ایفاء می کنند برخاستند. کسانی با زهم سرمایه داران را لوصفت را به "مستضعف" متعهد و ... تقسیم کردند و تلاش کردند و می کنند که لایحه "دولتی کردن بازرگانی خارجی" را مسخ کنند

و ... بسیاری از این مخالفین جدید اقدامات مردمی از نسل لیبرال های دیروز نبودند. بسیاری از آنها بعد از مفتضح شدن بنی صدر و یا بازرگان ها ظاهراً از مخالفتن دو آتشه لیبرالها محسوب می شوند. این ندهای مخالف اکنون از حنجره برخی مدعیان پرحرارت دیروزی پیروی از خط امام بیرون می آید.

هر چند این نیروها، در مقیاس با نیروهای انقلابی و مردمی پیرو خط امام در حاکمیت در اقلیت قرار دارند، اما متأسفانه تا بحال توانسته اند تا حدودی به هدف سوم خویش که معوق نهادن طرح و تصویب و اجرای اقدامات بنیادی به سود محرومان باشد، حامه عمل بیوشانند، و در نتیجه انقلاب را در معرض خطر جدی قرار دهند. این واقیعی است که عملکرد این نیروها در زمینه های اساسی و حیاتی با عملکرد لیبرالها و باند بنی صدر، نه تنها تقابلی ندارد، بلکه حتی از نظر نتایج، زیان بارتر و خطرناکتر نیز هست و به همین دلیل در هضم شکستن مقاومت و کارشکنی اینان و پاسخگویی به خواست اساسی توده های محروم، مهمترین و اساسی ترین وظیفه نیروهای انقلابی پیرو خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

اکنون یک بار دیگر کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، با احساس خطر جدی از مبارزه قاطع تر با غارتگری و با نزدیکی تاریخ بررسی لوایح دولتی کردن بازرگانی خارجی و "اصلاحات ارضی" با تمام نیرو به تکیه و برخاسته اند. ایان هر قدر طی دوران سه ساله گذشته در قبال "تقاضاهای" مقاماتی که آنها را به رعایت "انصاف" و "عدل اسلامی" فرا می خواندند، یا چون بنی صدر آنها را در ازای لیخنند مشتریان! که گذشت از سودجویی دعوت می کردند یا متعهد و "مستضعفان" می نامیدند، لیخنند می زدند و چند برابر بر بهای کالاها پستان می افزودند، بالعکس امروز فداکاری های عظیم "از خویشان نشان می دهند!

بقعه در صفحه ۳۹

از صفحه ۳۸

لاسه‌های گوسفندانی که به بیابان‌ها پرتاب شده‌اند، دهها تن مرغ‌های فاسدی که در حومه‌های شهر ریخته می‌شوند، کوه تخم مرغهای گندیده‌ای که نابود شده‌اند و صدها و هزارها مورد از این قبیل، نشان می‌دهند که غارتگران برای حفظ سیطره غاصبانه خویش به چه سرمایه‌گذاری‌های بزرگی روی آورده‌اند.

اما اینها تنها یک روی سکه توطئه عظیمی است که این حنبلیکاران "متشخص" علیه انقلاب بدارک می‌سیند. باند‌های گسترده و سراسری فاجای ارز، ارزی که در شرایط جنگ، محاصره اقتصادی و تحریم خرید نفت ایران، توسط امربالیست‌ها، هر دلار آن برای برآوردن سازه‌های اساسی کشور ارزش بسیار دارد، با سرعت بسیار و با توسل به انواع حیل و سگردها ارز گرانسپا را از کشور خارج می‌کنند. هنوز هم کلان سرمایه‌داران که این روزها بدرستی در مطبوعات بیرو خط امام "خانه‌های تیمی" تروریست‌های اقتصادی "نام گرفته‌اند، خزوارها حروار کالاهای ضروری مردم را برای احاد کمبود مصنوعی و بالا بردن قیمت در بازارها احتکار می‌کنند. ایران با خوشریدی حصورانه و اشتباهی سیری‌ناپذیر، بازار را هر زمان که بخواهند، به کمبود فلان و همان کالا دچار می‌سازند، و با کالاهایی را که به واسطه کمبود مصنوعی بیابان آراسی یافته است با سودی چند برابر عرصه می‌کنند. غارتگران صدانقلابی که بدین‌گونه ناپامان وضع معیشتی و فکری مردم را ناعب می‌سیند، حتی اقتصاد بولی را نیز با خارج خاص سرمایه‌های خویش از بانک‌ها در سار و محاطره فرار می‌دهند.

این ناخوتناز و برانگیزانه بر اعتماد مردم و اقتصاد کشور، متأسفانه هنوز پاسخ قاطعی دریافت کرده است سرمایه‌داران بزرگ به سم آخر رده‌اند و جنگی بیرحمانه را علیه انقلاب و مردم آغاز کرده‌اند. این جنگ را با اتکا به سزوی عظم مردم از طریق ملی کردن بازرگانی خارجی و احاد شبکه‌های توزیع دولتی و تعاونی صرف و سگرد فاجوی سوندجوان با سروزوی بی‌جان با مان داد، ادامه سکوت در قبال رکناری جاناندها دشمن را حورور و مردم رادلسردترو السحدا خلاب رادر محاطره سسر فرار خواهد داد

تلاش برای

ادامه ترور ضد انقلابی

کسک توطئه براندازی باند صدانقلابی بی‌صدر - رجوی بلافاصله موجی جوینار از ترور و کسار سزروهای انقلابی بیرو خط امام را به دنبال آورد و جبهه واقعی صدانقلاب پرورده امربالیسم آمریکا را با وضوی بیسافه در انتظار مردم به نمایش گذارد. در این هجوم حنبلیکارانه صدانقلاب سازمان یافتنه، ساواکی‌های صمگذار و آدمکش صدانقلابیون حرفه‌ای "بیکاری و رنجبری" در کنار اعضا " هواداران فریب‌خورده " مجاهدین خلق " اقلیت " و ناظران شرکت ورزیدند و گروه بزرگی از مسلمانان صدیق انقلابی، راه خاک و خون گشادند. گرچه متأسفانه اکثر عملیات تروربستی بدست عناصر فریب‌خورده و نوحوان صورت گرفته است، با این‌همه کوچکترین بزددی نباید داشت که این اعمال در اصل توسط " سیا " و مزدوران داخلی آن هدایت و رهبری می‌تدو می‌سود. آنجان که تا بحال آسکار شده اهدای زیر را تعقیب می‌کرده است:

۱- به تعویق انداختن طرح مسائل بنیادی

سود محرومان

اهداف ترور شخصیت‌های درجه اول جمهوری اسلامی ایران، فراهم آوردن موقت برای صعود عوامل نامطمئن - ساختن جبهه رو کرده‌اند، به شدت مطرح است. مبارزه تنیدی که میان سروهای حاکمیت بر سر اشغال ست‌های حساسی مملکت وجود داشته و دارد، بسیار با اهمیت است. نیروهای مسلمان انقلابی بیرو خط امام در این مبارزه اهرم‌های اصلی را حفظ کرده‌اند، ولی نمایان شدن قدرت، و همجنس تعداد پست‌های حساسی که عناصر سزری و عسرافیل اعتماد و ناآشناختن از قیل افراد وابسته به حربه اشغال کرده‌اند نیز شدت همداردهنده بوده و هست.

۳- ایجاد نا آرامی و بی ثباتی و انحراف افکار

از دشمن اصلی

ترور تنها گروهی از شخصیت‌های انقلابی بیرو خط امام راز میان نبرد، بلکه همجنس نیروهای افراطی قسری را نیز، که همواره آمادگی خود را برای اقدامات کور خوشتنا سزری نشان داده‌اند، شدت فعال نمود. علیه سیاست خوشت‌کور در برابر تروربسم کور در مورد اعضا و هواداران " مجاهدین خلق " که در دام فریب رهبران صدانقلابی خود و توطئه‌های امربالیستی گرفتار شده‌اند و نفی سیاست آرسادی و تبلیغی در مورد اکثریت با حس نیت، ولی ناآگاه این افراد، خوشت را بدست در سراسر کور دامن رد و جو بی‌ثباتی و درگیری را سدید کرد. بجای درپیش گرفتن رویی که اکثریت هواداران " مجاهدین خلق " را سرعت همدار سزاد و حداقل به موضع نظری سست‌به انقلاب بکناند ناراندن خوشت، بسیاری از آنها را به بی‌ثبات دیوانگی و جنون سوق داد و فرصت تفکر و تصحیح اشتباه را از آنها گرفت. سهادت آیت‌الله مدنی در تبریز و حجاب‌الاسلام هاشمی‌زاد در مشهد که طی آن توطئه‌گران سز خود را با عفت گفته‌اند کردند، بیانگر این بی‌ثبات بود. اس وانعت را رهبران انقلابی بیرو خط امام استخا و آنجا به سرحاقت و تلویح بیان داسه‌اند و بر ضرورت برخورد آرسادی تأکید کرده‌اند و سست به برقراری " جو سالم " اظهار امیدواری نموده‌اند تاکنید بر اطلاع‌به ده ماده‌ای دادسناسی کل اشلاب اسلامی در قبال لاس‌های منکوکمی که به سو استفاده از جو منسج برای سز صریه فرار دادن سزروهای مدافع اشلاب و بالسنحه محرف ساختن افکار مردم از دشمن اصلی عمل می‌آید بیانگر همین حط‌سی واقع بیساده و مسئولانه است اما دشمن دانا همواره کوشیده است تا هرچه ممکن است جو آراس و نیات منکی به قانون را دوام بآسد. ترورهایی که گاه بگاه در فواصل آرام شدن جو، انجام می‌گیرد و سزروهای افراطی قسری را، که بادرستی " راه حل " آنها به اسباب رسیده است، بار دیگر فعال می‌کند و فضای انتقام‌جویی و برخورد غم‌مسئولانه را نفویت می‌کند، با همین هدف صورت می‌گیرد

۲- حذف چهره‌های سرشناس انقلابی

و باز نمودن راه برای

صعود چهره‌های ناشناس و نامطمئن

یکی از هدف‌های اصلی صدانقلاب در سهادت رسانیدن چهره‌های سرشناس انقلابی بیرو خط امام که هر کدام طی نزدیک به بیست سال امتحان پس داده و از آزمون سه‌ساله هم سزافراز بیرون آمده‌اند آن است که شخصیت‌های مورد اعتماد و با نفوذ مسلمان و انقلابی را از سز راه بردارد و راه را برای صعود شخصیت‌های درجه دوم، که بطور عمدت ناشناس باقی مانده‌اند، بکناید. نحربه نفوذ گسترده عوامل امربالیسم آمریکا تا حد دبیر شورای امنیت، مسئول روابط عمومی دادسناسی کل انقلاب اسلامی و نفوذ فردی جون کلاه‌هی در قلب تشکلات حزب جمهوری اسلامی، این امکان را که عوامل امربالیسم هنوز در مقامات جمهوری اسلامی ایران حضور داشته‌باشند، با حدیث مطرح می‌سازد. به همین دلیل این امکان که از حمله

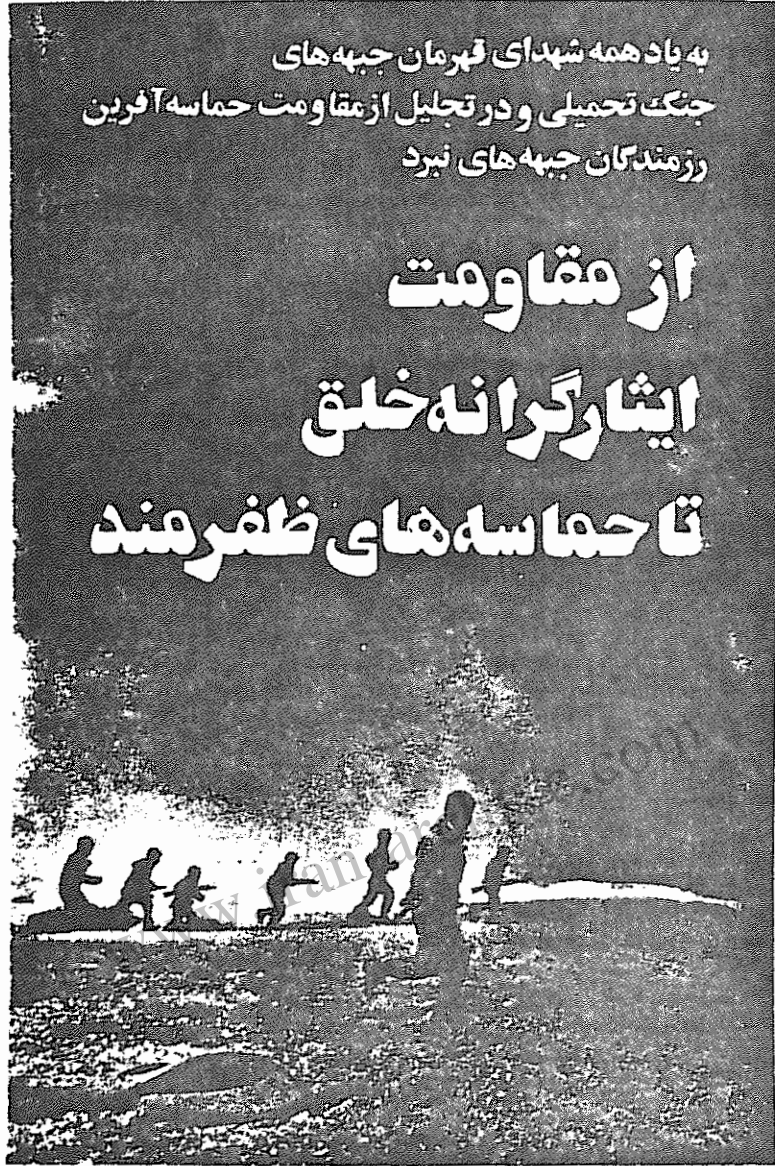


جراکاری در امر نامن آزادی فعالیت برای همه سزروهای اشروهای مدافع اشلاب.

برای سنان دادن اهمیت این اقدام برای امربالیسم آمریکا، بجای از مقاله " خاطرات تگان‌دهنده یک عامل بیستین سیا " را که در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ دهم آذر چاپ شده و بسیار گویاست نقل می‌کنم. " عامل " سیا در مورد عملکرد و هدف عوامل " سیا " که در مقامات دولتی کشور مورد نظر سزرو کرده‌اند و تا در آن کشور به فعالیت مسولند می‌گوید:

به یاد همه شهدای قهرمان جبهه‌های
جنگ تحمیلی و در تجلیل از مقاومت حماسه‌آفرین
روزندگان جبهه‌های نبرد

از مقاومت ایشان گرانه خلق تا حماسه‌های ظفرهند



دیروز چه عاشقانه سپید بخداید
امروز در حماسه با پیا ساختاید
فردا دل این باغ جوان بزم تریست
اینگونه که طرح نودر انداختاید

بهمن ۵۹ را زمانی آغازگر بودیم که از هجوم وحشیانه ارتش صدامی ماهها گذشته بود. خرمشهر، خونین‌ترین شهر کارگران بندر، تا آخرین فشنگ مقاومت کرده بود و در نبردی خانه به خانه سنگریزه سنگر، نخل به نخل کارگران بندر، پاسداران سربازان، فدائیان و توده‌ای ها و دیگر روزندگان راه استقلال و آزادی حماسه‌های مقاومت آفریده بودند. خرمشهر سرانجام، خونین و زخمی سقوط کرده بود.

در هویزه تجاوزگران صدامی، به حیوانی‌ترین شکل به ناموس دختران شهر تجاوز کرده و زبون از شکستن شرف و غرور آنان پنجوی فحیح دست به قتل آنها زده بودند. آوای سوم مهاجم در بخش شرقی آن خیر از خاک اسیر می‌داد. خاک اسیری که برای زحمتکشان عرب نان بود و خانه بود آبادان در نفوذناپذیر کارگران در کوی ذوالفقاری یا دستبان سینه بسته نغزگران و روزندگان دلاور، هجوم را پس بود. آبادان در حصار گت‌ها بزرگترین حماسه‌های مهنی را می‌آفرید. کوههای بلند و استوار غرب نیز سقوط قصر شیرین را در تلخ‌ترین روزهای هجوم گریسته بود اما روزندگان روستایی همراه دیگر نیروها در دشت وسیع گیلانغرب دشمن را زمین‌گیر کرده بودند.

بهمن ۵۹ را زحمتکشان مهنی بدینگونه آغاز کردند.

نهال مقاومت به گل می‌نشیند

مقاومت دارم آنها را که بدهم آن وقت با دندان‌هایم دفاع خواهم کرد.

مردم مناطق جنگی کوچگترین روزنامه‌های خانه‌هاشان را از حنمان بلند دشمن روسایی‌ها محفی می‌گردید. اما هزار خندگاهی انحرار مهبت موسک‌های ۹ متری سکوت شهر را می‌درید. انسان‌های بی‌سر، سرهای صاحب دست‌ها و اناهای قطعه قطعه‌شده در گوشه و کنار کوحه‌ها برآکنده می‌شد. اما لحظه‌ای بعد حر فریاد مرگ بر امریکا برکسر مهسرها جاری بر جای می‌ماند. درقول، آبادان خون، سوسگر، اهورا همحمان اسساده مقاومت کردند. در تمامی شب‌ها و جابه‌هایی که اینک سکر شده بودند یک سرود بود کسه در لالایی مادران حواسده می‌شد "می‌مانیم و در خون پیگار می‌کنیم"

بدینگونه بهمن ۵۹ گلزار دانه‌های جوسس مقاومت می‌بود. فداکاری‌ها گل می‌دهند و باحماسه‌های دلاوران گمام، جبار جوسس در جبهه‌ها به یکپه می‌شد.

امریکا مایوس از سکت بوطنه نیاجم، بوطنه سار می‌کنند

دشمن آمد. ما حورسان را بگیرد. اما گورسان صسر بد دشمن آمده بود ما غلنه‌های اغلاب را به جاموسی کشاد اما آسز اغلاب غلنه‌ای بر حرمس هسی حفرس بد و آمده بود تا ربوسی‌ها و سلم‌ها و امان‌ها را حاسا کند اما عاسفایی را دند که ما صد دست عسوی معکی افناده پس می‌رند.

آری "مرگ کوچگر از آن است که تا را بار دارد" (داداست‌های فدائیان خلق) و این خود اعلام شکست ساجم بود. به غرهای صاب‌الحق کسودناگر امریکایی و کنفرانس‌نشین‌های طائف ونه جنگ و دندان نشان دادن سپاه واکنش سریع و نسه

به صورت کشد. در تمامی جبهه‌ها و بیمارستان‌ها محرومان که دست و پای خود را از دست داده بودند بی‌تابانه تقاضای بازگشت به حظ مقدم را می‌کردند. رزمنده‌ای که یک دست و پای خود را از دست داده بود می‌گفت "من هنوز یک دست و پای دیگر برای

نیازند. حضور مردم حاضر در صحه‌های جنگ باعث آن گشت تا در نبردی نابرابر، مصاف با ۶۰ تیب رزمی آماده و مچهر آغاز گردد و ادامه یابد. مخبرین و ملبمرداران با تمامی تلاش‌هایشان نتوانستند تمامی حماسه‌ها را

بسج عمومی حلل‌هایی وارد کرد اما بطور کلی مانع از آن نشد که فدائیان رتسوده‌ای‌ها یعنی آن دسته از هواداران انقلاب که به مسلک و اعتقاداتی دیگر پای‌بندند در جنگ مهنی در رزمی مشترک سنگرهای جنوب و غرب را با خون خود گلگون‌تر

بر اثر فرمان بسیج عمومی رهبر انقلاب در آغاز جنگ مهنی که بدرستی تاکیسد کرده بود: امروز دست‌امریکا از آستین عراق بیرون آمده است "مدتها بود که مهنی‌پرستان دسته دسته عازم جبهه‌ها شده بودند. هرچند انحصارطلبی و تنگ‌نظری محافظلی به این

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

زنده باد ...

از صفحه ۲۵

در این روزها درگیری‌های خیابانی در شهرهای مختلف و به ویژه تهران ادامه داشت . روز ۲۵ خرداد توده‌های مردم با حضور خود در صحنه توطئه زاهیمی را که از جانب بقایای جبهه ملی اعلام شده بود درهم شکستند . خبرگزاری امریکایی آسوشیتدپرس پیش‌بینی کرده بود که تعداد تظاهرکنندگان به نیم میلیون نفر برسد .

مردم در این روز شعار می‌دادند :

- بنی صدر کجاست ؟ تو سوراخ موشه
- ما آمدیم کجایی ؟ جبهه امریکایی
- بنی جدید شکسته به بختیار پیوسته

رهبر انقلاب در همین روز طی سخنان شدیدی توطئه جبهه ملی را که می‌خواهد ایران را به دامان امریکا بیاندازد فاش کردند و گفتند که لس‌آلینا تا روز آخر می‌خواهند شاه بماند . امام در این سخنان از بنی‌صدر و نهضت‌آزادی خواستد مواضع صریح خود را اعلام می‌کنند . مهندس بازرگان در چند خط پی‌ریز و حضور نهضت‌آزادی را در محارای آن روز فقط آن روز نکند کرد و بنی‌صدر که عملاً سقوط کرده بود سکوت کرد . تنها باقیمانده بود تشیع جنازه سیاسی او که در ظرف ۵ روز انجام شد .

روز ۲۵ دی ۱۳۵۰ نفر از نمایندگان خواستار طرح مسأله کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در مجلس شدند . ۲۶ خرداد مجلس دو فوریتی طرح عدم

کفایت بنی‌صدر را تصویب کرد . ۳۰ خرداد بررسی طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر آغاز شد . حجت‌الاسلام خوشینی‌ها در سخنان خود در مجلس گفت :

رای به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور ، در حقیقت شکست خط سیاسی امریکا در ایران است . ۳۱ خرداد ۱۷۷ نماینده با شعار مرگ بر امریکا عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر را تصویب کردند . اول تیر ۱۳۶۰ با تأیید رهبر انقلاب بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری عزل و به زباله‌دان تاریخ رهسپار شد .

بعد از سقوط خط بنی‌صدر بر آنان که در تردید لبرالی بودند ، روشن شد که انقلاب چه خطر بزرگی را خنثی کرده است . اصنام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ماهیت خط بنی‌صدر را چنین افشاء کردند :

" قضیه شخص ، افراد نبود ، قضیه همان جریان بود که با اصل اساس مخالف باشد قضیه دفتر هماهنگی در سراسر کشور یک قضیه من‌باب اتفاق و عادی نبود ، قضیه مخالفت با دولت اسلامی و هر روز در هر گفتاری و در هر نوشته‌ای حمله به دولت به اینگونه این دولت‌گاری از او برنی‌آید .

قضیه این نیست که مجلس ، یک مجلس غیرکارایی است و از اشخاص غیرمطلع تشکیل پیدا کرده . مسأله این نیست ، مسأله این نیست که قوه قضائیه به دست انحصارطلبان افتاده است ، مسأله اصلی آنها اینها نیست . مسأله ، امریکاست و اسلام ، جریان، جریان

امریکایی در مقابل اسلام (است) از همان اول ، از همان وقتی که احساس این شد که شاه باید برود ، از همان وقت بختیار می‌آید و بختیار از یک گروه ملی‌گرا (بود) من باب احتیاط هم آنها می‌گویند که دیگر او از حزب ما و از جبهه نیست ، این احتیاطی بود که اگر او کنار رفت بازجبهه‌هایی در کار باشد ... همان وقت که من در پاریس بودم این جریان شروع شد ، همان وقت هم می‌خواستند که شاه را تنگ دارند ، به‌اسم اینکه او سلطنت کند نه حکومت ... همان وقت هم می‌خواستند که بختیار را بیاورند و با ما آشتی بدهند ...

این جریان از اول یک جریانی منسجم شده و برنامه‌ریزی شده در کار بود و ما درست توجه بهش نداشتیم . کم‌کم هی مطالب معلوم شد کم‌کم خودشان را لو دادند و رسید به اینجا که من هرچه جدید کردم گذرند به اینجا رسید .

نمازها، یکنه به آنها اعتمادی داشتم ، از جهات دیگری که به خود آقایان گفتم حالا رسیده جریان به اینجا که از حفظ شاه و بعدش بختیار و بعدش شورای سلطنت و بعدش حذف جمهوری اسلامی که با آن مخالفت می‌شد و بعدش مجلس خبرگان و بعدش مجلس شورای اسلامی و بعدش دولت و بعدش قوه قضایی که با همه مخالفت می‌شد "

(سخنان امام در دیدار با حاج‌آباد سهدای دفتر حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰ سر ۱۳)

از مقاومت ...

از صفحه ۴۱

دوسان جبهایی با لجاج در ناکت سلطنتی ادرت و ... نمی‌بود می‌بردند حماسه‌های بزرگه رزمندگان بار ستری در جبهه‌های مسمی می‌داد و خود دفع حاور برای سل و صلی عادلانه شکست بستری می‌گرفت . در یک سال فدائکاری ، رزمندگان دلاور جبهه‌ها را برنگان ، برسران و خدمه رزمکنش درمانی ، می‌ناتسه هراسی کردند و سا فدائکاری‌های سابعوری خود کهرامی‌های بردان حال بر کف خلق را در سگرهای سرد ساس دانسد . در طول سال حماسه ، رنار و مردان جهاد سارندگی کک‌کسای سارموتز و اورده‌ای را ارائه دادند .

در جبهایی به وسعت سهری انقلابی . همه آنان در جنگ عادلانه‌سهم دارند و همه آنها در هر پیروزی ، کوچک یا بزرگ شرکت تمام کسانی که در سهره ربرنازهای مربوط سهره قهرامی‌های حماسه‌ساز جبهه‌ها دست دارند از خبرنگاران ، عکاسان ، فیلمبرداران ، مصاحبه‌کنندگان تا نویسندگان مقالات ، ربرنازها ، و سپه‌کنندگان برنامه‌های رادیو و تلویزیون مربوط به صحنه‌های جنگ و پست جبهه و بالاخره تمام کارکنان رزمکنش بختنی‌های فنی مربوط به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و ... همه و همه در فراهم آوردن شرایط مساعدتر و موثرتر برای ستاد سازگری و قهرمانی مردم در جبهه عادلانه سزد که لازمه پیروزی است ، سهم بوده‌اند آنها همه اجزا یک کل‌اند .

از صفحه ۱۰

جهاد سازندگی ...

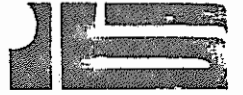
روستائیان بوده است . هم‌اکنون حدود ۱۵۰۰۰ شورای اسلامی در روستاهای کشور تشکیل شده‌اند و از این طریق بخش بزرگی از روستائیان به مبارزه علیه بزرگمالکان و فعالیت با ده حلت شده‌اند . جهاد در سزاری از عاقد در ایجاد تورها و دفاع از آنها در مقابل توطئه‌های بزرگمالکان نقش نراهمی داشته است . ولی به دلیل یکسری نارسانی‌ها و کارسکی‌ها حتی از این ۱۵۰۰۰ سورا دارای کفیت و توان ماست نست و متاسفانه رو به تعطیل است .

جهاد سازندگی از دو سو تحت فشار است عوامل فئودالها و برداران همه جا در فعالیت‌های آن کارسکی می‌کنند با آخا که در سال گذشته بسیاری از جهادگران قهرمان را به شهادت رسانده‌اند . سوی محافل راستی جمهوری اسلامی ، سگ‌خران و سروهای قسری و به‌ویژه روحانیون مخالف اصلاحات ارضی و احام اقدامات بنیادی به سود محرومان روستا جهاد نیز تحت فشار قرار دارد . حضور اسکوه عناصر و گراش‌ها همراه با خنابها و تناقضات در برنامه و وظایف ، بر فعالیت جهادگران مانع محراب رحا گذشته است و مانع کار خلافت‌ان می‌شود .

ما امیدواریم که جهادسازندگی در چهارم سال انقلاب ، مقام ساسه خود را سر ساید و دست در دست دهقان رزمکنش و اگا سر تشکل‌های آنان در راه نابودی بزرگمالکی گام‌های بلندتری به پیش بردارد و سوبد عمو رزمکنسان روستا را با انقلاب عمیق‌تر ساید و در آبادانی روستاها آن کند که انقلاب از این نهاد مردمی‌اش انتظار دارد . این امید و آرزوی صمصانه ما برای جهادگران انقلابی در آستانه چهارم سال انقلاب شکوهمندمان است .



باز آنگه و ، باز یاز مردم گل که
فریب نیستند شاد مردم گل که
سازندگی بزرگ خلق با کفایت
سازندگی بزرگ مردم گل که



" از آنان انتظار می رود خط مشی سرخستانهای را علیه اشاع خودشان که به فعالیت های حبرایانه کمونیستی سرگرم اند ، اختیار کنند . بیرونی آنها به معنی ممنوعیت احزاب پارداشت یا تبعید رهبران احزاب تعطیل دفاور ، نسرپات و کتابفروشی های آنها ، ممنوعیت تظاهرات آنها و دیگر و دیگر است "

این خط می که آشکارا به " سا " خدمت می کند ، کون از جانب افراد و عناصر معوم الحال معنی که مساعفه از همراهی گروه وسیع افراد انحصارطلب و قتری برخوردارند با بگیری دنبال می شود . کلاهی ها و کسمری های اساس . که تقریبا در همه جا - از مطبوعات گرفته تا ارگان ها ، رسوخ دارند . درست در آساره آغاز کار کمسیون بررسی فعالیت احزاب و گروهها ، کارزار وسیع و تحریک آمیزی را علیه نیروهای انقلابی سرو سوسالسم علمی - معنی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب بوده ایران که صمیمانه و با تمام توان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می کنند . آغاز کرده اند مصالح این کارزار خصمانه و متکوک حزبی جز دروغ ، افترا ، بیرونده سازی و دسام ست .

هدف این کارزار ضدانقلابی نه فقط خرابکاری بر امر نامس آزادی فعالیت احزاب و گروههای انقلابی مدافع انقلاب - امری که آشکارا به ریان انقلاب است بلکه همچنین منحرف ساحس ادهان مردم و نیروهای بیرو خط امام از بوظنه های همه جانبه امپریالیسم امریکا و صدام انقلاب داخلی و تحریک آنها علیه نیروهای دگراندس مدافع انقلاب . یعنی بطور خلاصه ایجاد سگاف میان جنبه نیروهای انقلابی است از جمله آخرین اشکال عفرنه افکنی صدام انقلابی همی توظنه کودتایی ده بندی گشتگر - هلیل رودی در سازمان ما بود که درست در اوج توظنه داخلی و تدارک تجاوز خارجی به احرا در آمد و بلافاصله توسط ارگان نروتسکیت های امریکایی مورد ستایش قرار گرفت . هرچند در حسنییت اکثریت کسانی که به دام این توظنه امادند . تردیدی نیست ، اما ریمان ، نکل عمل ، پشتیبانان و سنایح آن از هم اکنون " موقعیتی " را به زبان انقلاب و وحدت نیروهای انقلابی به شت رسانیده است و سنحه این عمل را قطع نظر از نسات برخی از عناصر آن محکوم کرده است .

تلاش برای جدا کردن

انقلاب ایران از دوستان و متحدانش

و به ویژه شوروی

تلاش برای گسترش جو خصومت نسبت به اتحاد شوروی که بطور مشخص از جانب پیروان " حجتیه " و لیبرالها و مائوئیست های نفاقدار و بی نقاب صورت می گیرد ، درست در خدمت تامین این هدف است که در شرایط بورش همه جانبه نیروهای امپریالیستی بر انقلاب ایران ، تشدید محاصره اقتصادی و جنگ تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران انقلاب ایران را از پشتیبانان بیگمر و صدیقش به ویژه کشورهای سوسیالیستی و از همه مهمتر اتحاد شوروی جدا سازند و آن را برای وارد شدن ضربات مهلک امپریالیستی به حداکثر ضعیف نمایند در اینجا نیز همچون تمام موارد

دگر شده . حسنییت نمی تواند از ریان بکاهد سگنطری ، فترگیری و ناآگاهی تنها وساطلی هستند که برای دشمنان دانا ، امکان پیشرد معاصد خود را بدست دوستان نادان فراهم می سازد .

* * *

آنچه گفته شد ، شمایی از آن حوائت محلف بوظنه های دشمنان داخلی انقلاب ماست که این روزها در سراسر کشور به اشکال محلف به احرا درمی آید و همانگونه که ذکر شد ، هدف از این بوظنه ها نیز احاد مناسب ترین زمینه برای بیرونی بوظنه خطرناکی است که امپریالیسم امریکا متحدین اروپایی آن و ارتجاع مطعنه و صدام انقلاب سازمان یافته برای سرکون کردن انقلاب ایران تدارک می بینند .

در میان عرصه های خرابکاری پیشگفته ، تلاش برای تیره کردن مناسبات میان انقلاب ایران و دوستانش به ویژه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، خرابکاری در امر تامین آزادی فعالیت همه نیروهای انقلابی و مهمتر از همه تلاش برای معوق نهادن اقدامات بنیادی به سود محرومان اهمیت درجه اول دارد . و عملکرد نیروهای ضدانقلابی در این عرصه ها از همه وسیع تر است . در واقع نتیجه نبرد در این عرصه ها تعیین کننده سرنوشت انقلاب است و به همین دلیل کارزار طوفانی و پرنیرو در تمام این زمینه ها برپاست .

حوسخانه نیروهای انقلابی مسلمان بیرو خط امام که اهرم های اساسی را در حاکمیت در دست دارند ، با رهبری روشی مطع و مردمی اصسام خمینیسی اکنون نشان می دهند که در مقابل این توظنه گسترده و خطرناک جنبه صدام انقلاب با پس نمی نهند و همچون گذشته به خط صدام امپریالیستی و مردمی خود وفادار می مانند . آنها در مجلس ، در دولت و در تمام نهادهای دولتی و انقلابی عزم خود را به ادامه مبارزه و پیشبرد آن در جهت منافع مردم و استقلال کشور اثبات کرده اند . ما امیدواریم که آنها هرچه قاطع تر و سریع تر در این جهت حرکت کنند .

فئسری نمایی که اکنون به محور تجمع خرابکاری های رنگارنگ صدام انقلابی متافقانه و حتی لیبرالی در دستگاه حکومتی بدل شده است ، بیش از پیش توسط مسلمانان انقلابی بیرو خط امام افشا می شود و خرابکاری های آن هر روز با هتباری و توجه بیشتری از جانب مسئولین صدیق جمهوری اسلامی موحاه می گردد . تاکید رهبر انقلاب بر قانون و فرمان اخیر ایشان ، در صورت بیگمری و احرا ، بخش بررگی از جهانه سوسی صدام انقلاب داخلی را از آن خواهند گرفت و فعال مابشایی ناراضی ترشان را به شدت محدود خواهند کرد .

در این مبارزه دشوار و سرنوشت ساز ، توده های میلیونی مردم ، همانگونه که تا بحال نشان داده اند ، پشتیبان صدیق و بیگمر سخناح انقلابی حاکمیت و رهبران . اصسام خمینی باقی خواهند ماند و بیشک انقلاب راه اوج های تازه و بیروزی های عظیم تر رهنمون خواهند شد . شمایی نیروهای صدیق و انقلابی بیرو سوسیالیسم علمی نیز که علیرغم تصنیفات فراوان ، به آرمان خود یعنی منافع خلق وفادار مانده و از اهداف اساسی انقلاب یعنی استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی پشتیبانی کرده اند و می کنند در این راه یار و پشتیبان صدیق و بیگمر اصسام خمینیسی و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام باقی خواهند ماند .

جوانان در نبرد . . .

بدان برداحت ، آن سخطی که نوده جوانان ما را در عرصه های کوناگون اجتماعی فعال می کند ، و سبایی دوی ، اسکار ، خلافت و نیروی حواسی آنان را بکار می برد همانا سازمان های مختلف خاص جوانان است که در آن جوان های مهن ما صرف نظر از عفاسد سیاسی ، مسلکی و مذهبی خوس به نلاس و فعالیت مسولند . این سازمان ها ، بسکل های مختلف صنعی برای صرهای مختلف جوانان در مدارس ، روساها ، کارخانجات و دانشگاهها و همچنین سازمان های کوناگون برای اشاعه وررش و فعالیت های هنری فرهنگی ، تحقیقی و پژوهشی و سراجسام تشکیلات سراسری جوانان ایران است .

* * *

افق ها روشنند ، به بیش برویم

اینک که به راههای ناگون بیموده شده می گریم ، اکنون که مشکلات و مسائل آمده را مرور می کنیم با سریلندی و غرور بانک برمی داریم که این سانه های عرم استوار مردم ما در سه ما مبارزه علیه امپریالیسم است ، مبارزهای بیرونی نهایی را در پیش رو دارد .

آنها می که با سکه بر مشکلات ، آه یاس و بومدی می خوانند ، آنان که با بزرگ کردن آراسایی ها می کوشند بیروزی ها را حوار کند بان بگریس بر آراسای اصلی انقلاب ایران ، حرکت رو به جلو . و در حال کامل آن را ندارد . ما بیسرت و نکامل را می سیم و می خواهیم که انقلاب را بجلو برانیم و د بیرونی کامل برسانیم ، لذا ضمن بقویت همه جانبه نیروها و عواطل بسز برنده انقلاب ، در رفع موانع بیسرت تر تلاش می کنیم . کمبودها ، گاستی ها و نقاط ضعف و انحراف هستند اما یک نکه مهم است که ارگان انقلاب محکم است و به پس می رود . سدهایی که مانع بیسرت است یک یک از سر راه برداشته می شود تا اساس انقلاب محکم تر شود .

دشواری ها بر سر راه انقلاب هنوز بسیار است ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری ها به مراتب زیادتر است این نهال که با خون هزاران شهید ، سه ناله سدهاست ، باید بخوبی مراقبت شود تا به درختی شونف بدل گردد . امروز پس از هر رمان دیگری سارندگی مهن در سر روس ، افق روس بیروزی های انقلاب در میدان های کوناگون پس از هر حیر نیروی جوانان را برای ساحس می خواهد ، برای براداسس مهنی که متعلق به مردمان خوس است و ما با آمد بیرونی برای تمام جوانان انقلابی ایران می گویم :

با گام های استوار به پیش روید !
راه شما به سوی خورشید است !

ربر نویس ها

- ۱ - از سانه مسرک حزب نوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۲ -
- ۳ - سانه ه سرناله جمهوری اسلامی ۳ بهمن
- ۴ - از سانه مسرک

سومین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران

به رهبری امام خمینی

سازگاری

استقلال آزادی جمهوری اسلامی

مرگ بر
امریکا

اتحاد

مرگ بر
بنی صدر



عدالت
اجتهادی

بنی صدر
رهبر ایران
تراز کردن